

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سرمدیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: حامد رضایی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه عرفان

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکربر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر محمدرضا اسدی یونسی	-	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر مریم اسکافی نوغابی	-	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
دکتر محمد اسکندری ثانی	-	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر بی بی اقدس اصغری	-	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
دکتر حسن امیرآبادی زاده	-	استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر هادی پورشافعی	-	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر محبوبه خراسانی	-	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دکتر لیلی سیفی	-	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر حمیدرضا شمس اسفندآبادی	-	استاد دانشگاه فرهنگیان یزد و دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه
دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	-	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر ابراهیم کنعانی	-	استادیار دانشگاه کوثر بجنورد
دکتر مهدی وفائی فرد	-	استادیار دانشگاه بیرجند



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

رابطه عملکرد خانواده با پر خاشگری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بیرجند

علی زارع مقدم، سمیه محمدی مقدم ۷

مطالعه وضعیت توزیع خدمات بخش بهداشت و درمان در شهرستان های استان خراسان شمالی

یعقوب زارعی ۲۵

مطالعه سنجش شاخص های سرمایه فرهنگی بر سواد رسانه ای دانشجویان؛ نمونه

موردی: دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات

محمدحسن شربتیان، زهرا اسکندری ۵۵

کارکرد زیبایی شناختی تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب

محمد غفوری فر، علیرضا حسینی ۸۹

استعمارستیزی بن مایه ی اصلی شعر محمدتقی بهار یگانه شاعر خراسان در عصر مشروطه

رضا موسی آبادی، مهدی نوروز، بتول فخراسلام ۱۰۹

تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود وضعیت زندگی در نواحی روستایی مورد مطالعه: بخش

مرکزی شهرستان تایباد

جواد میکانیکی، الهه داودیان، مفید شاطری ۱۳۳



رابطه عملکرد خانواده با پر خاشگری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بیر جند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

علی زارع مقدم^۱

سمیه محمدی مقدم^۲

چکیده

پر خاشگری از جمله موانع اصلی برقراری ارتباط سالم، مؤثر و هم‌چنین سازگاری با سایر اعضای جامعه است. سازگاری یکی از مؤلفه‌های مورد نیاز زندگی اجتماعی است. خانواده به‌عنوان اولین اجتماعی که فرزندان در آن به یادگیری می‌پردازند، مهم و قابل تأمل است. از این‌رو، این پژوهش با هدف شناخت رابطه بین عملکرد خانواده با پر خاشگری دانشجویان انجام شد. مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان بیر جند (پردیس امام سجاد "ع") در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ (۲۳۵ نفر) بود. تعداد ۱۴۶ نفر بر اساس فرمول کوکران به‌عنوان نمونه با روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه عملکرد خانواده اپشتاین، بالدوین و بیشاب (۱۹۸۳) و پرسشنامه پر خاشگری نواکو (۱۹۸۶) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج همبستگی نشان داد که بین زیرمقیاس‌های ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی و کنترل رفتار با پر خاشگری رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی پر خاشگری از طریق زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده نشان داد که تنها زیرمقیاس عملکرد کلی ($-0/461$)، به شکل معنی‌داری متغیر پر خاشگری را پیش‌بینی کرد. بر اساس آنچه در یافته‌ها نشان داده شد، بین عملکرد خانواده و پر خاشگری رابطه

۱. مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز نهبندان، نویسنده مسؤول

ali_zare@alumni.ut.ac.ir

۲. دانش آموخته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان (پردیس امام سجاد "ع") بیر جند

smohammadimoghadam98@gmail.com

منفی و معنادار وجود دارد. بدین صورت که هر چه خانواده‌ها عملکرد بهتری داشته باشند، فرزندان آنها پرخاشگری کمتری خواهند داشت. بنابراین خانواده‌ها نقش مؤثری در آینده فرزندان خود ایفا می‌کنند و می‌توانند با عملکرد صحیح در راستای کاهش پرخاشگری فرزندان خود مؤثر باشند.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، پرخاشگری، دانشجویان

مقدمه

رفتارهای پرخاشگرانه یکی از مشکلات اجتماعی مهم و اساسی در هر جامعه است که به دلیل اهمیت آن به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی توجه ویژه‌ای به آن می‌شود. برای پرخاشگری نمی‌توان یک تعریف مشخص و روشن ارائه کرد، زیرا تعریف پرخاشگری تحت تأثیر فرهنگ، تجربه و اعتقادات جوامع مختلف متفاوت است (ایزدی طامه و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۶). پرخاشگری یکی از واکنش‌های هیجانی و طبیعی هر فرد در برابر ناکامی و موقعیت‌های ناخوشایند است. کودکان خیلی زود درمی‌یابند که از طریق ابزار خشم می‌توانند به خواسته‌های خود برسند. دامنه خشم می‌تواند از اهانت لفظی تا خشونت فیزیکی متغیر باشد (برزگر بفرویی، ۱۳۹۴: ۲۲). رفتار پرخاشگرانه به عنوان اقدامی نسبت به فرد یا شیء خاص با هدف صدمه یا ترساندن دیگران است. در واقع، پرخاشگری تمایل به آسیب جسمی یا عاطفی به دیگران است که شامل پرخاشگری فیزیکی از طریق رفتارهایی مانند شکستن اموال دیگران، هدف قرار دادن دیگران، هل دادن، پرتاب اشیاء یا صدمه زدن به حیوانات و همچنین پرخاشگری کلامی از طریق رفتارهایی مانند استدلال، انتقاد، تهدید، توهین و یا سرزنش دیگران بروز می‌کند (Trenas, et al., 2013: 530). از دیدگاه ارونسون (۱۳۸۷: ۲۷۴) پرخاشگری رفتار آگاهانه‌ای است که هدفش اعمال درد و رنج باشد. به عبارت بهتر، عمل آگاهانه‌ای است که با هدف وارد آوردن صدمه و رنج انجام می‌گیرد. این عمل ممکن است بدنی یا کلامی باشد، خواه در نیل به هدف موفق بشود یا نشود، در هر صورت پرخاشگری است. به طور کلی رفتار پرخاشگرانه واجد چهار شرط زیر است: الف) فردی که رفتارش توأم با

پرخاشگری است آن رفتار را عمداً انجام می‌دهد، ب) پرخاشگری در روابط بین فردی که حاکی از تعارض یا ناکامی باشد، رخ می‌دهد، پ) شخصی که دارای رفتار پرخاشگرانه است قصدش برتری یافتن به فردی است که مقابل او رفتار پرخاشگرانه داشته است و ت) شخصی که چنین رفتاری از او سر می‌زند یا در جهت جدال تحریک شده یا حد اعلائی شدت، آن مسیر را پیموده است (ایزدی طامه و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

نتایج تحقیقات ویلدر و والت (Wilder & Walt, 2002: 481) و دودجی و کویی (Dodge & Coie, 1987: 1146) بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندان‌شان می‌کنند، دارای فرزندان هیستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می‌شوند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر رفتار و شخصیت فرزندان، فضای عاطفی خانواده است که در صورت توجه کردن به نیازهای روانی و زیستی فرزندان، مشکلات رفتاری کمتر و شخصیت منعطف‌تری در زندگی خواهند داشت و فرزندان بحران‌های رشدی و روانی کمتری را تجربه خواهند کرد (Kiesner & Kerr, 2004: 493؛ نقل در جاودان، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

برای پرخاشگری علت‌های زیادی مانند عوامل محیطی (اجتماعی- فرهنگی)، شخصیتی، ژنتیک و عملکرد دستگاه عصبی و هورمونی وجود دارد، اما نخستین و مهم‌ترین علت آن عوامل خانوادگی است (مامی و نادری، ۱۳۹۲: ۸۲). خانواده، نخستین و مناسب‌ترین مکان نقش‌پذیری و کانون اصلی پرورش کودک است و مانند نظام پویایی عمل می‌کند که اعضای آن پی‌درپی با هم در تعامل‌اند و متقابلاً بر همدیگر اثر می‌گذارند. اختلال در عملکرد این نظام، موجب اختلال در رفتار اعضای آن می‌شود به طوری که وجود الگوهای نامناسب در خانواده، روابط نادرست والدین با کودک از نظر مهرورزی و عاطفی، روابط خانوادگی گسسته و ناپایدار و عدم انسجام بین اعضای خانواده، تأثیرات مخربی در روحیه کودک به جا می‌گذارد. کودک در چنین محیطی، بیش از حد تحریک‌پذیر، مضطرب، پریشان و خودسرزنشگر می‌شود و موجبات رشد الگوهای رفتار خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه در کودک فراهم می‌گردد (Nazir, et al. 2012؛ نقل در میرزایی کوتنایی

و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۴).

برای تبیین این مسأله که عملکرد خانواده تا چه میزان در پرخاشگری جوانان نقش دارد، جامعه آماری پژوهش حاضر از میان دانشجو- معلمان دانشگاه فرهنگیان انتخاب گردید. افرادی که در آینده نزدیک وارد کلاس‌های درس خواهند شد و هر کدام از آنها هر ساله تعداد زیادی دانش‌آموز را تحت تربیت و تعلیم خود قرار خواهند داد. از طرفی دیگر، هر کدام از دانش‌آموزان، معلم خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای خود قرار می‌دهند و گاهی نقش معلم برای یک دانش‌آموز، از یک الگوی ساده فراتر رفته تا آنجا که تمام رفتارها و خط و مشی زندگی خود را با معلم خود سازگار و هماهنگ می‌کند. این موضوع به‌خصوص در دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی به‌وضوح دیده می‌شود. بنابراین اگر رفتار معلم با هر گونه کژی و ناراستی مثل پرخاشگری همراه باشد، نه تنها در زندگی شخصی خودشان، بلکه بر زندگی دانش‌آموزان زیادی تأثیر خواهد گذاشت. از سوی دیگر، آمارها حاکی از شیوع و گسترش روزافزون پرخاشگری در جوامع انسانی دارد. از این‌رو، جرائم پرخاشگرانه از جمله قتل، تجاوز جنسی، ایراد ضرب و جرح و اذاء دیگران، سرقت‌های توأم با پرخاشگری مانند سرقت مسلحانه، زورگیری و کیف‌قاپی از شایع‌ترین موارد پرخاشگری است که مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند (ابوالمعالی، ۱۳۸۹: ۱۱). بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و پرخاشگری دانشجویان و همچنین توان پیش‌بینی کنندگی زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده در تبیین پرخاشگری آنان انجام شد و برای این منظور فرضیه‌های زیر قابل تدوین گردید:

بین عملکرد خانواده و پرخاشگری دانشجویان رابطه وجود دارد. زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده، توان پیش‌بینی پرخاشگری در دانشجویان را دارند.

پیشینه پژوهش

ماسیوا و لیچیوا (Masaevaa & Lechieva, 2016: 216) در پژوهشی به مطالعه‌ی تأثیرات روانی^۱ الگوهای خانواده بر حادثه پرخاشگری مرتبط با کودکان پیش‌دبستانی پرداختند. محققان این مطالعه را با استفاده از ابزارهای تحقیقاتی روان‌شناختی مختلف انجام دادند که عبارت است از تجزیه و تحلیل پژوهش روان‌شناختی با تمرکز بر آموزش، مشاهده، مکالمه و آزمون‌ها (به‌عنوان مثال این روش‌های طراحی شده است، نقاشی حیوانی که وجود خارجی ندارد، آزمون دست واگنر^۲، تجزیه و تحلیل ارتباط خانواده ای. ج. ایدمیلر^۳ و یوستیتسکیس^۴؛ روش ریاضی‌وار پردازش داده‌ها). نتایج مطالعه نشان داد که تحصیلات خانواده راه را برای پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی هموار می‌کند که به‌عنوان خصوصیت شخصیتی خود را بروز می‌دهد و توسعه و تقویت می‌شود. این موضوع نیاز واقعی به تشخیص و اصلاح دارد.

ایسکیوسا (Eskisu, 2014: 492) در پژوهشی به تعیین ارتباط میان نگرش زورگویی^۵، عملکرد خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده پرداخت. براساس نتایج مطالعه، بین خرده مقیاس‌های نگرش به زورگویی و تمام خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در این ارزیابی مشخص شد دانش‌آموزانی که اظهار به زورگویی کردند، از سطح بالای شخصیت زورگویی، کثرتاری خانوادگی و سطح پایین اجتناب از زورگویی، پشتیبانی خانواده و معلم برخوردارند. علاوه بر آن، دانش‌آموزانی که اظهار کردند مورد زورگویی واقع شدند، از سطح بالای شخصیت زورگویی، کثرتاری (به‌جز کنترل رفتار) و سطح پایین پشتیبانی خانواده، معلم و همسالان برخوردارند.

آنگلا و دیگران (Angela, et al., 2016: 145) پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط طولی میان انسجام خانواده، نظارت والدین و پرخاشگری فیزیکی انجام دادند. نتایج

-
1. Psychological effects
 2. Wagner
 3. E.G. Eidemiller
 4. Yustitskis
 5. Bullying attitude

پژوهش نشان داد که میان عملکرد خانواده و پرخاشگری فیزیکی نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما به این موضوع که آیا این روابط ممکن است از نظر قومیت تفاوت داشته باشند یا نه، کمتر توجه شده است. تنوع قومیتی ممکن است برای هدف قرار دادن برنامه‌های پیش‌گیری برای جوانان و خانواده‌های خاص مهم باشد. مطالعه مورد نظر از داده‌های نمونه پروژه چندبخشی پیش‌گیری از خشونت جوانان در معرض خطر بالا (پرخاشگری افزایش یافته) استفاده کرد. شرکت کنندگان شامل ۱۲۳۲ دانش‌آموز متوسطه در معرض خطر بالا بودند (۶۵٪ مرد، ۷۰٪ آفریقایی-آمریکایی، ۱۵٪ اسپانیایی). نتایج نشان داد که انسجام خانواده بیشتر در جوانان اسپانیایی به‌طور قابل توجهی ارتباط منفی با خشونت فیزیکی دارد و نظارت والدین^۱ تنها برای جوانان آمریکایی-آفریقایی ارتباط منفی با پرخاشگری فیزیکی دارد. یافته‌های پژوهش به اهمیت توسعه‌ی مداخلات خانوادگی حساس از نظر فرهنگی اشاره می‌کند تا از پرخاشگری فیزیکی در مدارس متوسطه، جلوگیری شود.

سیری و سیری (۱۳۹۵: ۳۷) پژوهشی را با هدف تعیین رابطه بین میزان انسجام خانواده و پرخاشگری دانش‌آموزان در شهرستان پاکدشت استان تهران انجام دادند. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. در مجموع ۴۰۸ دانش‌آموز متوسطه اول و دوم در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های تجانس خانواده و پرخاشگری (AGQ) استاندارد شده ساعتچی جمع‌آوری شدند و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون آماری در سطح معناداری ($P < 0/05$) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. با توجه به یافته‌های پژوهش بین انسجام خانواده با پرخاشگری دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی برابر ۰/۲۹۴- است، پس رابطه دومتغیره نسبتاً قوی هست و منفی بودن این مقدار، رابطه معکوس دو متغیر را نشان می‌دهد، یعنی با افزایش یکی، دیگری کم شده و برعکس. این یعنی انسجام خانواده بر پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیر دارد و هر چه انسجام خانواده بیشتر باشد،

پر خاشگری فرزندان خانواده کمتر خواهد شد. بنابراین پیشنهاد شد با هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها و دانش‌آموزان در انسجام هر چه بیشتر خانواده‌ها، اهتمام ورزیده و با افزایش مهارت‌های زندگی و بهبود سلامت روان مخاطبین، از آسیب‌های اجتماعی پر خاشگری و عوارض ناشی از خشم‌های کنترل نشده، پیشگیری نمود.

گلچین (۱۳۸۱: ۳۶) پژوهشی به‌منظور تعیین میزان تمایل به پر خاشگری نوجوانان و ارتباط آن با عملکرد خانواده انجام داد. در این مطالعه مقطعی ۸۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر سال اول تا سوم دبیرستان‌های شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های عملکرد خانواده مقیاس بلوم^۱ و تمایل به پر خاشگری آزمون شخصیتی آیزنیک ویلسون^۲ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که تمایل به پر خاشگری در اکثر نوجوانان (۴۰ درصد) در حد متوسط بوده و نتایج آماری ضریب همبستگی اسپیرمن، رابطه معنی‌دار معکوسی را بین عملکرد خانواده و تمایل به پر خاشگری نوجوانان نشان داد ($r = -0/275$ یا $p < 0/001$). هم‌چنین بین تمایل به پر خاشگری در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. یافته‌های این مطالعه نقش خانواده را در کاهش یا افزایش پر خاشگری نوجوانان تأیید می‌کند.

کاهنی، حسن‌آبادی و سعادت‌جو (۱۳۷۹: ۲۲) در مطالعه‌ای موردی- شاهدهی به بررسی اضطراب، افسردگی، پر خاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۲-۱۹ سال در خانواده‌های گسسته و پیوسته پرداختند. در این مطالعه از دانش‌آموزان مشغول به تحصیل (۱۲-۱۹ ساله) در مدارس پسرانه و دخترانه شهرستان بیرجند، ۸۰ دانش‌آموز از خانواده‌های گسسته و ۸۰ نفر شاهد که دارای خانواده پیوسته بودند، به‌طور تصادفی انتخاب گردیدند. دو گروه مورد و شاهد از نظر سن و جنس، تحصیلات و شغل پدر و مادر و منطقه محل سکونت، همسان بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و برگه مشاهده بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون t-student استفاده گردید. نتایج نشان داد که رفتارهای نابهنجار در نزد نوجوانان دختر و پسر متفاوت است، به‌طوری‌که

-
1. Bloom
 2. Eisenck Wilson

میزان افسردگی و اضطراب در دختران خانواده‌های گسسته، بیشتر از پسران و میزان پرخاشگری و بزهکاری در پسران خانواده‌های گسسته، بیشتر از دختران است. نتایج فوق در مطالعات مختلف قبلی نیز مورد تأیید قرار گرفته و نشان دهنده تنش‌زا بودن طلاق، به‌خصوص در کودکان و نوجوانان است. متفاوت بودن رفتارهای نابهنجار در پسران و دختران، ممکن است به علت تفاوت‌های مزاجی، انعطاف‌پذیری و ساختارهای تطابقی متفاوت افراد باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش، همبستگی و از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی است (سعدی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۶). جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه فرهنگیان بیرجند (پردیس امام سجاد "ع") در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ (۲۳۵ نفر) بود. تعداد ۱۴۶ نفر بر اساس فرمول کوکران به‌عنوان نمونه با روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. با توجه به این‌که امکان دسترسی کامل به همه افراد وجود نداشت، به این منظور افراد طبق کلاس‌های درسی خوشه‌بندی شدند. سپس از میان کلاس‌ها به‌صورت خوشه‌ای نمونه‌گیری به‌عمل آمد، زیرا انتخاب گروهی افراد امکان‌پذیر و آسان‌تر از انتخاب افراد به صورت تک به تک بود.

برای سنجش عملکرد خانواده از پرسشنامه عملکرد خانواده اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^۱ (۱۹۸۳) استفاده شد. این ابزار متشکل از ۵۳ سؤال است. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت (کاملاً موافقم=۴، موافقم=۳، مخالفم=۲ و کاملاً مخالفم=۱) است. نمره بالا نشان دهنده عملکرد سالم و نمرات پایین نشان دهنده عملکرد مختل خانواده است. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی و کنترل رفتار. یوسفی (۱۳۹۱: ۱۰۱)؛ نقل در میرزایی علویجه و دیگران، (۱۳۹۲: ۲۳) به بررسی روایی و پایایی و تأیید علمی آن پرداخت. برازش پرسشنامه هر یک از حیطه‌های ارتباط (۰/۸۷)، آمیختگی عاطفی

(۰/۸۹)، ایفای نقش (۰/۸۷)، عملکرد کلی (۰/۸۲)، حل مشکل (۰/۸۶) و همراهی عاطفی (۰/۸۱) گزارش شده است. در این ابزار حیطه آمیختگی عاطفی بیشترین مشارکت و حیطه ایفای نقش کمترین مشارکت را در تبیین واریانس بر عهده داشت و میزان واریانس مشترک بین هفت حیطه ۲۰/۳۶٪ بود.

برای سنجش پر خاشگری از پرسشنامه پر خاشگری نواکو^۱ (۱۹۸۶) استفاده شد. این پرسشنامه مشتمل بر ۳۰ ماده است. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت (هرگز = ۰، به ندرت = ۱، گاهی اوقات = ۲ و همیشه = ۳) است و تنها ماده شماره ۱۸ دارای نمره گذاری معکوس است. حداقل نمره در این پرسشنامه صفر و حداکثر ۹۰ است. افرادی که نمره آنان در این مقیاس از میانگین کمتر است، پر خاشگری پایینی خواهند داشت. ضرایب باز آزمایی به دست آمده بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت (آزمون و آزمون مجدد) برای کل آزمودنی ها (N=۹۱)، ۰/۷۰، آزمودنی های دختر (N=۴۸) ۰/۶۴ و آزمودنی های پسر (N=۳۸) ۰/۷۹ بوده است. هم چنین در این پرسشنامه ضرایب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل آزمودنی ها (۰/۸۷۴)، برای آزمودنی های دختر ۰/۸۶ و برای آزمودنی های پسر ۰/۸۹ بوده است (ساعتچی، کامکاری و عسگریان، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام شد.

یافته ها

این مطالعه بر روی ۱۴۶ دانشجو انجام شد. از این تعداد ۴۸٪ از دانشجویان ورودی ۱۳۹۱، ۴۱/۸٪ از دانشجویان ورودی ۱۳۹۲، ۱۸/۵٪ از دانشجویان ورودی ۱۳۹۳، ۸/۹٪ از دانشجویان ورودی ۱۳۹۴ و ۲۶٪ از دانشجویان ورودی ۱۳۹۵ بودند. قبل از اجرای آزمون آماری، ضریب همبستگی مورد نیاز است تا نرمال بودن داده ها بررسی

شود. برای بررسی نرمال بوده داده‌ها از ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد.

جدول (۱) بررسی نرمال بودن داده‌ها

چولگی	ارتباط	آمیزش عاطفی	ایفای نقش	عملکرد کلی	حل مشکل	همراهی عاطفی	کنترل رفتار	پرخاشگری
۰/۱۶۶	-۰/۴۱۶	-۰/۱۸۵	-۰/۱۱۱	۰/۲۰۸	-۰/۰۹۷	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۵	
خطای استاندارد چولگی	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱
کشیدگی	-۰/۳۴۷	۰/۲۹۸	-۰/۳۲۰	-۰/۵۶۶	-۰/۱۷۸	-۰/۲۸۹	-۰/۳۵۳	-۰/۳۳۸
خطای استاندارد کشیدگی	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹

با توجه به نتایج جدول ۱، از آنجایی که تمامی مقادیر چولگی و کشیدگی در بازه ۲ تا ۲- است، بنابراین داده‌ها نرمال است و می‌توان از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین پرخاشگری و عملکرد خانواده استفاده کرد.

فرضیه اول: بین عملکرد خانواده و پرخاشگری دانشجویان رابطه وجود دارد. برای بررسی فرضیه اول پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول (۲) ماتریس همبستگی متغیرهای عملکرد خانواده و پرخاشگری دانشجویان

n=۱۴۶	پرخاشگری	ارتباط	آمیزش عاطفی	ایفای نقش	عملکرد کلی	حل مشکل	همراهی عاطفی	کنترل رفتار
پرخاشگری	۱							
ارتباط	-۰/۳۰۹**	۱						
آمیزش عاطفی	**۰/۳۶۴	**۰/۴۱۳**	۱					
ایفای نقش	**۰/۲۹۶	**۰/۵۰۶	**۰/۶۵۳**	۱				
عملکرد کلی	**۰/۴۴۴	**۰/۶۳۰**	**۰/۶۳۵**	**۰/۷۰۰**	۱			
حل مشکل	**۰/۲۵۳	**۰/۵۸۸	**۰/۴۹۳**	**۰/۶۱۴**	**۰/۶۹۶**	۱		

همراهی عاطفی	۰/۲۷۹**	۰/۵۲۰**	۰/۵۰۱**	۰/۴۵۰**	۰/۵۶۰**	۰/۴۸۱**	۱
کنترل رفتار	۰/۱۹۸**	۰/۵۲۰**	۰/۴۶۵**	۰/۵۲۴**	۰/۴۹۳**	۰/۴۶۸**	۱

$$**p < ۰/۰۱$$

با توجه جدول ۲ نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین زیرمقیاس‌های ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل و همراهی عاطفی و کنترل رفتار با پرخاشگری رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۱$).
فرضیه دوم: زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده، توان پیش‌بینی پرخاشگری در دانشجویان را دارند.

برای تعیین نقش زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده در واریانس پرخاشگری از تحلیل رگرسیون استفاده شد. قبل از گزارش نتایج رگرسیون، ابتدا شرایط اجرای آزمون رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این تحلیل، مقدار آماره دوربین واتسون^۱ برابر ۱/۷۱۴ بوده که نشان از برقراری فرض استقلال باقیمانده‌ها دارد. برای بررسی آزمون هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین نیز از شاخص‌های ضریب تحمل (تولرنس^۲) و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. در الگوی رگرسیونی برای تمام زیرمقیاس‌های متغیر پیش‌بین شاخص تحمل کمتر از یک و عامل تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است، کمتر از ۱۰ به‌دست آمد. بنابراین مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه برقرار است.

جدول ۳) خلاصه الگوی رگرسیون

R	مجذور R	مجذور R تنظیم شده	خطای استاندارد برآورد شده	دوربین واتسون
۰/۴۸۳	۰/۲۳۳	۰/۱۹۴	۱۲/۱۹۲۷۶	۱/۷۱۴

در جدول ۳ مقدار مجذور R تنظیم شده برابر ۰/۱۹۴ است. این مقدار نشان می‌دهد که الگوی مورد استفاده ۱۹٪ از تغییرات نمرات پرخاشگری را توجیه می‌کند.

1. Durbin watson
 2. Tolerance

جدول ۴) خلاصه تحلیل الگوی رگرسیون

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۶۲۴۰/۶۷۵	۷	۸۹۱/۵۲۵	۵/۹۹۷
	باقیمانده	۲۰۵۱۵/۵۴۴	۱۳۸	۱۴۸/۶۶۳	
	کل	۲۶۷۵۶/۲۱۹	۱۴۵		

نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی الگوی رگرسیونی ارائه شده در جدول ۴ نشان داد که مقدار **F** به دست آمده برابر با ۵/۹۹۷ است و این مقدار در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است و نشان می دهد که زیرمقیاس های عملکرد خانواده قادرند تغییرات مربوط به پرخاشگری را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن الگوی رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۵) تحلیل رگرسیون برای پیش بینی پرخاشگری از طریق زیرمقیاس های عملکرد خانواده

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	T	سطح معناداری	آماره های هم خطی	
	B	خطای استاندارد				VIF	Tolerance
ثابت	۷۸/۰۰۶	۶/۴۵۰		۸/۸۹۸	۰/۰۰۱		
ارتباط	-۰/۱۷	۰/۳۹۸	-۰/۱۱۰	-۱/۰۴۸	۰/۲۹۷	۱/۹۷۵	۰/۵۰۶
آمیزش عاطفی	-۰/۵۲۶	۰/۳۱۱	-۰/۱۸۱	-۱/۶۹۱	۰/۰۹۳	۲/۰۶۳	۰/۴۸۵
ایفای نقش	۰/۱۹۴	۰/۳۹۲	۰/۰۵۸	۰/۴۹۵	۰/۶۲۱	۲/۴۶۵	۰/۴۰۶
عملکرد کلی	-۰/۸۲۱	۰/۲۳۹	-۰/۴۶۱	-۳/۴۲۷	۰/۰۰۱	۳/۲۶۰	۰/۳۰۷
حل مشکل	۰/۶۷۷	۰/۵۵۸	۰/۱۳۵	۱/۲۱۳	۰/۲۲۷	۲/۲۱۴	۰/۴۵۲
همراهی عاطفی	-۰/۰۷۷	۰/۳۵۱	-۰/۰۲۱	-۰/۲۱۸	۰/۸۲۸	۱/۶۶۸	۰/۶۰۰
کنترل رفتار	۰/۴۲۳	۰/۳۱۰	۰/۱۳۳	۱/۳۶۵	۰/۱۷۴	۱/۶۹۹	۰/۵۸۹

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی پرخاشگری از طریق زیرمقیاس‌های عملکرد خانواده در جدول ۵ نشان داد که تنها زیرمقیاس عملکرد کلی (۰/۴۶۱-)، به شکل معنی‌داری متغیر پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند.

(عملکرد کلی) $0/461 - + 78/006 =$ پرخاشگری

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین عملکرد خانواده و پرخاشگری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بدین‌صورت که هر چه خانواده‌ها عملکرد بهتری داشته باشند فرزندان آنها از پرخاشگری کمتری برخوردار خواهند بود. بنابراین خانواده‌ها نقش مؤثری در آینده فرزندان خود ایفاء می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته پژوهش‌های سیری و سیری (۱۳۹۵)، آهنگر انزابی و دیگران (۱۳۹۰)، کیزنر و کر (Kiesner & Kerr, 2004؛ نقل در جاودان، ۱۳۹۳)، ویلدر و والت (Wilder & Walt, 2002؛ نقل در آهنگر انزابی، شریفی درآمدی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰)، دودجی و کویی (Dodge & Coie, 1987)، گلچین (۱۳۸۱) و کاهنی، حسن‌آبادی و سعادت‌جو (۱۳۷۹) تقریباً همسو است. در بررسی پژوهش‌های قبلی، پژوهشی که نتایج آن مغایر با نتایج پژوهش حاضر باشد، یافت نشد.

بنابراین طبق این پژوهش و پژوهش‌های دیگر (سیری و سیری، ۱۳۹۵؛ گلچین، ۱۳۸۱) خانواده نقش اصلی را در کیفیت رفتار فرزندان خود دارد. باید در نظر داشت فرزندان بیشترین وقت خود را به‌خصوص در کودکی در خانه سپری می‌کنند. اگر والدین مراقب رفتارشان در برخورد با یکدیگر و با فرزندان نباشند و یا سعی کنند با پرخاشگری به امر و نهی بپردازند و این‌گونه کارهای خود را جلو ببرند، کودکان با مشاهده رفتار آنان که اولین الگوی زندگی‌شان هستند، رفتار آنان را تقلید می‌کنند. این کودکان برای پرخاشگری در آینده مستعد می‌شوند. گویی این امر جزئی از افکار آنها می‌شود که در ارتباط با دیگران باید با پرخاشگری عمل کنند تا کارشان جلو برود و در غیر این صورت، در پیشبرد کارهایشان با شکست روبرو خواهند شد.

اساساً نقش‌های خانوادگی زمانی به مؤثرترین شکل تحقق می‌یابند که دربرگیرنده تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و به‌طور عادلانه میان اعضای خانواده تقسیم شوند و هم‌چنین درباره انجام دادن وظایف اعضا، پیگیری مستمر انجام گیرد. در خانواده‌های نوجوانان پرخاشگر، تخصیص نقش‌ها در خانواده به‌درستی صورت نمی‌گیرد، والدین دچار غفلت می‌شوند و به مسائل تربیتی، تحصیلی، اقتصادی و تفریحی کودکان و نوجوانان اهمیت نمی‌دهند و آنها را به حال خود رها می‌کنند و فرزندان بیشتر به اجتماع و گروه‌های همسالان روی می‌آورند و نظارت والدین بر روی آنها کم می‌شود (امانیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۵). از سوی دیگر، در خانه‌هایی که تعارض و کشمکش بین والدین و اعضای خانواده زیاد است، نظارت و کنترل کافی بر رفتار فرزندان وجود ندارد و فرزندان پیوسته از سوی والدین طرد می‌شوند، خانواده فرصت لازم برای تربیت فرزندان برای برآوردن نیازهایشان از راه مناسب را ندارد. این امر سبب می‌شود تا کودکان نتوانند از الگوهای ارتباطی مؤثر در روابط بین‌فردی خود با دیگران بهره‌مند شوند و موانع و مشکلات موقعیتی و تنیدگی‌زا را کنار زنند. بنابراین از راهبردهای ناکارآمدی چون پرخاشگری برای مقابله با تعارض‌ها و رسیدن به هدف‌ها و خواسته‌های خود استفاده می‌کنند (میرزایی کوتنایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۱). به‌طور کلی یافته پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که خانواده‌هایی که از عملکرد ضعیف برخوردارند، این عملکرد باعث گسستگی و جدائی عاطفی اعضای خانواده و فقدان ارتباط، عدم همراهی عاطفی و سطح پایین رضایت و خشنودی خانوادگی می‌شود و در نتیجه، باعث مشکلاتی چون پرخاشگری می‌گردد. در واقع، اگر در یک خانواده مشکلات به‌درستی حل شوند، اعضا ارتباط خوبی با یکدیگر داشته باشند و هنگامی که فرد با مشکلی مواجه می‌شود، اعضا خانواده بتوانند با وی به‌خوبی ارتباط برقرار کرده و آمیزش عاطفی خوبی داشته باشند، به‌گونه‌ای که وی احساس کند که تکیه‌گاه امنی دارد، اختلال‌های رفتاری در افراد این خانواده، کمتر به‌وجود می‌آید.

این مطالعه دارای محدودیت‌هایی است، ازجمله این که مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی است، لذا روابط به‌دست آمده را نمی‌توان به‌عنوان روابط علت و معلولی

تفسیر کرد و با توجه به این که این پژوهش تنها بر روی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر بیرجند (پردیس امام سجاد "ع") انجام شده است، پس نمی توان در خصوص تعمیم نتایج به سایر دانشجویان اظهار نظر کرد. بنابراین پیشنهاد می شود که مطالعه در سایر شهرها تکرار شود تا شواهدی از روابط به دست آمده فراهم شود و با توجه به نقش مهم خانواده در رفتار و سرنوشت فرزندان در آینده، تمام نهادها و سازمان های مرتبط برای آموزش خانواده ها، برای بهبود عملکرد خانواده ها در ارتباط با فرزندان بسیج شوند.

منابع

- آهنگر انزابی، احد؛ شریفی در آمدی، پرویز؛ فرج زاده، رباب (۱۳۹۰). "رابطه سبک های فرزند پروری والدین با پر خاشگری نوجوانان شهرستان شبستر". *پژوهش های علوم شناختی و رفتاری*، سال اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۸-۱.
- ابوالعالی، خدیجه (۱۳۸۹). *نظریه های جرم شناسی و بزه کاری*. تهران: ارجمند.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه حسین شکرشکن. تهران: رشد.
- امانیان، ابوالفضل، و دیگران (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط عملکرد خانواده با پر خاشگری دانش آموزان". *فصلنامه خانواده و پژوهش*، سال هشتم، ش ۱۳ (پاییز و زمستان): ۴۸-۳۱.
- ایزدی طامه، احمد، و دیگران (۱۳۸۸). "مقایسه تأثیر آموزش صبر و حل مسأله بر کاهش پر خاشگری و انتخاب راهبردهای مقابله ای دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی". *فصلنامه دانش/انتظامی*، سال یازدهم، ش ۳ (پاییز): ۲۰۷-۱۸۲.
- برزگر بفروبی، کاظم (۱۳۹۴). "تأثیر آموزش همدلی بر سازگاری اجتماعی و پر خاشگری دانش آموزان دختر". *پژوهش در یادگیری/آموزشگاهی و مجازی*، سال سوم، ش ۹ (تابستان): ۳۲-۲۱.
- جاودان، موسی (۱۳۹۳). "رابطه خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت های زندگی با پر خاشگری نوجوانان پسر". *فصلنامه شخصیت تفاوت های فردی*، سال

- سوم، ش ۵ (زمستان): ۱۲۵-۱۴۲.
- ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز؛ عسگریان، مهناز (۱۳۸۹). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: ویرایش.
 - سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*. تهران: دوران.
 - سیری، سیمین؛ سیری، نرگس (۱۳۹۵). "رابطه بین انسجام خانواده و میزان پرخاشگری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان پاکدشت استان تهران". *فصلنامه ایده‌های نو در علوم و فناوری*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۳۷-۵۵.
 - کاهنی، سیمیا؛ حسن‌آبادی، محسن؛ سعادت‌جو، علیرضا (۱۳۷۹). "بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۲-۱۹ سال در خانواده‌های گسسته و پیوسته". *مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی سبزوار*، سال هفتم، ش ۴ (تابستان): ۲۲-۲۸.
 - گلچین، مهری (۱۳۸۱). "تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده". *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی قزوین*، دوره ششم، ش ۱ (بهار): ۳۶-۴۱.
 - مامی، شهرام؛ نادری، مصطفی (۱۳۹۲). "عوامل مؤثر در پرخاشگری افراد و راه‌های مقابله با آن". *پژوهش‌های علوم انسانی*، سال پنجم، ش ۳۱ (زمستان): ۷۵-۹۰.
 - میرزایی علویجه، مهدی، و دیگران (۱۳۹۲). "تأثیر عملکرد خانواده در وابستگی جوانان به مواد مخدر صنعتی". *فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، سال اول، ش ۲ (تابستان): ۱۹-۳۰.
 - میرزایی کوتنایی، فرشته، و دیگران (۱۳۹۴). "نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان". *فصلنامه تحول روان‌شناختی کودک*، سال دوم، ش ۲ (تابستان): ۷۳-۸۴.
 - یوسفی، ناصر (۱۳۹۱). "بررسی شاخص‌های روانسنجی مقیاس‌های شیوه سنجش خانوادگی مک مستر (FAD)". *فصلنامه اندیشه‌گیری تربیتی*، سال هفتم، ش ۳

(بهار): ۸۵-۱۱۴.

- Angela K. H.; et al. (2016). "Family Functioning and High Risk Adolescents' Aggressive Behavior: Examining Effects by Ethnicity". *J. Youth Adolescence*, Vol. 45, No. 1 (Jan.): 145-155.
- Dodge, K. A.; Coie, J. D. (1987). "Social- information processing factors in reactive and proactive aggression in children's peer groups". *Journal of personality and Social Psychology*, Vol. 53, No. 6 (December): 1146-1158.
- Eskisu, M. (2014). "The Relationship between Bullying, Family Functions and Perceived Social Support among High School Students". *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, Vol. 159, No. 23 (December): 492-496.
- Kiesner, J.; Kerr, M. (2004). "Families, peers, and contexts as multiple determinants of adolescent problem behavior". *Journal of Adolescence*, Vol. 27, No. 5 (October): 493-495.
- Masaevaa, Z.; Lechieva, M. (2016). "Psychological aspects of the family values and their effect on aggression events associated with pre-school children". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 233, No. 17 (October): 216-221.
- Trenas, A. F. R., et al. (2013). "Relationship between Parenting Style and Aggression in a Spanish Children Sample". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 82, No. 3 (July): 529-536.
- Wilder, E. I.; Watt, T. T. (2002). "Risky parental behavior and adolescent sexual Activity at first coitus". *Milbank Quarterly*, Vol. 80, No. 3 (September): 481-524.

مطالعه وضعیت توزیع خدمات بخش بهداشت و درمان در شهرستان‌های استان خراسان شمالی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۰

یعقوب زارعی^۱

چکیده

در نظام سلامت، مدیریت و تخصیص بهینه منابع از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌طوری که امروزه یکی از اقدامات اساسی جوامع توسعه یافته در جهت تحقق عدالت اجتماعی، کاهش شکاف‌های منطقه‌ای در حوزه بهداشت و درمان است. در همین راستا، نحوه توزیع خدمات بهداشتی- درمانی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سنجش به‌شمار می‌رود که می‌تواند عملکرد نظام سلامت در یک گستره فضایی را به‌صورت واضح به تصویر کشد. از همین‌رو، پژوهش حاضر نیز با هدف تبیین و سنجش عملکرد نظام سلامت در تخصیص خدمات بهداشتی- درمانی در استان خراسان شمالی انجام گردید. نوع پژوهش کاربردی است که روش تحقیق آن توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری آن مبتنی بر اطلاعات رایج آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان خراسان شمالی) بوده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شهرستان‌های استان خراسان شمالی بوده است که جهت سنجش سطح توسعه آنها، ۲۰ مؤلفه در قالب شاخص‌های توسعه از آمارنامه رسمی استان استخراج و با استفاده از روش تاپسیس و تحلیل مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد بجنورد با ضریب ۰/۷۶ توسعه یافته‌ترین شهرستان و رازوجرگلان با ضریب ۰/۱۰ محروم‌ترین شهرستان استان به لحاظ توسعه در بخش بهداشت و درمان است. نتایج همچنین ضمن نشان دادن عدم تناسب بین توزیع خدمات بهداشتی- درمانی و نیازهای

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، نویسنده مسؤول
yaghoub.zarei@yahoo.com

جمعیتی شهرستان‌ها، از حاکم بودن یک محرومیت کلی در بخش بهداشت و درمان استان خراسان شمالی حکایت داشت.

واژگان کلیدی: نظام سلامت، بخش بهداشت و درمان، روش تاپسیس، خراسان شمالی

مقدمه

سلامت را می‌توان مفهومی بنیادین، گسترده و در عین حال نسبی تعریف نمود. فرایندی چندمحوری که عوامل بسیاری در ایجاد و تداوم آن نقش ایفاء می‌کنند و نتیجه‌ی مشارکت تمام دستگاه‌های اجرایی جامعه بوده و تأثیر درخور توجهی بر بخش‌های دیگر جامعه دارد. به همین علت، در برنامه‌های توسعه هزاره سوم، مقوله سلامت یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌یافتگی به‌شمار می‌آید (فرجی سبکبار، وزین و سجاسی قیداری، ۱۳۹۳: ۸۴) به‌طوری که می‌توان گفت در میان شاخص‌های مختلف توسعه، شاخص بهداشت از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت هر کشور به‌شمار می‌آید و میزان موفقیت برنامه‌های توسعه ملی نیز تا اندازه زیادی در گرو دستیابی به هدف‌های این بخش است، به‌گونه‌ای که هر چه میزان و کیفیت شاخص‌های بهداشتی در یک جامعه بیشتر و توزیع و پراکنش این شاخص‌ها متعادل‌تر و متناسب‌تر باشد، رفاه و سلامتی نسبی بیشتری در آن جامعه وجود خواهد داشت (تقوایی و شاهپوندی، ۱۳۸۹: ۳۷). از همین‌رو، بخش بهداشت و درمان به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت و تندرستی افراد جامعه دارد (بهرامی، ۱۳۹۴: ۴۰).

در این میان مقوله عدالت توزیعی در نظام سلامت و بویژه بخش بهداشت و درمان، یکی از اساسی‌ترین چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان این حوزه به‌شمار می‌رود تا جایی که بحث برابری در توزیع منابع سلامت و تأثیر آن بر کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده مدت‌هاست که سیاست‌گذاران نظام سلامت را به چالش کشیده و مباحث فراوانی پیرامون آن مطرح شده است (زندیان، قیاسوند و نسیمی دوست، ۱۳۹۱: ۸۰۰). از همین حیث یکی از مهم‌ترین سنجه‌های ارزیابی عملکرد کلی نظام سلامت، نحوه توزیع کمی و کیفی خدمات و امکانات بهداشتی- درمانی است که توزیع متقارن و متناسب آن در

گستره هر منطقه، می‌تواند یکی از مشخصه‌های مهم ارتقای شاخص سلامت در آن جامعه محسوب گردد.

طرح مسأله

مطالعه‌ی شاخص‌های سلامت و بهداشت جمعیت، از معیارهای اصلی ارزیابی کیفیت عملکرد دولت‌ها در ارائه‌ی خدمات بهداشتی- درمانی به جمعیت تحت پوشش محسوب می‌گردد (صادقی بازرگانی و عدالتخواه، ۱۳۸۴: ۱۵۱). بر همین مبنا، شناخت سطح سلامت فردی و جسمی براساس دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی در هر جامعه‌ای، ضمن تشریح چگونگی توزیع درآمد، میزان فقر و ارائه‌ی کالاهای عمومی نظیر خدمات بهداشتی، نشان دهنده میزان توجه دولت به عدالت توزیعی است (باباخانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۶۰) و می‌تواند جهت‌گیری نظام‌های مراقبت سلامت را به سمت تصمیم‌گیری‌های صحیح و برقراری عدالت توزیعی در زمینه تخصیص منابع سوق دهد، به‌طوری که نگاهی اجمالی به نحوه توزیع خدمات نظام سلامت در کشورهای پیشرفته و کشور جمهوری اسلامی ایران، این مسأله را به‌خوبی تبیین می‌سازد.

طبق شواهد در حالی که سهم بهداشت و درمان در کشورهای توسعه یافته آلمان ۱۰/۹٪ تولید ناخالص ملی، کانادا ۹/۶٪ تولید ناخالص ملی، استرالیا ۹/۵٪ تولید ناخالص ملی، سوئد ۹/۲٪ تولید ناخالص ملی، هلند و دانمارک ۸/۸٪ تولید ناخالص ملی، ژاپن ۷/۹٪ تولید ناخالص ملی و انگلستان ۷/۷٪ تولید ناخالص ملی بوده است، اما در ایران این مقدار به ۶٪ می‌رسد که بسیار کم می‌باشد. هم‌چنان که سرانه بهداشتی- درمانی در کشور کانادا ۲۹۳۱ دلار و در کشور انگلستان ۲۱۶۰ دلار است، در ایران سرانه بهداشت و درمان برابر با ۴۳۲ دلار می‌باشد که بسیار ناچیز است. آمارها توزیع منابع انسانی در نظام بهداشت و درمان نیز حاکی از آن است که به ازای هر ۱۰ هزار نفر در کشور آلمان ۳۳/۷ پزشک، سوئد ۳۲/۶ پزشک، هلند ۳۱/۵ پزشک، دانمارک ۲۹/۱ پزشک، استرالیا ۲۴/۷ پزشک، انگلیس ۲۱/۳ پزشک، ژاپن ۲۰/۱ پزشک و کانادا ۱۸/۹ پزشک وجود دارد، اما در کشور ما به ازای هر ۱۰ هزار نفر تنها ۱۱/۹ پزشک وجود دارد. هم‌چنین به

ازای هر ۱۰ هزار نفر در کشور هلند ۱۳۷/۹ پرستار و ماما، سوئد ۱۰۸/۷ پرستار و ماما، آلمان ۱۰۰/۵ پرستار و ماما، استرالیا ۹۱/۲ پرستار و ماما، ژاپن ۸۶/۳ پرستار و ماما، دانمارک ۷۴/۲ پرستار و ماما، کانادا ۷۳/۵ پرستار و ماما و انگلیس ۵۴ پرستار و ماما وجود دارد، اما در کشور ما به ازای هر ۱۰ هزار نفر تنها ۱۶/۱ پرستار و ماما وجود دارد. در توزیع امکانات نیز به عنوان نمونه در مورد تخت بیمارستانی، در حالی که به ازای هر ۱۰ هزار نفر در کشور ژاپن ۱۴۷ تخت بیمارستانی، آلمان ۸۹ تخت بیمارستانی، سوئد ۵۲ تخت بیمارستانی، هلند ۴۶ تخت بیمارستانی، کانادا ۴۴ تخت بیمارستانی، انگلیس ۴۲ تخت بیمارستانی، دانمارک ۴۱ تخت بیمارستانی و استرالیا ۴۰ تخت بیمارستانی وجود دارد، اما در کشور ما به ازای هر ۱۰ هزار نفر فقط ۱۶ تخت بیمارستانی وجود دارد (کریمی، سالاریان و عنبری، ۱۳۸۸: ۹۷).

هر چند در کنار سهم کم و نه چندان قابل ملاحظه بخش بهداشت و درمان از تولید ناخالص ملی، سرانه اندک بهداشتی- درمانی، کمبود منابع انسانی و تجهیزات بهداشتی- درمانی، بررسی‌ها نشان می‌دهند در عین کمبود منابع، به لحاظ جغرافیایی نیز توزیع منابع و شاخص‌های سلامت نیز در استان‌های کشور به صورت نابرابر انجام شده است، تا جایی که نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد به لحاظ برخورداری از منابع و تجهیزات بهداشتی- درمانی، استان‌های سمنان، خراسان رضوی و یزد به عنوان برخوردارترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، آذربایجان شرقی و لرستان به عنوان محروم مناطق تلقی می‌گردند. در این میان استان خراسان شمالی نیز (به عنوان منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر) در ردیف مناطق محروم قرار گرفته است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۳).

از آن جا که دسترسی عادلانه همه افراد جامعه به خدمات بهداشتی- درمانی ضمن ارتقای سلامت برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، سبب ایجاد فضای رشد و توسعه در جامعه می‌گردد و پیش زمینه ایجاد عدالت در جامعه محسوب می‌گردد (Gulliford & Morgan, 2003: 44). لذا سلامت روح و جسم انسان‌ها، به عنوان یکی از معیارهای مهم توسعه یافتگی کشورها و مناطق محسوب می‌شود که میزان برخورداری یا دسترسی

به این خدمات و توزیع بهینه آنها در سطح کشور و منطقه از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است (تقوایی و شاهپوندی، ۱۳۸۹: ۳۵).

از سوی دیگر، با عنایت به این که امروزه در بررسی ابعاد و شاخص‌های اساسی توسعه انسانی و اجتماعی هر جامعه‌ای، چگونگی ارائه خدمات بهداشتی- درمانی و همچنین میزان دسترسی افراد آن جامعه به این خدمات مد نظر قرار می‌گیرد و شناخت وضع موجود جوامع در برنامه‌ریزی توسعه پایدار به‌عنوان ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه سالم به‌شمار می‌آید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶)، لازم است برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قبل از تدوین برنامه‌ها و انجام اقدامات مناسب برای زدودن نابرابری‌های موجود در بخش سلامت، در خصوص شاخص‌های مختلف مربوط به این بخش و کیفیت دسترسی به انواع امکانات و خدمات در مناطق مختلف یک کشور آگاهی کافی داشته باشند (Lai, et al., 2008). بر همین اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ۲۰ شاخص بهداشتی- درمانی (اعم از سرمایه انسانی و امکانات مادی) و با هدف سنجش وضعیت توزیع کمی خدمات بهداشتی- درمانی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی، تلاش نموده است تا ضمن ترسیم تبیین وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان نسبت به یکدیگر، قطب‌های تجمع امکانات مناطق محروم را مشخص سازد. بدیهی است این مهم می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های آتی، توجه مسئولان منطقه‌ای را بیشتر به سمت مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته سوق دهد و زمینه رفع عدم تعادل و دستیابی به آمایش سرزمینی در استان را فراهم سازد.

پیشینه تحقیق

هرچند در راستای سنجش توزیع فضایی امکانات و خدمات بهداشتی- درمانی، مطالعات داخلی و خارجی متعددی انجام پذیرفته است، اما در این میان، مقاله‌ای که به تبیین شکاف منطقه‌ای در استان خراسان شمالی پرداخته باشد، وجود ندارد. از همین‌رو، به چند دلیل پژوهش حاضر متفاوت و برای اولین بار ارائه شده است. اولاً تاکنون هیچ مطالعه‌ای در استان خراسان شمالی جهت سطح‌بندی شهرستان‌های این استان در

توزیع شاخص‌های بهداشتی- درمانی صورت پذیرفته است، ثانیاً ضمن همگن بودن جامعه مورد مطالعه، این بررسی بر خلاف برخی پژوهش‌ها، صرفاً به یک بُعد نپرداخته است و در توزیع شاخص‌های بهداشتی- درمانی هم توزیع منابع انسانی و هم توزیع امکانات بهداشتی- درمانی را توأمان مد نظر قرار داده است. در ادامه سعی می‌شود تا چند مورد از مطالعات موازی و مرتبط با موضوع مورد پژوهش، اعم از داخلی (انجام شده در سایر استان‌ها) و خارجی ذکر گردد.

تقوایی و شاهپوندی (۱۳۸۹) پراکنش خدمات بهداشتی- درمانی را در سطح شهرستان‌های کشور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اختلاف زیادی بین شهرستان‌های کشور از نظر میزان برخورداری از شاخص‌های بهداشتی- درمانی وجود دارد.

زندیان، قیاسوند و نسیمی دوست (۱۳۹۱) در سنجش نابرابری توزیع منابع بهداشتی- درمانی در استان اردبیل، نشان دادند که وضعیت توزیع منابع بهداشت و درمان در استان نامتوازن و نامتعادل بوده است. ابراهیمی‌پور و دیگران (۱۳۹۲) در ارزیابی شهرستان‌های استان اصفهان به لحاظ دسترسی به شاخص‌های بهداشتی- درمانی، ضمن تأیید توزیع نابرابر امکانات، نشان دادند که شهرستان کاشان به لحاظ برخورداری در رتبه نخست و شهرستان برخوار در رتبه انتهایی قرار دارند. احمدی و دیگران (۱۳۹۳) در تحلیل فضایی برخورداری استان‌های ایران در شاخص سلامت، ضمن دستیابی به توزیع جغرافیایی نابرابر شاخص‌های سلامت در بین استان‌های ایران، به این نتیجه رسیدند که استان‌های سمنان، خراسان رضوی و یزد برخوردار و استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، آذربایجان شرقی و لرستان محروم بوده‌اند. زارعی و رحمانیان کوشکی (۱۳۹۴) در ارزیابی عملکرد نظام سلامت در تخصیص منابع بهداشتی- درمانی و تأمین اجتماعی در استان بوشهر، بر توسعه نامتوازن و ناهمگون استان بوشهر در حوزه سلامت تأکید می‌کنند و نتایج کار آنها نشان می‌دهد شهرستان بوشهر توسعه یافته‌ترین و شهرستان گناوه محروم‌ترین شهرستان در ابعاد بهداشتی- درمانی و تأمین اجتماعی بوده است. موسوی و دیگران (۱۳۹۵) در سنجش سطوح توسعه یافتگی خدمات بهداشتی-

درمانی استان خراسان رضوی، نشان دادند که شهرستان مشهد به عنوان برخوردارترین شهرستان از لحاظ شاخص های توسعه یافتگی خدمات بهداشتی- درمانی بوده و اختلاف چشمگیری با سایر شهرستان های استان دارد.

ملکی و دیگران (۱۳۹۶) در ارزیابی وضعیت شاخص های سلامت در شهرستان های استان ایلام، نشان دادند که محدوده مورد مطالعه از وضعیت نامناسب و دور از استاندارد برخوردار است و تنها شهرستان های شیروان و چرداول و ایلام به لحاظ برخورداری در حال توسعه می باشند و سایر شهرستان ها در وضعیت نیمه برخوردار تا محروم قرار دارند. در یک بررسی نویسندگان معتقدند نامناسب بودن وضعیت سلامت در جامعه، فقر اقتصادی را به دنبال خواهد داشت، زیرا توان کار و فعالیت و در نتیجه، درآمد افراد کاهش می یابد، یا این که بخش چشمگیری از دارایی خانواده ها صرف تأمین هزینه های درمان خواهد شد (Smith, et al., 2009: 767). در مقاله دیگری اندازه گیری سطوح نابرابری های بهداشتی در مناطق مختلف برای تطبیق و نظارت سیاست های بهداشتی ضروری شمرده است (Makdissia & Yazbeck, 2014: 84). نویسندگان مقاله ای در بررسی خود این چنین عنوان نموده اند که با وجود این که دولت های متعدد در کشور انگلستان سالیان متمادی است که به تعهدات خود برای مقابله با نابرابری های بهداشتی عمل نموده اند، اما با این وجود بهبود کمی و تفاوت در نتایج سلامت ایجاد شده است (Baker, Mawby & Ware, 2015: 3). در مقاله ای دیگر در خصوص نابرابری های منطقه ای سلامت در روسیه، مقاله استدلال می کند که تفاوت های تعدیل نشده قابل توجه و معنی داری بر حسب امتیاز در نظام سلامت در سراسر منطقه فدرال روسیه وجود دارند، به طوری که به عنوان نمونه امتیازاتی که برای سلامت افراد در ولگا در نظر گرفته شده است با توجه به سن و ترکیب اجتماعی و اقتصادی، پایین تر از روسیه مرکزی بوده است (Lyytikäinen and Kemppainen, 2016: 92).

مبانی نظری

مفهوم عدالت در خدمات سلامتی در طی سالیان مختلف همواره مورد بحث بوده است. البته عدالت از جنبه‌های مختلف تعریف می‌شود ولی تمامی تعاریف موجود حول یک محورند و آن توزیع منصفانه بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است. بنابراین عدالت در خدمات بهداشتی - درمانی تأکید بر این دارد که هر کس باید فرصتی برای به دست آوردن سلامت داشته باشد و هیچ کس نباید از این بابت دچار خسارت و زیان شود (سالاریان، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶). اهمیت عدالت در سلامت، موجب گردیده تا نظریات و دیدگاه‌های متعددی در این زمینه مطرح شوند که در ادامه به ذکر اجمالی چند دیدگاه مهم این حوزه بسنده می‌گردد.

مکتب سودگرایی که یکی از پرطرفدارترین مکاتب فلسفی در مورد عملکرد بخش سلامت بوده، رویکردی مبتنی بر پیامدهاست. بر اساس این نظریه، به هنگام قضاوت در مورد یک سیاست از خود باید پرسیم که این سیاست چه تأثیری بر افراد جامعه خواهد گذاشت و آن وقت گزینه‌ای را انتخاب کنیم که بیش از همه، کل تندرستی افراد را ارتقاء بخشیده و به حداکثر برساند. خود این رویکرد دو سنت فکری عمده "سودگرایی غیرعینی" و "سودگرایی عینی" را پدید می‌آورد.

در سودگرایی غیرعینی همه افراد اهمیت دارند و اهمیت همه با هم برابر است. در این رویکرد، قضاوت در مورد یک سیاست نیازمند آن است که سطح مطلوبیت هر یک از گزینه‌های سیاست‌گذاری برای همه افراد با هم جمع شده و سیاست مذکور با جایگزین‌های آن مقایسه گردد، سپس سیاستی انتخاب شود که به بیشترین مطلوبیت منجر می‌گردد. هم‌چنین آنها طرفدار استفاده از تحلیل "هزینه- فایده" برای اقدامی هستند که بیشترین مطلوبیت کلی را ایجاد نماید.

در رویکرد سودگرایی عینی، سیاست‌گذارانی می‌خواهند تندرستی افراد را ارتقاء بخشند، اما به پایایی و روایی انتخاب فردی شک دارند. آنان معتقدند تصمیم باید بر تندرستی فردی مبتنی باشد و این امر به صورت عینی و توسط گروهی از متخصصان تعریف می‌شود. این رویکرد بر خلاف تحلیل هزینه- فایده، دستاوردهای سلامت را به

زبان پول بیان نمی‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۶).

مکتب لیبرالیسم یکی دیگر از مکاتبی است که تأکید زیادی به حقوق و فرصت‌ها دارد. از نظر لیبرال‌ها، مسأله حقوق مبتنی بر احترام است که به دو روش مختلف تفسیر می‌شود. آزادی‌خواهان معتقدند که تنها حقوق منفی شایسته محافظت هستند. این حقوق، آزادی فردی را تضمین می‌کند تا افراد بتوانند آنچه را می‌خواهند بدون تعدی دولت به انتخاب‌های فردی خود انجام دهند. در مقابل لیبرال‌های مساوات‌طلب معتقدند که حق انتخاب بدون وجود منابع کافی امری بی‌معنی است. آنها اعتقاد دارند که احترام حقیقی به دیگران نیازمند فراهم کردن پیش‌شرط‌های لازم برای ممکن ساختن حق انتخاب است. از این‌رو، هر فرد دارای یک حق مثبت نسبت به سطح حداقلی از خدمات و منافع مورد نیاز برای تضمین برابری نسبی فرصت‌ها خواهد بود (همان: ۱۶).

ویلیامز^۱ در مقایسه مکتب آزادی‌خواهی و تساوی بشر (مساوات) مطرح می‌کند که در مکتب مساوات، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی جزو حقوق همه افراد جامعه است و این امر نباید تحت تأثیر عواملی چون سطح درآمد و سطح رفاه آنها ضایع گردد. در مقابل، مکتب آزادی‌خواهی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی به‌عنوان بخشی از نظام پاداش اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. بر اساس نظریات ویلیامز، مردم باید به مراقبت‌های بهتر و بیشتر دسترسی داشته باشند. مکتب مساوات یا تساوی بشر و مکتب آزادی‌خواهی بر اساس نظرات ویلیامز، تفاوت اندکی در پرداختن به نظام‌های بهداشتی و درمانی دارند. بر اساس نظر طرفداران مساوات بشر، یک نظام مالی دولتی باید بر خدمات بهداشتی و درمانی مسلط باشد و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی بر اساس نیاز در اختیار افراد قرار گیرند و بر اساس توانایی پرداخت، مدیریت مالی شوند. بر اساس نقطه نظر آزادی‌خواهان نظام خصوصی مالی در بخش بهداشت و درمان مؤثرتر است و اولویت در دسترسی به خدمات مورد نیاز بر اساس سطح رفاه و توانایی پرداخت برای آن خدمات می‌باشد (سالاریان، ۱۳۸۷: ۴۸).

در مبحث عدالت از دیدگاه کاربردی نیز عدالت به دو بخش افقی و عمودی تقسیم

می‌شود. طبق تعبیر ارسطو، عدالت افقی عبارت است از این‌که برابرها بایستی برابر درمان شوند و عدالت عمودی یعنی این‌که نابرابرها، نابرابر درمان شوند. از دید بهداشت و درمان، این دو در مفهوم دسترسی و بهره‌مندی از خدمات معنی می‌شود که بر اساس نیاز تنظیم شده و فارغ از شرایط اجتماعی- اقتصادی افراد می‌باشد. بر این اساس، افرادی که نیاز بیشتری دارند در اولویت قرار دارند.

به تعبیری دیگر از منظر عملیاتی، عدالت افقی برابر است از درمان برابر برای شرایط برابر و در واقع، درمان برابر برای نیازهای برابر است. عدالت عمودی نیز به این مهم می‌پردازد که افراد نابرابر در جامعه بایستی به روش‌های متفاوت درمان شوند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹).

از آن‌جا که بهداشت و سلامت یکی از ارکان اساسی در نظام حقوق بشر است و برخورداری از سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی و معنوی که باید برای همه در دسترس باشد، حق تمام افراد بشر است (عباسی، دهقانی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۳۹) و طبق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای قابل دسترسی سلامت، یکی از اساسی‌ترین حقوق هر انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، اعتقادات سیاسی، شرایط اقتصادی و یا موقعیت اجتماعی اوست (رحیمی، ۱۳۸۹: ۵۳). در کشور ما نیز علیرغم این‌که در قانون اساسی (اصول ۳، ۲۹ و ۴۳) بر تأمین بهداشت و درمان به‌عنوان یک ضرورت و نیاز اساسی تأکید شده است، اما در اکثر مناطق کشور، ارائه خدمات بهداشتی- درمانی با کمبود امکانات نیروی انسانی و بهداشتی و توزیع نادرست آنها در مناطق شهری و روستایی روبه‌روست و توسعه بهداشت تحت‌الشعاع عوامل متعددی قرار گرفته است. از همین‌رو، باید اذعان نمود که بین منابع در دسترس و منابع مورد نیاز، شکاف عمیقی وجود دارد و استان خراسان شمالی نیز از این قاعده مستثنی نیست، به‌طوری‌که نابرابری‌های بهداشتی در این استان نیز رسوخ نموده و مناطق وسیعی از نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی رنج می‌برند. این نابرابری‌ها و ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح جهت ایجاد تعادل منطقه‌ای در بخش سلامت عمومی، از مواردی است که واکاوی بخش بهداشت و درمان در این

استان را امری لازم و بایسته می‌نماید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و نوع روش به کار رفته در آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای است که با اتکاء به آمارنامه رسمی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (بویژه سالنامه آماری سال ۱۳۹۳ استان خراسان شمالی) گردآوری شده است.

جهت تحلیل داده‌های پژوهش از "روش رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهت‌شان به راه حل مطلوب (تاپسیس)"^۱ بهره گرفته شد.

یکی از این روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست، تکنیک رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهت‌شان به راه حل ایده‌آل است که به صورت اختصار با نام تاپسیس شناخته می‌شود (زیاری، زنجیرچی و سرخ کمال، ۱۳۸۹: ۲۳). این روش که اولین بار توسط تسای، هوانگ و یون (Tsai, Huang & Wang, 2008: 56) در سال ۱۹۸۱ ارائه شد، یکی از کاراترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۲ بوده و پاسخی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس شباهت‌هایشان محسوب می‌شود که بر اساس یک ماتریس $m \times n$ که دارای m گزینه و n شاخص یا معیار می‌باشد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۲۰). مفهوم این الگو انتخاب کوتاه‌ترین فاصله از راه حل مطلوب مثبت و دورترین فاصله از راه حل مطلوب منفی به منظور حل مسائلی است که با ضوابط تصمیم‌گیری متعدد روبه‌روست (Jadidi, et al., 2008: 764). در این طرح فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهش‌ی‌کنوخت است (عبداله‌زاده فرد، ۱۳۹۶: ۱۴۸). یعنی هرچه مقدار یک شاخص مثبت بیشتر باشد، دارای مطلوبیت بیشتر و هرچه مقدار یک شاخص منفی بیشتر باشد، دارای مطلوبیت کمتری است. روش تصمیم‌گیری تاپسیس که با هدف رتبه‌بندی و تعیین گزینه‌ی مطلوب انجام می‌گیرد، بین صفر و یک است و هر چه به یک

1. Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution Fuzzy (TOPSIS)
2. Multi-Attribute Decision Making

نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن آن است. الگوی تاپسیس به شرح ذیل است:

الف) تشکیل ماتریس اولیه

پس از مشخص شدن مناطق مورد نظر و شاخص‌های مورد بررسی در مناطق مورد نظر، می‌توان ماتریس‌هایی را به صورت زیر تعریف نمود:

$$R = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \cdots & r_{1m} \\ r_{21} & r_{22} & \cdots & r_{2m} \\ \cdots & \cdots & \cdots & \cdots \\ r_{n1} & r_{n2} & \cdots & r_{nm} \end{bmatrix} \quad (۱)$$

ب) تهیه ماتریس نرمال شده (ماتریس R.n)

جهت از بین بردن اختلاف مقیاس بین شاخص‌ها، باید مقادیر متعلق به ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس فرمول زیر به مقادیر نرمال شده تبدیل شوند:

$$R_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m X_{ij}^2}} \quad (۲)$$

$$I_i = \{1, \dots, m\}$$

$$j_j = \{1, \dots, n\}$$

ج) اعمال وزن به مقادیر ماتریس نرمال (ماتریس V)

جهت هم‌ارزش کردن مقادیر ماتریس R.n، وزن‌های مربوط به هر شاخص را باید در ستون‌های ماتریس نرمال شده (R.n) ضرب کرد. ماتریس به دست آمده از این فرایند، ماتریس نرمال می‌باشد که آن را با حرف V نشان می‌دهند. مجموعه اوزان شاخص‌های Wj دارای شرایط زیر می‌باشند:

$$\sum_{j=1}^n W_j = 1$$

$$W = \{W_1, W_2, \dots, W_n\} \quad (۳)$$

$$V_{11} = W_1 R_{11}, \dots, V_{mn} = W_n R_{mn}$$

د) تعیین مطلوب‌ترین یا با اولویت‌ترین و کم‌اولویت‌ترین جواب‌ها

در این مرحله برترین جواب‌ها و هم‌چنین کم‌اولویت‌ترین جواب‌ها، به ترتیب با به‌دست آوردن دو شاخص A^+ و A^- به شرح زیر انجام می‌گردد:

J متعلق به مجموعه‌ای است که شاخص‌های آن مثبت می‌باشد $J = \{1, 2, 3, \dots, n\}$

J^- متعلق به مجموعه‌ای است که شاخص‌های آن منفی می‌باشد $J^- = \{1, 2, 3, \dots, n\}$

$$A^+ = \{\text{Max } V_{ij}; j \in J; (\text{Min } V_{ij}^-; j \in J^-); i = \{1, 2, 3, \dots, m\}\} \quad (۴)$$

$$A^- = \{\text{Min } V_{ij}; j \in J; (\text{Max } V_{ij}^-; j \in J^-); i = \{1, 2, 3, \dots, m\}\} \quad (۵)$$

هـ) محاسبه فاصله شاخص‌ها

فاصله اقلیدسی هر گزینه یا مورد، با توجه به نوع آن (مثبت یا منفی) با مطلوب‌ترین و هم‌چنین با کم‌الویت‌ترین جواب به‌صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$Si_{Max} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^+)^2} \quad (۶)$$

Si_{Max} فاصله گزینه i با مطلوب‌ترین جواب می‌باشد.

$$Si_{Min} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad (۷)$$

Si_{Min} فاصله گزینه i با کمترین مطلوبیت جواب می‌باشد.

و) محاسبه نزدیکی نسبی تا مطلوب‌ترین جواب

در این مرحله با استفاده از شاخص C_i ، میزان نزدیکی نسبی گزینه‌ها با جواب مطلوب محاسبه می‌شود.

$$C_i = \frac{Si_{Min}}{(Si_{Max} + Si_{Min})} \quad (۸)$$

ز) مرتب کردن گزینه‌ها بر حسب بزرگی مقدار C_i

جهت اولویت‌بندی گزینه‌ها، مقادیر به‌دست آمده C_i به ترتیب بزرگی اعداد مرتب می‌شوند. بر این اساس، اهمیت و اولویت گزینه‌ها بستگی به بزرگی اعداد آنها دارد.

محدوده و شاخص‌های مورد مطالعه

استان خراسان شمالی با وسعتی بیش از ۲۸ هزار کیلومتر مربع مساحت، بین مدار جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. طبق آخرین آمار، این استان دارای ۸۶۷۷۲۷ نفر جمعیت و ۲۴۱۱۸۰ خانوار بوده است که از این تعداد، ۵۴/۴٪ در نقاط شهری و ۴۵/۴٪ در مناطق روستایی این استان سکونت داشته‌اند. بر اساس همین آمار، این استان متشکل از ۸ شهرستان (شکل ۱)، ۱۹ بخش، ۲۲ شهر و ۴۵ دهستان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳: ۳، ۴۱).



شکل (۱) موقعیت محدوده مورد مطالعه به تفکیک شهرستان

جامعه آماری پژوهش نیز کلیه شهرستان‌های استان را تشکیل می‌دهند که جهت تبیین وضعیت توزیع خدمات بهداشتی- درمانی در آنها، ۲۰ شاخص اصلی و مهم در حوزه بهداشت و درمان از آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان شمالی استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت (جدول ۱).

جدول (۱) شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر

ابعاد	شاخص
منابع مادی (تجهیزات و امکانات)	۱. نسبت بیمارستان فعال به هر ده هزار نفر جمعیت. ۲. نسبت تعداد آزمایشگاه به هر ده هزار نفر جمعیت. ۳. نسبت تعداد داروخانه به هر ده هزار نفر جمعیت. ۴. نسبت تعداد مراکز توانبخشی به هر ده هزار نفر جمعیت. ۵. نسبت تخت ثابت به هر هزار نفر جمعیت. ۶. نسبت تخت فعال به هر هزار نفر جمعیت. ۷. نسبت تعداد مراکز بهداشتی- درمانی به هر هزار نفر جمعیت. ۸. نسبت تعداد پایگاه‌های اورژانس به هر هزار نفر جمعیت.

۹. نسبت تعداد پزشک عمومی به هر هزار نفر جمعیت. ۱۰. نسبت تعداد دندانپزشک به هر هزار نفر جمعیت. ۱۱. نسبت تعداد داروساز به هر هزار نفر جمعیت. ۱۲. نسبت تعداد پزشک متخصص به هر هزار نفر جمعیت. ۱۳. نسبت تعداد پزشک فوق تخصص به هر هزار نفر جمعیت. ۱۴. نسبت تعداد پرستار حرفه‌ای به هر هزار نفر جمعیت. ۱۵. نسبت تعداد پرستار کاردان به هر هزار نفر جمعیت. ۱۶. نسبت تعداد تکنسین اتاق عمل به هر هزار نفر جمعیت. ۱۷. نسبت تعداد تکنسین بیهوشی به هر هزار نفر جمعیت. ۱۸. نسبت تعداد بهیار به هر هزار نفر جمعیت. ۱۹. نسبت تعداد ماما به هر هزار نفر جمعیت. ۲۰. نسبت تعداد بهورز به هر هزار نفر جمعیت.	منابع انسانی (نیروهای متخصص)
---	---

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)

تعیین اوزان شاخص‌ها

معمولاً شاخص‌های مورد استفاده در هر پژوهش از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. از همین‌رو، جهت یکسان‌سازی شاخص‌ها و از میان بردن تفاوت‌ها، محاسبه وزنی آنها امری ضروری است. جهت وزن‌دهی شاخص‌ها، روش‌های متعددی وجود دارند که عبارتند از پِنل متخصصین، ضریب آنتروپی^۱، تحلیل سلسله‌مراتبی، تحلیل مؤلفه‌های اصلی ... در این بررسی، جهت اطمینان از ضریب اوزان شاخص‌ها و بالا بردن دقت تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی جهت وزن‌دهی مؤلفه‌ها استفاده گردید. شایان ذکر است که تحلیل مؤلفه‌های اصلی به‌دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، از طرف اندیشمندان علوم منطقه‌ای از استقبال بالایی برخوردار بوده است. بویژه زمانی که محققین با همبستگی بالایی بین شاخص‌ها مواجه می‌شوند، استفاده از این روش را به سایر روش‌ها ترجیح می‌دهند. بنابراین کاربرد تحلیل مؤلفه‌های اصلی، نقطه عطفی در سنجش سطوح توسعه به روش علمی و بدون دخالت برداشت‌های سلیقه‌ای است. این روش امکان دستیابی محقق به بُرداری تحت عنوان اولین عامل اصلی را فراهم می‌کند. این عامل به‌طور خطی با شاخص‌های اصلی مرتبط بوده و بیشترین مجموع مجذور همبستگی با شاخص‌ها را داراست (کلانتری، ۱۳۹۱: ۶۴). در ادامه وزن شاخص‌های مورد مطالعه قابل مشاهده است (جدول ۲).

جدول ۲) وزن شاخص‌های مورد بررسی

شاخص	X _۱	X _۲	X _۳	X _۴	X _۵	X _۶	X _۷	X _۸	X _۹	X _{۱۰}
وزن	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۶۵	۰/۹۸	۰/۹۲
شاخص	X _{۱۱}	X _{۱۲}	X _{۱۳}	X _{۱۴}	X _{۱۵}	X _{۱۶}	X _{۱۷}	X _{۱۸}	X _{۱۹}	X _{۲۰}
وزن	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۸

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

یافته‌ها و بحث

نگاهی اجمالی به توزیع منابع مادی و منابع انسانی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی، حکایت از تجمع امکانات بهداشتی- درمانی در شهرستان بجنورد را دارد. به‌طوری که این شهرستان به‌عنوان مرکز استان در هر دو بعد منابع مادی و انسانی نسبت به سایر شهرستان‌ها برخوردارتر است. در نقطه مقابل نیز نگاهی به وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان خراسان شمالی به‌خوبی نشان می‌دهد که شهرستان‌های راز و جرگلان و گرمه، نسبت به سایر شهرستان‌ها از خدمات و امکانات بهداشتی- درمانی کمتری هم در ابعاد مادی و هم در ابعاد انسانی برخوردار هستند (جدول ۳).

جدول ۳) توزیع منابع مادی و منابع انسانی بهداشتی- درمانی در شهرستان‌های خراسان شمالی

منابع انسانی										منابع مادی									
بهبود	ماما	بیمار	تکنسین بهداشتی	تکنسین اتاق عمل	پرستار کودکان	پرستار حرفه ای	فوق تخصص	پزشک متخصص	داروساز	دندانپزشک	پزشک عمومی	پایگاه های اورژانس	مرکز بهداشتی درمانی	تخت فعال	تخت ثابت	فولیکشنی	داروخانه	آزمایشگاه	بیمارستان فعال
۹۶	۲۸	۱۲	۱۴	۱۶	۰	۱۲۷	۱	۲۳	۳	۹	۳۳	۴	۱۰	۱۴	۱۱۶	۹	۱۱	۱۱	۱
۱۰۶	۱۰۳	۲۰	۴۵	۴۶	۶	۴۴۲	۱۱	۸۸	۱۷	۱۴	۷۳	۸	۱۳	۷۵	۶۹۱	۳۹	۴۰	۲۴	۵
۳۴	۱۷	۴	۵	۱۲	۰	۴۵	۰	۶	۰	۲	۱۲	۳	۴	۴	۳۶	۳	۵	۶	۱
۶۱	۱۴	۰	۰	۰	۰	۶	۰	۲	۰	۱	۱۵	۲	۷	۰	۰	۰	۱	۵	۰
۱۲۹	۶۵	۱۰	۱۷	۱۶	۱	۲۰۵	۰	۱۳	۶	۸	۴۰	۳	۱۶	۲۰	۱۶۴	۱۰	۱۶	۱۰	۱
۶۵	۲۵	۵	۴	۶	۰	۴۰	۰	۶	۱	۳	۲۳	۱	۸	۰	۳۲	۱	۵	۴	۱
۱۵	۶	۴	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۷	۵	۴	۰	۰	۰	۲	۱	۰
۹۹	۳۸	۵	۳	۶	۰	۲۹	۰	۰	۳	۳	۳۰	۵	۱۲	۰	۳۲	۴	۶	۶	۱

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

تحلیل توصیفی یافته‌ها نشان می‌دهند در دسترسی به منابع و امکانات بهداشتی-درمانی به‌طور میانگین جمعیت هر شهرستان به ۱ بیمارستان فعال، ۸ آزمایشگاه، ۱۱ داروخانه، ۸ واحد توانبخشی، ۱۳۴ تخت ثابت، ۱۴ تخت فعال، ۹ مرکز بهداشتی-درمانی (اعم از شهری و روستایی) و ۴ پایگاه اورژانس دسترسی دارند.

یافته‌ها در دسترسی به تجهیزات بهداشتی-درمانی نیز حاکی از آن است که بیشترین فراوانی مربوط به شهرستان بجنورد (۵ بیمارستان فعال، ۲۴ آزمایشگاه، ۴۰ داروخانه، ۳۹ واحد توانبخشی، ۶۹۱ تخت ثابت، ۷۵ تخت فعال و ۸ پایگاه اورژانس) و کمترین فراوانی‌ها مربوط به شهرستان‌های گرمه و رازوجرگلان است.

از سوی دیگر، تحلیل توصیفی یافته‌ها در میزان دسترسی به منابع انسانی در بخش بهداشت و درمان استان خراسان شمالی حاکی از آن است که به‌طور میانگین جمعیت هر شهرستان به ۲۹ پزشک عمومی (معادل ۱۲٪)، ۵ دندانپزشک (معادل ۲۰٪)، ۴ داروساز (معادل ۱۳٪)، ۱۷ پزشک متخصص (معادل ۱۲٪)، ۲ پزشک فوق تخصص (معادل ۱۶٪)، ۱۱۲ پرستار حرفه‌ای (معادل ۱۲٪)، ۱ پرستار کاردان (معادل ۱۴٪)، ۱۳ تکنسین اتاق عمل (معادل ۱۲٪)، ۱۱ تکنسین بیهوشی (معادل ۱۳٪)، ۸ بهیار (معادل ۱۳٪)، ۳۷ ماما (معادل ۱۳٪) و ۷۶ بهورز (معادل ۱۳٪) دسترسی دارند.

دسترسی‌ها به منابع انسانی در بخش بهداشت و درمان همچنین مبین آن است که بیشترین تعداد نیروی انسانی مربوط به شهرستان بجنورد است [۷۳ پزشک عمومی (معادل ۳۱٪)، ۱۴ دندانپزشک (معادل ۳۵٪)، ۱۷ داروساز (معادل ۵۶٪)، ۸۸ پزشک متخصص (معادل ۶۳٪)، ۱۱ پزشک فوق تخصص (معادل ۹۱٪)، ۴۴۲ پرستار حرفه‌ای (معادل ۴۹٪)، ۶ پرستار کاردان (معادل ۸۵٪)، ۴۶ تکنسین اتاق عمل (معادل ۴۵٪)، ۴۵ تکنسین بیهوشی (معادل ۵۱٪)، ۲۰ بهیار (معادل ۳۳٪) و ۱۰۳ ماما (معادل ۳۴٪)] و کمترین فراوانی نیز مربوط به شهرستان گرمه است، به‌طوری که این شهرستان فاقد دندانپزشک، داروساز، پزشک متخصص، پزشک فوق تخصص، پرستار کاردان، تکنسین اتاق عمل و تکنسین بیهوشی است و کمتر از یک درصد پزشک متخصص، پرستار حرفه‌ای، ماما، بهیار و بهورز را در خود جای داده است.

سایر آمارهای توصیفی هم‌چون میانگین، دامنه تغییر و انحراف معیار در ادامه آورده شده است (جدول ۴).

جدول ۴) آمار توصیفی شاخص‌های بهداشتی- درمانی در شهرستان‌های خراسان شمالی

	X _۱	X _۲	X _۳	X _۴	X _۵	X _۶	X _۷	X _۸	X _۹	X _{۱۰}
MAX	۵	۲۴	۴۰	۳۹	۶۹۱	۷۵	۱۶	۸	۷۳	۱۴
MIN	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۴	۱	۷	۰
میانگین	۱	۸	۱۱	۸	۱۳۴	۱۴	۹	۴	۲۹	۵
دامنه تغییر	۵	۲۳	۳۹	۳۹	۶۹۱	۷۵	۱۲	۷	۶۶	۱۴
انحراف معیار	۲	۷	۱۳	۱۳	۲۳۲	۲۶	۴	۲	۲۱	۵
	X _{۱۱}	X _{۱۲}	X _{۱۳}	X _{۱۴}	X _{۱۵}	X _{۱۶}	X _{۱۷}	X _{۱۸}	X _{۱۹}	X _{۲۰}
MAX	۱۷	۱۸	۱۱	۴۴۲	۶	۴۶	۴۵	۲۰	۱۰۳	۱۲۹
MIN	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۶	۱۵
میانگین	۴	۱۷	۲	۱۱۲	۱	۱۳	۱۱	۸	۳۷	۷۶
دامنه تغییر	۱۷	۸۸	۱۱	۴۳۹	۶	۴۶	۴۵	۲۰	۹۷	۱۱۴
انحراف معیار	۶	۳۰	۴	۱۵۰	۲	۱۵	۱۵	۶	۳۲	۳۹

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

در ادامه با عنایت به روابط ذکر شده در بخش روش‌شناسی، پس از تعیین فواصل نسبی گزینه‌ها تا فاصله مطلوب (A^+) و غیر مطلوب (A^-)، ضریب تاپسیس (C_i) برای شهرستان‌های خراسان شمالی مورد محاسبه قرار گرفت و مناطق مورد مطالعه بر حسب میزان توسعه‌یافتگی رتبه‌بندی گردید (جدول ۵).

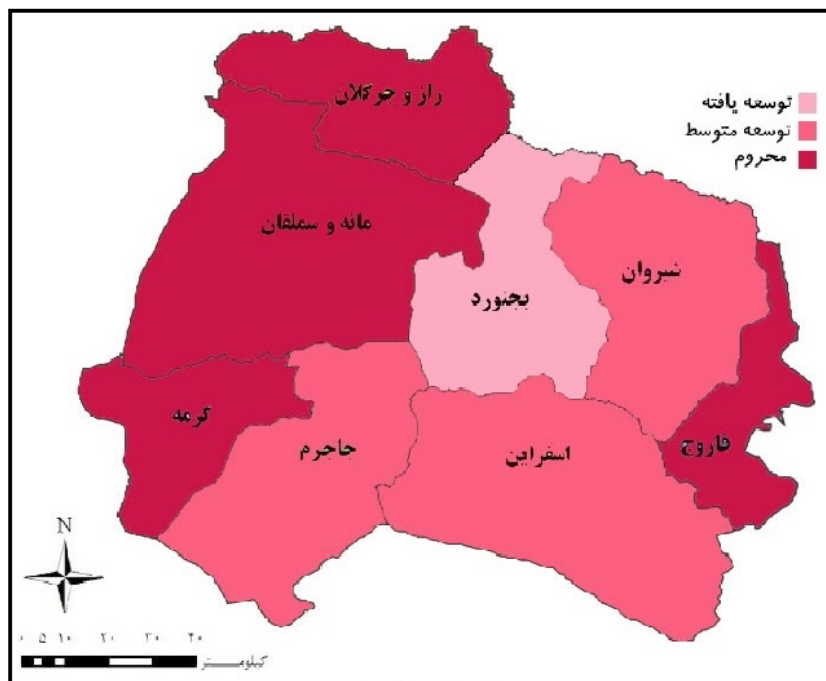
جدول ۵) رتبه‌بندی شهرستان‌های خراسان شمالی بر حسب ضریب تاپسیس

رتبه	شهرستان	A^+	A^-	C_i
۱	بجنورد	۰/۸۹	۲/۸۳	۰/۷۶
۲	جاجرم	۲/۴۱	۱/۵۰	۰/۳۸
۳	شیروان	۲/۲۷	۱/۲۰	۰/۳۵
۴	اسفراین	۲/۲۸	۱/۱۶	۰/۳۴
۵	فاروج	۲/۶۴	۰/۹۷	۰/۲۷
۶	گرمره	۲/۹۶	۰/۷۷	۰/۲۱

۷	مانه و سملقان	۲/۷۸	۰/۶۱	۰/۱۸
۸	راز و جرگلان	۳/۰۱	۰/۳۲	۰/۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

طبق مقادیر به دست آمده جهت ترسیم شمای کلی استان خراسان شمالی در بخش بهداشت و درمان، شهرستان‌های استان را می‌توان با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی می‌توان در سه خوشه یا سه سطح طبقه‌بندی نمود. سطح نخست (با ضریب بین ۱-۰/۶۶۷ مناطق توسعه یافته)، سطح دوم (با ضریب بین ۰/۶۶۷-۰/۳۳۴ ضریب بین ۰/۳۳۴-۰/۱۰ مناطق دارای توسعه متوسط) و سطح سوم (با ضریب کمتر از ۰/۳۳۳ مناطق محروم).



شکل ۲) سطح‌بندی شهرستان‌های مورد مطالعه بر حسب سطح برخورداری

همان‌طور که نتایج به دست آمده با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد (شکل ۲)، تنها شهرستان بجنورد به لحاظ برخورداری از شاخص‌های بهداشتی - درمانی

در زمره مناطق توسعه یافته قرار دارد و سه شهرستان شیروان و اسفراین و جاجرمد دارای سطح متوسطی از توسعه و چهار شهرستان دیگر (راز و جرگلان، مانه و سملقان، گرمه و فاروج) از منظر توسعه بهداشتی - درمانی در رده مناطق محروم جای گرفته‌اند.

در تبیین توسعه بسیار نامتوازن مناطق روستایی شهرستان‌های استان خراسان شمالی، آنچه که به صراحت می‌توان اذعان نمود فقدان تعادل و برابری در توزیع بهینه امکانات و خدمات بهداشتی - درمانی است که اصلی‌ترین نقش را در پدید آمدن فضاهای نابرابر جغرافیایی ایفاء نموده است. گواه این مدعا، ضریب بالای پراکندگی در توزیع امکانات و منابع انسانی در بخش بهداشتی - درمانی این مناطق است، به طوری که یافته‌ها نشان می‌دهد کمترین میزان ضریب تغییرات در توزیع امکانات، تجهیزات و منابع بهداشتی - درمانی، ضریب پراکندگی $0/46$ است و این در حالی است که ضریب پراکندگی در دسترسی به تخت فعال برابر با $1/8$ ، در دسترسی به تخت ثابت برابر با $1/7$ ، در دسترسی به خدمات توانبخشی برابر با $1/6$ و در دسترسی به داروخانه برابر با $1/2$ بوده است که این امر مؤید توزیع بسیار نامتعادل امکانات در شهرستان‌های استان است.

هر چند باید اضافه نمود که در توزیع منابع انسانی نیز نابرابری در توزیع سرمایه انسانی مشهودتر است. به گونه‌ای که ضریب پراکندگی در دسترسی به پزشک فوق تخصص $2/6$ ، در دسترسی به پرستار کاردان $2/4$ ، در دسترسی به پزشک متخصص $1/7$ ، در دسترسی به داروساز $1/55$ ، در دسترسی به تکنسین بیهوشی $1/4$ ، در دسترسی به پرستار حرفه‌ای $1/3$ ، در دسترسی به تکنسین اتاق عمل $1/2$ و در دسترسی به دندانپزشک برابر با 1 به دست آمده است که این آمار خود مبین پراکندگی زیاد در توزیع ناهمگون منابع انسانی در بخش بهداشت و درمان استان خراسان شمالی است. تفسیر این نابرابری‌ها از منظر دیگر این واقعیت مهم را روشن می‌سازد که توزیع منابع انسانی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی بسیار نامتعادل‌تر از خدمات بهداشتی - درمانی است و نیاز به بازنگری جدی‌تر و اساسی‌تری دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی حاضر از طرق سنجش برخی شاخص‌های کلیدی، تلاش نمود تا پردازش گویا و جامعی از وضعیت پراکنش خدمات بهداشتی- درمانی در شهرستان‌های خراسان شمالی ارائه دهد. بر همین اساس، ارزیابی وضعیت تخصیص منابع در شهرستان‌های مورد بررسی نشان دادند که تنها شهرستان بجنورد از توسعه قابل قبولی برخوردار است و سایر شهرستان‌ها به لحاظ توسعه بهداشتی- درمانی، در زمره مناطق توسعه متوسط تا محروم جای گرفته‌اند، به‌طوری که هفت شهرستان دیگر در جرگه مناطق متوسط تا محروم قرار دارند. فاصله بین شهرستان بجنورد (ضریب ۰/۷۶) و شهرستان رازوجرگلان (ضریب ۰/۱۰)، به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان که برابر با ۰/۶۶ می‌باشد، به‌خوبی مشخص می‌سازد که یک شکاف عمیق در توزیع خدمات و امکانات بهداشتی- درمانی در استان خراسان شمالی وجود دارد و نوعی محرومیت کلی در زمینه برخورداری از خدمات بهداشتی- درمانی بر فضای این استان حاکم است. هرچند نگاهی به جایگاه استان خراسان شمالی در بین سایر استان‌های کشور نیز محرومیت این استان را در زمینه بهداشت و درمان تأیید می‌نماید.

طبق نتایج حاکی از بررسی احمدی و دیگران (۱۳۹۳) از وضعیت برخورداری استان‌های کشور در حوزه بهداشت و درمان، در حالی که استان‌های همجوار استان خراسان شمالی، همانند سمنان و خراسان رضوی در زمره استان‌های برخوردار جای گرفته است و استان خراسان جنوبی به‌عنوان یک استان تا حدودی برخوردار شناخته می‌شود، اما استان خراسان شمالی در رده استان‌های محروم در زمینه برخورداری از بهداشت و درمان محسوب می‌گردد.

هم‌چنین نتایج بررسی متقی و متقی (۱۳۹۲) در زمینه برخورداری استان‌های کشور به لحاظ خدمات بهداشتی- درمانی نیز مبین محرومیت استان خراسان شمالی است. این در حالی است که استان‌های همجوار با خراسان شمالی همچون گلستان، سمنان و خراسان رضوی، به لحاظ کارایی بخش سلامت، جزو مناطق برخوردار می‌باشند.

در مقاله تقوایی و شاه‌یوندی (۱۳۸۹) که پراکنش خدمات بهداشتی- درمانی در

شهرستان‌های کشور مورد ارزیابی قرار گرفته است، مشهد و گرگان در رده شهرستان‌های نسبتاً توسعه یافته قرار گرفته‌اند، اما شهرستان‌های اسفراین، بجنورد، جاجرم، شیروان و فاروج در طبقه مناطق محروم جای داشته‌اند. هرچند نتایج این بررسی عدم تعادل فضایی شدید در استان خراسان شمالی را تأیید نمود، اما باید اذعان داشت که عدم تخصیص فضایی عادلانه امکانات و خدمات در حوزه سلامت، تنها مربوط به یک استان نیست و عدم تعادل منطقه‌ای، پدیده‌ای فراگیر می‌باشد، به طوری که می‌توان به مطالعات مشابه متعددی در حوزه بهداشت و درمان اشاره نمود که نتایجی منطبق بر یافته‌های این پژوهش ارائه نموده‌اند.

تقدیسی، پیری و بهاری (۱۳۹۱) با هدف تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی- درمانی در شهرستان‌های استان گیلان؛ انجمن‌شعاع و دیگران (۱۳۹۲) با هدف تحلیل نابرابری توزیع خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های استان یزد؛ فرجی سبکبار، وزین و سجاسی قیداری (۱۳۹۳) با هدف تبیین نابرابری فضایی سطح سلامت در شهرستان‌های استان خراسان رضوی؛ حیدری چیانه و دیگران (۱۳۹۴) با هدف رتبه‌بندی و تحلیل الگوهای توزیع خدمات بهداشتی- درمانی در سطح شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی؛ بهرامی (۱۳۹۴) با هدف بررسی میزان توسعه‌یافتگی بخش بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کردستان؛ یزدانی، رمضان‌تاش دهگرچی و مصطفی‌پور (۱۳۹۵) با هدف تحلیل وضعیت شاخص‌های بهداشتی- درمانی شهرستان‌های استان اردبیل؛ زیاری، صفایی زینه و آروین (۱۳۹۵) با هدف ارزیابی توزیع فضایی خدمات بهداشتی- درمانی در استان خوزستان؛ و جعفری و دیگران (۱۳۹۶) با هدف رتبه‌بندی شهرستان‌های استان ایلام در زمینه برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی تنها نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها به‌شمار می‌آیند که همگی بر تخصیص ناعادلانه خدمات و امکانات بهداشتی- درمانی صحه گذاشته‌اند.

بر همین اساس، با عنایت به نقش مهم توزیع فرصت‌های بهداشتی- درمانی در توسعه نظام سلامت و همچنین توسعه پایدار منطقه‌ای و ملی، جهت تعادل فضایی شهرستان‌های خراسان شمالی در توزیع خدمات بهداشتی- درمانی، پیشنهادات ذیل

ارائه می‌گردد:

- تهیه طرح جامع توسعه بهداشت و درمان در استان خراسان شمالی با تأکید ویژه بر عدالت توزیعی در تخصیص منابع بخش بهداشتی - درمانی.
- ارتقای کمی و کیفی خدمات و فرصت‌های بهداشتی - درمانی، بویژه در مناطق محروم با اولویت‌دهی به شاخص‌های انسانی بهداشت و درمان.
- بهبود دسترسی‌ها به خدمات و منابع بهداشتی (بویژه در شاخص‌هایی که محرومیت شدید در دسترسی به آنها وجود دارد، هم‌چون بیمارستان فعال، تخت فعال، داروخانه، مراکز بهداشتی - درمانی و پایگاه‌های اورژانس) در تمام شهرستان‌های استان خراسان شمالی بویژه شهرستان‌های محروم رازوجرگلان، مانه‌وسملقان، گرمه و فاروج.
- ارتقاء دسترسی به فرصت‌های بهداشتی با بهبود دسترسی به منابع انسانی (در شاخص‌هایی که با کمبود دسترسی مواجه هستند، همانند دسترسی به دندانپزشک، فوق تخصص، داروساز، پزشک عمومی و بهیار) در تمام شهرستان‌های استان خراسان شمالی بویژه شهرستان‌های با توسعه متوسط و محروم.
- و در نهایت بهره‌گیری از جامعه‌نخبگان، اساتید و پژوهشگران برجسته جهت انجام تحقیقات و مطالعات گسترده‌تر و جامع‌تر در حوزه سلامت، در راستای تبیین دقیق وضعیت حوزه بهداشت و درمان در سراسر مناطق استان خراسان شمالی، با هدف شناسایی و رفع محرومیت‌ها و کاستی‌ها.

منابع

- ابراهیمی‌پور، حسین، و دیگران (۱۳۹۲). "ارزیابی و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اصفهان از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بهداشتی و درمانی". *فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت (ویژه‌نامه‌ی چالش‌های سیاسی - اقتصادی در مدیریت سلامت)*، دوره دهم، ش ۷: ۱۰۷۵-۱۰۸۴.
- احمدی، سجاد، و دیگران (۱۳۹۳). "تحلیل فضایی برخورداری استان‌های ایران در شاخص سلامت". *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره چهارم، ش ۱۴ (تابستان):

۳۱-۴۴.

- انجمن شمع، مینا، و دیگران (۱۳۹۲). "تحلیل نابرابری توزیع خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های استان یزد". *فصلنامه اخلاق زیستی*، دوره سوم، ش ۹ (پاییز): ۶۴-۸۸.
- باباخانی، محمد، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه عدالت توزیعی و سطح سلامت در ایران". *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره دوازدهم، ش ۴۶ (پاییز): ۲۵۹-۲۷۸.
- بهرامی، رحمت‌الله (۱۳۹۴). "تحلیلی بر میزان توسعه‌یافتگی بخش بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از روش تاپسیس خطی". *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، دوره بیست و چهارم، ش ۹۶ (زمستان): ۴۰-۴۹.
- تقدیسی، احمد؛ پیری، سیامک؛ بهاری، عیسی (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی و سطح‌بندی شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی- درمانی با استفاده از تحلیل عاملی و تکنیک خوشه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان)". *فصلنامه آمایش محیط*، دوره پنجم، ش ۱۸ (پاییز): ۱۴۵-۱۷۶.
- تقوایی، مسعود؛ شاه‌یوندی، احمد (۱۳۸۹). "پراکنش خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های ایران". *رفاه اجتماعی*، دوره دهم، ش ۳۹ (زمستان): ۳۳-۴۵.
- جعفری، مهدی، و دیگران (۱۳۹۶). "ارائه روش تلفیقی جهت رتبه‌بندی شهرستان‌های استان ایلام در زمینه برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی". *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، دوره بیست و پنج، ش ۲ (تیر): ۱۴۴-۱۵۵.
- حسن‌زاده، علی (۱۳۸۷). "مبانی نظری عدالت در سلامت، بررسی عدالت در سلامت ایران". *فصلنامه تأمین اجتماعی*، دوره نهم، ش ۲۸ (بهار): ۱۱-۴۲.
- حیدری چیان، رحیم، و دیگران (۱۳۹۴). "تحلیلی بر نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی مبتنی بر مدل‌های Vikor و Saw در استان آذربایجان شرقی (مطالعه موردی: خدمات بهداشتی- درمانی)". *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ششم، ش ۲۱ (تابستان): ۱۹-۳۴.

- رحیمی، غلامرضا (۱۳۸۹). "سازمان بهداشت جهانی (WHO)". *مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، دوره پنجم، ش ۸ (بهار و تابستان): ۵۳-۵۶.
- زارعی، یعقوب؛ رحمانیان کوشکی، مهدی (۱۳۹۴). "ارزیابی عملکرد نظام سلامت در تخصیص منابع بهداشتی، درمانی و تأمین اجتماعی (مطالعه موردی)". *فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اطلاعات سلامت*، دوره دوازدهم، ش ۴، پیاپی ۴۴ (مهر و آبان): ۵۰۶-۵۱۸.
- زندیان، حامد؛ قیاسوند، حسام؛ نسیمی دوست، رامین (۱۳۹۱). "سنجش نابرابری در توزیع منابع بهداشتی و درمانی (مطالعه موردی)". *فصلنامه پایش*، دوره یازدهم، ش ۶ (آذر-دی): ۷۹۹-۸۰۵.
- زیاری، کرامت‌الله؛ زنجیرچی، محمد؛ سرخ‌کمال، کبری (۱۳۸۹). "بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس". *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، دوره چهل و دوم، ش ۷۲ (تابستان): ۱۷-۳۰.
- زیاری، کرامت‌الله؛ صفایی زینه، مصطفی؛ آروین، محمود (۱۳۹۵). "ارزیابی توزیع فضایی خدمات بهداشتی- درمانی و ارائه الگوی توزیع بهینه (موردشناسی: استان خوزستان)". *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، دوره ششم، ش ۱۹ (تابستان): ۷۱-۹۰.
- سالاریان، آریتا (۱۳۸۷). "تعیین چارچوب مفهومی برای دستیابی به شاخص‌های عدالت در بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی". *فصلنامه تأمین اجتماعی*، دوره نهم، ش ۲۸ (بهار): ۴۳-۸۰.
- صادقی بازرگانی، همایون؛ عدالتخواه، حسن (۱۳۸۴). "مطالعه وضعیت شاخص‌های بهداشت سلامت در عشایر استان اردبیل". *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*، دوره پنجم، ش ۲ (تابستان): ۱۵۰-۱۵۹.
- عباسی، محمود؛ دهقانی، غزاله؛ رضایی، راحله (۱۳۹۴). "الزامات حقوقی اسناد

- بین‌المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش‌های فراروی آن". *مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*، دوره سی و سه، ش ۲ (تابستان): ۱۳۸-۱۴۶.
- عبداله‌زاده فرد، علیرضا (۱۳۹۶). "مکان‌یابی شهرک صنایع دستی گامی در راستای تحقق توسعه گردشگری پایدار (نمونه موردی: شیراز)". *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره هفتم، ش ۳۳ (بهار): ۱۴۳-۱۵۴.
- فرجی سبکبار، حسنعلی؛ وزین، نرگس؛ سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۹۳). "تبیین نابرابری فضایی سطح سلامت با استفاده از مدل تصمیم‌گیری الکترونیک (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خراسان رضوی)". *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، دوره دوازدهم، ش ۲۲ (بهار و تابستان): ۸۳-۱۰۳.
- کریمی، ایرج؛ سالاریان، آریتا؛ عنبری، زهره (۱۳۸۸). "مطالعه تطبیقی برخورداری عادلانه از خدمات بهداشتی و درمانی در چند کشور توسعه یافته و ارائه الگوی مناسب برای ایران". *مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک*، دوره دوازدهم، ش ۴۹ (زمستان): ۹۲-۱۰۴.
- کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). *مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی)*. تهران: فرهنگ صبا.
- متقی، افشین؛ متقی، سمیرا (۱۳۹۲). "بررسی توسعه مکانی و فضایی خدمات بهداشتی و درمانی در استان‌های مختلف کشور ایران". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش ۲ (بهار): ۸۳-۸۹.
- محمدی، جمال، و دیگران (۱۳۹۱). "تحلیل فضایی توسعه شاخص‌های بهداشتی-درمانی در استان آذربایجان غربی". *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره دوازدهم، ش ۴۷ (زمستان): ۱۵۳-۱۸۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). *سالنامه آماری استان خراسان شمالی*. تهران: مرکز آمار ایران.
- ملکی، سعید، و دیگران (۱۳۹۶). "ارزیابی وضعیت شاخص‌های سلامت در

شهرستان‌های استان ایلام". *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره ششم، ش ۲۱ (بهار): ۷۵-۹۰.

- موسوی، میرنجف، و دیگران (۱۳۹۵). "ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی خدمات بهداشتی- درمانی با مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خراسان رضوی)". *مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره یازدهم، ش ۳۷ (زمستان): ۸۹-۱۰۱.

- یزدانی، محمدحسن؛ رمضان‌تاش دهگرجی، حسین؛ مصطفی‌پور، منصور (۱۳۹۵). "تحلیل وضعیت شاخص‌های بهداشتی- درمانی شهرستان‌های استان اردبیل". *مجله سلامت و بهداشت*، دوره هفتم، ش ۵ (زمستان): ۶۸۸-۶۹۷.

- Baker, Maureen; Mawby, Rachel; Ware, Jonathan (2015). *Health Inequalities*. London: Royal College of General Practitioners.
- Gulliford, M.; Morgan, M. (2003). *Access to health care*: Routledge. London: New Fetter LAN.
- Jadidi, Omid, et al. (2008). "TOPSIS and fuzzy multi-objective model integration for supplier selection problem". *Journal of Achievements in Materials and Manufacturing Engineering*, Vol. 31, No. 2: 762-769.
- Lai, Dejian, et al. (2008). "Statistical properties of generalized Gini coefficient with application to health inequality measurement". *Social Indicators Research*, Vol. 87, No. 2: 249-258.
- Lyytikäinen, Laura; Kemppainen, Teemu (2016). "Regional inequalities in self-rated health in Russia: What is the role of social and economic capital?". *Social Science & Medicine*, Vol. 161: 92-99.
- Makdissia, Paul; Yazbeck, Myra (2014). "Measuring socioeconomic health inequalities in presence of multicategorical information". *Journal of Health Economics*, Vol. 24, No. 34: 84-95.
- Smith, Honora K, et al. (2009). "Planning sustainable community health schemes in rural areas of developing countries". *European*

Journal of Operational Research, Vol. 3, No. 193: 768–777.

- Tsai, Hui-Yin; Huang, Bao-Huey; Wang, An Siou (2008). “Combining ANP and TOPSIS Concepts for Evaluation the Performance of Property-Liability Insurance Companies, Science Publications”.
Journal of Social Sciences, Vol. 4, No. 1: 56-61.

مطالعه سنجش شاخص‌های سرمایه فرهنگی بر سواد رسانه‌ای دانشجویان نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

محمدحسن شربتیان^۲

زهراسکندری^۳

چکیده

سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از رویکردهایی است که در برابر برنامه‌های رسانه‌ای مخاطبان، حضور فعال دارند و پیام‌های آن را منتقدانه و مفسرانه پیگیری می‌کنند. هدف مقاله حاضر، سنجش میزان بهره‌مندی دانشجویان از سواد رسانه‌ای است و مطالعه نقش سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن در افزایش سواد رسانه‌ای مورد نظر بوده است. چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریات بوردیو، هابز و تامن است. روش این تحقیق، پیمایش از نوع کاربردی است و جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه پیام نور قاینات هستند که حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۷۴ نفر و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری، پرسشنامه خود محقق ساخته است که پس از برآورد، پایایی سؤال‌ها و میزان آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به دست آمده است و اعتبار صوری پرسشنامه توسط متخصصان جامعه‌شناس صورت گرفته است. با استفاده از ویرایش ۲۲ نرم‌افزار spss و آماره‌های توصیفی و استنباطی (پیرسون و رگرسیون)، نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر وجود ارتباط بین متغیر مستقل با متغیر وابسته (میزان سواد رسانه‌ای) است. میزان بهره‌مندی دانشجویان از سواد رسانه‌ای طبق نتایج به دست آمده، در حد کم (۵۷/۵٪) ارزیابی شده است. بر اساس نتایج رگرسیون، سرمایه فرهنگی با میزان بتای ۰/۱۶۳ توانسته است متغیر وابسته سواد رسانه‌ای را تبیین کند.

۱. این تحقیق با حمایت پژوهانه دانشگاه پیام نور انجام شده است.

۲. عضو هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، نویسنده مسؤول

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

همچنین نتایج نشان می‌دهد که معادله پیش‌بینی میزان سرمایه فرهنگی می‌تواند ۶۸/۵٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. در نتیجه، رابطه مؤثر بین سرمایه فرهنگی بر سواد رسانه‌ای برابر با ۰/۲۴۱ بوده و بر اساس جمع اثر کل شاخص‌های تحلیل مسیر، سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۷۴۹ به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سواد رسانه‌ای را تبیین و تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: دانشجویان، سرمایه فرهنگی، سواد رسانه‌ای، دانشگاه پیام‌نور، قاینات

مقدمه

سواد رسانه‌ای^۱ مجموعه‌ای از چشم‌اندازها یا جنبه‌های فکری است که افراد برای قرار گرفتن در معرض رسانه، فعالانه از آنها بهره‌برداری می‌کنند تا معنای پیام‌هایی را که با آنها روبرو می‌شوند، تفسیر کنند. افراد چشم‌اندازهای خود را با استفاده از ساختارهای دانش خود می‌سازند و برای ساختن ساختارهای دانش، به ابزار و مواد اولیه نیاز دارند. این ابزار مهارت‌های ما و ماده اولیه، اطلاعات به دست آمده از رسانه‌ها و دنیای واقعی است. استفاده فعالانه از رسانه‌ها بدان معنی است که ما از پیام‌ها آگاهیم و به طور خودآگاهانه با آنها تعامل داریم. به طور سنتی، سواد رسانه‌ای به توانایی تحلیل و ارزیابی محصولات رسانه‌ای و به طور گسترده‌تر به ایجاد ارتباط مؤثر از طریق نگارش خوب اطلاق می‌شود (براون، ۱۳۸۵: ۵۱).

سواد خواندن، سواد بصری، سواد رایانه‌ای معادل سواد رسانه‌ای نیست و صرفاً اجزای سازنده سواد رسانه‌ای محسوب می‌شوند. سواد رسانه‌ای شامل همه توانایی‌های ویژه و دانش رسانه‌ای است. اگر خواندن بلد نباشیم، از رسانه‌های چاپی مطلب زیادی دستگیرمان نمی‌شود. اگر در ادراک بصری و شناخت پیام‌ها مشکل داشته باشیم، قادر نخواهیم بود از برنامه‌های تلویزیون یا فیلم‌های سینمایی مطلب زیادی بفهمیم و اگر نحوه استفاده از رایانه را بلد نباشیم از آن چه که در طی زمان در مهم‌ترین رسانه‌ها رخ می‌دهد، بی‌خبر می‌مانیم (پاتر، ۱۳۸۵: ۷۹).

امروزه در جهانی زندگی می کنیم که رسانه ها ما را از هر سو احاطه کرده اند. فضای پیرامونی سرشار از اطلاعات و اخبار جدیدی است که هر لحظه بر زندگی ما تأثیر می گذارند. در چنین فضایی، سواد رسانه ای کمک می کند تا چگونگی استفاده از رسانه ها و منابع اطلاعاتی آنها را یاد بگیریم و این که از بین اطلاعات ارائه شده توسط رسانه ها، چه چیزهایی را انتخاب و چه چیزهایی را کنار بگذاریم، به دانش رسانه ای ما برمی گردد. این فرایند مستلزم دستیابی به سطح معقولی از مهارت ها و دانش است تا بر پایه آن بتوان رابطه فعال تری را در ارتباط با رسانه ها در پیش گرفت و از حالت رابطه انفعالی و یک سویه با رسانه ها خارج شد. سواد رسانه ای این امکان را می دهد تا با آموزش و افزایش آگاهی مخاطبان، به چارچوب های شناختی و انتقادی برسیم و نگاه نقادانه ای به رسانه ها و اخبار و اطلاعات منتشر شده از سوی آنها داشته باشیم (Potter, 2005: 6).

اصطلاح سرمایه فرهنگی^۱ نخستین بار توسط بوردیو^۲ (۱۹۳۰ - ۲۰۰۲) به ادبیات علوم اجتماعی و انسانی وارد شده است. فرهنگ از نظر وی، مانند نوعی اقتصاد یا بازار است. از نظر بوردیو، تمام افراد بشر کنشگر هستند، چه آنهایی که آگاهانه عملی را انجام می دهند و چه آنهایی که ناخودآگاه پذیرای سلطه اند. به عبارتی دیگر، افراد فعال و منفعل یک کنشگرند. کنش، عملی است که در یک میدان رخ می دهد. هر میدانی عرصه ای است که در آن نیروی بالقوه یا بالفعل با یکدیگر وارد تبادل می شوند. پس برای درک معنی عمل، باید معنی میدان را درک کرد که خود حاصل تبادل میان نیروها است.

بوردیو (Bourdieu, 1986: 241) جامعه شناس فرانسوی در تحقیقی که بر اساس فرضیه عدم تساوی سرمایه فرهنگی انجام داده، سرمایه فرهنگی را به سه دسته تقسیم می کند:

۱. سرمایه فرهنگی لحاظ شده: که بیانگر چیزهایی است که افراد می دانند و می توانند انجام دهند. در واقع، سرمایه فرهنگی لحاظ شده، توانایی های بالقوه ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده اند و در او تثبیت گردیده اند.
۲. سرمایه فرهنگی عینی: مانند کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب،

1. Cultural Capital

2. P. Bourdieu

نقاشی و آثار هنری.

۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده: هم‌چون صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی پیدا می‌کنند برای دارنده آن‌ها از نظر قانونی و اجتماعی، ارزش قائل می‌شوند.

با توجه به این‌که ارتقاء سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن در جامعه می‌تواند نگرش منتقدانه و آگاهانه افراد را برای استفاده از برنامه‌های رسانه‌ای مورد تأثیر قرار دهد، لذا مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن از بعد مطالعات جامعه‌شناختی در حوزه سواد رسانه‌ای، با توجه به شرایط عصر حاضر جامعه جهانی و تأثیر شبکه‌های رسانه‌ای و مجازی بر روی جوانان نسل امروز ایران، بیانگر اهمیت دادن به مطالعه این متغیرهای اجتماعی را دوصد چندان می‌کند.

بیان مسأله

با ورود فناوری‌های جدید به عرصه ارتباطات، تلفیق عمودی نظام‌های بین‌المللی رسانه‌ای، هم‌گرایی، ارتباطات متقابل فرهنگی و افزایش خروجی‌های رسانه‌ای، مباحثات جدی پیرامون گسترش مهارت‌های مدیریت و مهارت‌های اطلاعاتی مطرح کرده است. آگاهی یافتن درباره استفاده‌ها و سوءاستفاده‌های ممکن و مزایا و مشکلات مربوط به رسانه‌ها، می‌تواند به مخاطبان در تعیین تأثیر پیام‌های رسانه‌ای یاری رساند. در دنیای امروز، رسانه‌ها یکی از اجزای اصلی جوامع بشری هستند، از این جهت، سواد رسانه‌ای به معنای تحقیق، تحلیل، آموزش و آگاهی از تأثیرات رسانه‌ها بر افراد و جوامع است، از جمله رادیو، تلویزیون، فیلم و سینما، موسیقی، نشریات ادواری و اینترنت. (بصیریان جهرمی و بصیریان جهرمی، ۱۳۸۵: ۳۳).

استفاده فعالانه از رسانه‌ها بدان معنی است که ما از پیام‌ها آگاهیم و به‌طور خودآگاهانه با آنها تعامل داریم. به‌طور سنتی، سواد رسانه‌ای به توانایی تحلیل و ارزیابی محصولات رسانه‌ای و به‌طور گسترده‌تر به ایجاد ارتباط مؤثر از طریق نگارش خوب اطلاق می‌شود (براون، ۱۳۸۵: ۵۳).

موفقیت طرح های بزرگ فرهنگی در هر جامعه ای نیازمند هم افزائی و مشارکت همه نهادها و به خصوص پذیرش آن از سوی مردم است که راهکار رشد سواد رسانه ای می تواند واجد این ویژگی ها باشد. اکنون سواد رسانه ای به عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای نظارتی مورد توجه کشورهای پیشرفته قرار گرفته است و با این وصف، ایران به رغم دارا بودن شرایط خاص درونی و بیرونی، هم چون رشد شهرنشینی، گسترش تحصیلات عالی، افزایش جمعیت جوان و...، تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه انجام نداده است، در حالی که با عملیاتی کردن این دانش، نه تنها فرهنگ ایرانی- اسلامی تقویت می شود، بلکه بخشی از حقوق مخاطب نیز تأمین خواهد شد. لذا باید توجه داشت که اشتباهات فرهنگی به راحتی قابل جبران نیستند و باید سیاست های فرهنگی کشور به درستی درک و اعمال شوند و قطعاً نبود برنامه، سند چشم انداز و گاه اقدامات نادرست تعمدی و تنش زا، موجب صدمات غیرقابل جبران برای کشور خواهد شد (خسروانی، ۱۳۹۴: ۲).

امروزه درجه نفوذ رسانه ها در جوامع و شکل دهی روابط در آنها به حدی است که سواد رسانه ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. از این رو، در برخی از کشورها سواد رسانه ای آن قدر اهمیت داشت که آن را به عنوان یک ماده درسی در میان مواد درسی دوره های تحصیلی راهنمایی تا مقطع دیپلم به رسمیت شناختند و حتی آن را برای سنین بزرگسال و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز طراحی کردند. به عبارت بهتر، لزوم فراگیری سواد رسانه ای در دنیایی که رسانه ها از جهات مختلف آن را شکل داده و در آن رسوخ کرده، امری ضروری به نظر می رسد. (کرمی و داودی، ۱۳۹۵: ۴)

در عصر حاضر به منظور بقاء در این شبکه اطلاعاتی که در سراسر محیط فرهنگی انسان ریشه دوانیده، حفظ استقلال فکری و اندیشه، اجتناب از انفعال، بهره مندی از تفکر انتقادی و افزایش توانایی گزینش و انتخاب و رویارویی با این فرایند پیچیده و فراگیر از طریق تکوین و تکامل سواد رسانه ای قابل حصول تلقی می شود. بنابراین در این تحقیق سعی بر آن است به بررسی و شناخت کامل و درک صحیح و همه جانبه از وضعیت سواد رسانه ای دانشجویان دانشگاه پیام نور قاینات که به عنوان قشر تأثیرپذیر

و حساس جامعه‌اند، بپردازیم. لذا سؤال اصلی تحقیق این است وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات در جامعه اطلاعاتی چگونه است؟ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

۱- دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات به چه میزان از سواد رسانه‌ای بهره‌مند هستند؟

۲- سرمایه فرهنگی چه رابطه‌ای با سواد رسانه‌ای دانشجویان دارد؟

۳- کدام یک از شاخص‌های سرمایه فرهنگی، رابطه‌ای مؤثر با سواد رسانه‌ای دانشجویان دارند؟

۴- بر اساس نتایج رابطه‌ای بین سرمایه فرهنگی و سواد رسانه‌ای، چه راهکارها و کاربردهای عملی می‌توان برای جامعه نسل جوان و دانشجو بیان کرد؟
با توجه به این مباحث، در سطور ذیل به صورت خلاصه دستاوردهای نتایج مطالعات انجام یافته در یک نگاه بیان شده است. رابطه و تأثیر سرمایه فرهنگی بر سواد رسانه‌ای از بعد جامعه‌شناختی کار جدیدی است و در پژوهش‌های انجام گرفته، به این موضوع پرداخته نشده است.

کربلایی حاج اوغلی (۱۳۹۵: ۵۹) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی جایگاه و نقش نهادها در توسعه سواد رسانه‌ای در کشور" ضمن بیان مسأله و اهمیت موضوع، به ارائه الگوی نظری برای توسعه سواد رسانه‌ای در کشور پرداخته است که از سه مرحله پیوسته با همان سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا تشکیل شده است و سپس به معرفی نهادهایی پرداخته است که می‌بایست در این سه مرحله فعالیت کنند و در نهایت، راهکارهایی برای جبران ضعف و عقب‌ماندگی ارائه کرده است.

شربتیان و اسکندری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن" به سنجش میزان بهره‌مندی دانشجویان دختر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی قاین پرداختند. چارچوب نظری این مقاله رهیافت ترکیبی در حوزه سرمایه فرهنگی و عوامل مورد بررسی از نظریات بوردیو، بنت^۱ و وبلن^۲

1. A. Benet

2. T. Veblen

... است. میزان بهره‌مندی دانشجویان از سرمایه فرهنگی طبق نتایج به‌دست آمده در حد زیاد (۵۱/۲۴) ارزیابی شده است. بر اساس نتایج رگرسیون گام‌به‌گام، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان، متغیر تلفن همراه است.

سلیمان، خسروی و حداد (۱۳۹۲: ۷۰) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی سواد رسانه‌ای دانشجویان و دانش‌آموزان شهر تهران" به شناخت جامعه دانشجویی و دانش‌آموزی نسبت به ابعاد سواد رسانه‌ای پرداخته است. همچنین این مقاله به تبیین میزان سواد رسانه‌ای و عوامل مرتبط با آن چون میزان تحصیلات، میزان استفاده از تلویزیون، سن و جنس در بین دو جامعه آماری پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند در شرایطی که درک دانش‌آموزان از هدف سواد رسانه‌ای بیشتر معطوف به "درک موقعیت‌های موجود در رسانه‌ها" بوده، نگرش دانشجویان "استقلال نقادانه، ارزیابی عملکرد، توانایی گزینش و انتخاب و دستیابی به موقعیت پیش‌رو" عنوان شده است. نتایج وجود رابطه معنادار میان سن و جنس با میزان سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان را نیز نشان می‌دهند. همچنین رابطه بین میزان تحصیلات و سطح سواد رسانه‌ای در بین دانشجویان معنادار است، اما در بین دانش‌آموزان معنادار نیست.

حامدی (۱۳۹۱: ۷۵) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با سواد رسانه‌ای دانشجویان" به دنبال بررسی سواد رسانه‌ای دانشجویان و عوامل اجتماعی- فرهنگی که به نوعی بر میزان سواد رسانه‌ای آنان تأثیر می‌گذارد، بوده است. روش کار در این پژوهش، پیمایش است و فن جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد سواد رسانه‌ای با جنسیت، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، سن و همچنین پایگاه اقتصادی- اجتماعی رابطه ندارد، اما بین مقطع تحصیلی، سرمایه فرهنگی، مصرف رسانه‌ای، اعتماد به رسانه، میزان جذابیت رسانه‌ها و انگیزه استفاده از رسانه با سواد رسانه‌ای، رابطه وجود دارد.

اسکیرر و سریویدیا (Scharrer & Ramasubramania, 2015: 182) در مقاله‌ای با عنوان "مداخله اثر رسانه‌ای بر تفکر قالبی نژادی و قومیتی"^۱ به نقش آموزش و

1. Intervening in the Media's Influence on Stereotypes of Race and Ethnicity: The Role of Media Literacy Education. عنوان این مقاله توسط نگارندگان ترجمه شده است.

ظرفیت سواد رسانه ای رسانه ها بر تفکر قالبی نژادی و قومیتی را مورد مطالعه قرار داده اند؛ و به مفاهیم نظری زمینه ساز در این حوزه پرداخته اند. در این مقاله جایگاه نظریه و عمل سواد رسانه ای با تأکید بر ترکیب تحقیقات کمی و کیفی مورد پژوهش قرار گرفته است. در بعد روش کمی بررسی اثر آموزش سواد رسانه ای بر تفکر قالبی ضد واسطه در کاهش تعصبات نژادی و قومی مورد پژوهش قرار گرفته شده است و در بعد داده های کیفی هم ضرورت اثرات برنامه آموزشی سواد رسانه ای بر روی تفکر قالبی بررسی شده است. نتایج تحقیقات نشان می دهد که گر چه موضوع مورد مطالعه، آموزش سواد رسانه ای است، ولی نوید توانایی خود را به شکل دانش، نگرش و رفتارهای مرتبط با رسانه ها و تشویق موضع فعال و انتقادی نسبت به رسانه ها می تواند نشان دهد.

آشلی، مکسِل و کِرَفْت (Ashley, Maksl & Craft, 2013: 19) در مقاله ای با عنوان "سواد رسانه ای یک مقیاس در حال توسعه"^۱ به بررسی ضرورت سواد رسانه ای در عصر حاضر پرداخته اند. آن ها معتقدند دانش آموزان باید امروزه با تفکر و تجزیه و تحلیل مهارت های مهم، در محیط های رسانه ای بتوانند به موفقیت دست پیدا کنند. در حالی که مدت زمان حضور در مصرف رسانه ها، تا حدود هشت ساعت در روز، رو به افزایش است، اما اغلب آن ها در تجزیه و تحلیل و درک پیام های رسانه ای ضعیف هستند. آنان ترجیح می دهند که تصویر دنیا را از طریق پیام های رسانه ای، ساده و سر راست ببینند. نتایج تحقیقات نظری و تجربی نشان می دهد که تفکر انتقادی و پردازش آگاهانه از اطلاعات، از اجزای مهم سواد رسانه ای است. جوانان باید آموزش داده شوند تا در مصرف رسانه به جای تکیه بر عادات پردازش خودکار، فعال و آگاه باشند.

در نقد و بررسی تحقیقات قبلی می توان گفت که این دسته از تحقیقات، با این که به بررسی عوامل مؤثر بر سواد رسانه ای پرداخته اند، ولی در کل دارای نواقصی هستند، از جمله اکثراً به یک جنبه یا جنبه های خاصی توجه کرده اند و به بررسی همه جانبه عوامل مؤثر بر میزان سواد رسانه ای، توجهی نکرده اند. در این تحقیقات، به نقش سرمایه فرهنگی در میزان سواد رسانه ای اشاره نشده است و بیشتر تحقیقات، به تأثیر متغیرهای

زمینه ای توجه نموده اند.

با توجه به نتایج پیشینه تحقیق باید بیان کرد که سواد رسانه ای به عنوان یکی از شاخص های بعد معرفت شناسی، در هر جامعه ای لازم و ضروری است. از دیگر سو، سواد رسانه ای به عنوان یک اندیشه کلیدی در حوزه ارتباطات مطرح است که در نتیجه، آن افراد خود را در مواجهه با رسانه ها بیمه می نمایند. این شاخص مرتبط با متغیرهای سرمایه اجتماعی، فرهنگی، انسانی و مصرف رسانه و ... غیره است که می تواند به ارتقاء سطح آگاهی جوانان در دنیای امروز بیانجامد. هم چنین با توجه به وسعت دنیای ارتباطات در قرن جدید، هجمه های فرهنگی از سوی امپریالیسم و قدرت های جهانی وجود دارد و برای مصونیت و بیمه شدن دانشجویان و جوانان در برابر این هجمه های رسانه های بیگانه، به نظر می رسد بهترین راه ممکن در شرایط امروزی جامعه، بهره مندی هر دانشجو و جوان، از سواد رسانه ای است. بهره مندی از چنین سواد بی دانشجو و جوانان جامعه ما این امکان را می دهد تا با آگاهی کامل، پیام های رسانه ای را پردازش کنند، ماهرانه آثار مطلوب و نامطلوب پیام ها را تشخیص دهند و منتقدانه به پیام های رسانه ای برخورد کنند.

چارچوب نظری سواد رسانه ای

سواد رسانه ای در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می توان انواع رسانه ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. این درک به چه کاری می آید؟

سواد رسانه ای در واقع مفهوم میان رشته ای است که آن را می توان از رویکردها و دیدگاه های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد. هیچ یک از این رویکردها به تنهایی کلیت مفهوم سواد رسانه ای را بیان نمی کنند. لازم است سواد رسانه ای را با تمام ابعاد و جنبه های مختلف آن در نظر گرفت. رویکرد زیبایی شناختی مطالعه زبان، قواعد و واژگان به کار رفته در فیلم یا تلویزیون را مورد توجه قرار می دهد. در این رویکرد به این موضوع پرداخته می شود که عناصر کلیدی مانند نور، صدا و میزان سن، چگونه معانی و مفاهیم

خاص و مختلف را با خود همراه یا منتقل می‌کنند (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۵).

شاخص‌های سواد رسانه‌ای

رژیم مصرفی: اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه‌ها، رژیم مصرف رسانه‌ای است. به این معنا که مخاطب توجه بیشتری به انتخاب و تماشای انواع مختلف برنامه‌ها دارد.

نقد پیام: این مرحله شامل یادگیری مهارت‌های ویژه تماشای انتقادی، یادگیری با هدف تحلیل و پرسیدن این سؤال که این قالب چگونه ساخته شده است و چه چیزهایی ممکن است، حذف شده باشند.

ویژگی‌های پیام: در این مرحله، مخاطب به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه‌ای توجه می‌کند و مخاطب به پرسش‌ها و موضوع‌های عمیقی، مانند چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را می‌سازد؟ چه هدفی با فرستادن پیام دنبال می‌شود؟ چه کسی از ارسال پیام سود می‌برد؟ چه کسی ضرر می‌کند؟ و ... می‌پردازد (Rosenstiel & Kovach, 2002: 35). بر اساس نظر تامن (Thoman, 1995: 2)، سواد رسانه‌ای همانند تصفیه^۱ داوری کننده عمل می‌کند، چنان‌که جهان متراکم از پیام، از لایه‌های تصفیه سواد رسانه‌ای عبور می‌کند تا شکل مواجهه با پیام معنادار شود.

پیام رسانه‌ای در سه لایه عمل می‌کند:

- **لایه اول:** اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه‌ها^۲، به این معنا که مخاطب توجه بیشتری به انتخاب و تماشای انواع مختلف برنامه‌ها دارد و به‌صورت مشخصی به استفاده از تلویزیون، ویدئو، بازی‌های الکتریکی، فیلم‌ها و دیگر رسانه‌ها می‌پردازد و میزان مصرف را کاهش می‌دهد.
- **لایه دوم:** در این سطح، مخاطب به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه‌ای توجه می‌کند و به پرسش‌ها و موضوع‌های عمیقی، مانند چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را می‌سازد؟

چه هدفی با فرستادن پیام دنبال می شود؟ چه کسی از ارسال پیام سود می برد؟ چه کسی ضرر می کند؟ و ... می پردازد.

- **لایه سوم:** این لایه مهارت های لازم برای تماشای انتقادی^۱ رسانه هاست. با این مهارت ها، مخاطب به تجزیه و تحلیل و پرسش درباره چارچوب ساخت پیام و جنبه های جافتاده در آن می پردازد.

آن چه در این لایه اهمیت دارد، شناخت حقایق و جنبه هایی از پیام است که حذف شده است. به عبارت دیگر، فهم متن از سوی مخاطب، در گرو شناسایی ابعاد جافتاده پیام است (Rosenstiel & Kovach, 2002: 35).

این بعد از سواد رسانه ای به اندازه ای اهمیت دارد که هابز و فراست (Hobbs & frost, 2003: 340-343) از آن با عنوان "فهم سطح بالاتر" یاد می کنند. از نظر آنان، این جنبه از سواد رسانه ای، توان پیش بینی کننده قوی ای برای شناسایی نیازها و انتظارات مخاطبان فراهم می آورد.

بنابراین سواد رسانه ای با دادن توانمندی خاصی به مخاطب، وی را در برابر هر متن نوشتاری یا دیداری و شنیداری از حالت انفعال به وضعیتی فعال تبدیل می کند (Boles, 2002: 3، نقل در سپاس گر شهری، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

بنا به تعریف تامن، با عمیق تر شدن لایه ها، میزان سواد رسانه ای مخاطبان بیشتر می شود. به این ترتیب که در لایه اول، مخاطب خود را ملزم می کند در استفاده از رسانه، جیره ی مصرف داشته باشد. در لایه دوم، با توجه به ویژگی های پیام دهنده، برخی از پیام ها که مطلوب مخاطب است، برگزیده و بقیه پیام ها نادیده گرفته می شود و در لایه سوم نیز به نقد پیام های رسانه ای پرداخته می شود.

در نتیجه، سواد رسانه ای این امکان را فراهم می سازد که پیام دریافت شده، با چالش روبرو شود و مخاطب، از حالت انفعالی به وضعیتی فعال، پرسشگر و خودبیانگر برسد. به این ترتیب سواد رسانه ای، توانمندی خاصی است که خواننده را در برابر هر متن (نوشتاری، دیداری، شنیداری و در برابر انواع کتاب، مجله، آگهی نما، رادیو، تلویزیون،

ماهواره و ...) از حالت شیء مانند به موجودی فعال تبدیل می کند (Boles, 2002: 3). از این رو، با برخورداری از سواد رسانه (از انتخاب ساده رسانه‌ای تا نقد متن) و رسیدن به سطح عمیق آن (فهم و تفسیر زمینه‌های متن)، این امکان برای مخاطب فراهم می شود که در برابر هجوم سرسام آور القای پیام‌های رسانه‌ای، هویت خود را حفظ کند. از این رو، این دسته از مخاطبان باسواد رسانه‌ای، اجازه نمی دهند نظام سلطه جویانه پیام‌های رسانه‌ای آنان را کنترل کند. آنان هم چنین جهان واقعی را همسان با تفسیرهای رسانه‌ای در نظر نمی گیرند.

بر این اساس، سواد رسانه‌ای نظامی تفسیری و ترجیحی، متأثر از داوری‌های ذهنی و اخلاقی است که مواجهه فرد را با پیام‌های رسانه‌ای (چه در دسترس و چه جستجوگرانه) شکل می دهد و موجب می شود مخاطبان، در استفاده و انتخاب پیام‌ها مسؤولیت بیشتری احساس کنند (Livingston & Thumim, 2003: 6).

مراحل سواد رسانه‌ای از نظر تامن (Thoman, 1995: 2) یک واژه کلی است که سه مرحله پیوستاری را شامل می شود که منجر به توانمندسازی سواد رسانه‌ای می گردد. ارتباط نظریه شکاف آگاهی باسواد رسانه‌ای در سه مبحث خلاصه می شود:

- ۱- سواد رسانه‌ای برداشتن آگاهی کامل در خصوص رسانه تأکید دارد؛
 - ۲- سواد رسانه‌ای با دیدگاه برخورد منتقدانه با محتوای رسانه‌ها در ارتباط است؛
 - ۳- سواد رسانه‌ای از رسانه برای تغییرات اجتماعی استفاده می کند.
- بنابراین چنانچه شکاف آگاهی صورت گیرد، سواد رسانه‌ای با در نظر گرفتن جنبه‌های فوق با مشکل مواجه خواهد شد. در رویکرد نظریه شکاف رقمی^۱، سواد رسانه‌ای را می توان در واقع معیاری از توانایی و قابلیت فردی در درک مستقل رسانه دانست. امروزه پیچیدگی‌های عصر اطلاعات حکم می کند که در چنین فضایی، مخاطب دارای حداقل توانایی مستقل و مستقیم از درک خوراک و خروجی رسانه‌ها باشد. بنابراین مجموعه عواملی که این استقلال ادراکی را به وجود می آورند، سواد رسانه‌ای نام می گیرد.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی مجموعه ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می کند. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه و یا قبیله است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۰).

برای عملیاتی کردن این مفهوم از پرسشنامه ای خود محقق ساخته و پرسشنامه استاندارد بوردیو استفاده شده است که به کیفیت و کمیت متغیر سرمایه فرهنگی در جامعه می پردازد و از ۱۳ گویه برای سنجش سرمایه فرهنگی استفاده شده است که در مقیاس پنج درجه ای (۱ تا ۵) نمره گذاری می شود.

شاخص های سرمایه فرهنگی

تجسم یافته: سرمایه فرهنگی تجسم یافته توانایی های بالقوه ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده اند و در او تثبیت گردیده اند.

عینیت یافته: سرمایه فرهنگی عینی، مانند کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری.

نهادینه شده: صلاحیت های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی پیدا می کنند.

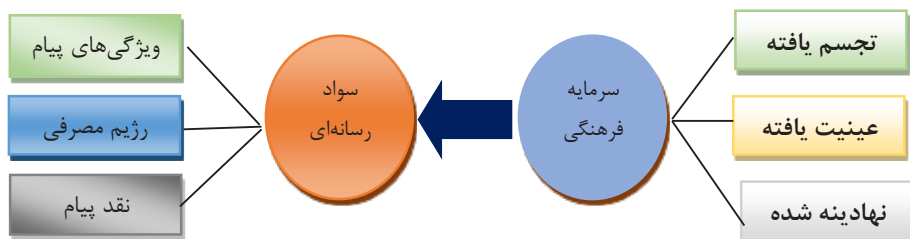
بی شک بحث سرمایه فرهنگی را باید با طرح دیدگاه های بوردیو شروع کرد که اندیشه های وی متأثر از مارکس^۱، ماکس وبر^۲، دلتای^۳، ویکوت^۴ و گادامر^۵ است. متغیر مستقل مورد تأکید وی، ساختارهای عینی و ساختارهای ذهنی است. این متغیر در تعامل با یکدیگر تعیین کننده رفتار و کردارها، موضع گیری های افراد، گروه ها و جوامع است. او تلاش می کند ریشه تفاوت ها و سلطه بر دیگران را تحلیل نماید. ساخت گرایی

-
1. Marx
 2. M. Veber
 3. Deltay
 4. Vicot
 5. Gadamer

مارکسیستی آلتوسر^۱ نیز در اندیشه او تأثیر داشته است، اما در همان حال، سه جریان عمده دورکیمی^۲، وبری و مارکسیسم خمیرمایه اندیشه ساخت‌گرایانه‌ی او را تشکیل می‌دهد که در آثار او منعکس شده است (توسلی، ۱۳۸۴: ۴). یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

یکی از فرضیه‌های مطرح در این پژوهش، به رابطه بین سرمایه فرهنگی با سواد رسانه‌ای دانشجویان می‌پردازد که این فرضیه، از دل نظریات مکتب فرانکفورت و نظریه شکاف آگاهی استخراج شده است. به نظر تامن (Thoman, 1995: 2) سواد رسانه‌ای مانند تصفیه عمل می‌کند. در نتیجه، نقش متغیر مذکور این است که ذهن مخاطب را برای دریافت پیام دچار چالش کند، این وضعیت باعث می‌شود که مخاطب از حالت غیرفعال در برابر پیام رسانه به وضعیتی فعال و پرسشگر در برابر پیام رسانه قرار گیرد.

یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است. مصرف کالاهای فرهنگی مانند کتاب، مجلات و ... در اختیار افراد بوده و از آن استفاده می‌کنند. بر اساس متغیرهای انتخاب شده از نظریات فوق و با توجه به ماهیت موضوع، الگوی مفهومی تحقیق در شکل ۱ ارائه می‌گردد.



شکل (۱) الگوی مفهومی (نگارندگان)

با توجه به الگوی مفهومی تحقیق ترسیم شده در این پژوهش، می توان مهم ترین فرضیه های این تحقیق را این گونه در سطور ذیل بیان کرد:

۱. بین سرمایه فرهنگی و میزان سواد رسانه ای دانشجویان، رابطه معنی داری وجود دارد.

۲. به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و میزان سواد رسانه ای دانشجویان، رابطه معنی داری وجود دارد.

۳. به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و میزان سواد رسانه ای دانشجویان، رابطه معنی داری وجود دارد.

۴. به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و میزان سواد رسانه ای دانشجویان، رابطه معنی داری وجود دارد.

۵. به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه ای (سن، جنسیت، تأهل و سطح تحصیلات) با سواد رسانه ای، رابطه معنی داری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

سواد رسانه ای: سواد رسانه ای نوعی مهارت شناخت پیام های رسانه است که مخاطب را به تمایز، تفکیک و شناخت تولیدات رسانه ای جهت می دهد. برای عملیاتی کردن این مفهوم، از پرسشنامه خود محقق ساخته استفاده شده است که شامل ۲۰ گویه بوده و بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت (۱ تا ۵) نمره گذاری شده است.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی به مجموعه‌ای از داشته‌ها اعم از ارتباطات، دانش، سواد و امتیازهای فردی گفته می‌شود که براساس این ظرفیت‌ها، فرد تلاش می‌کند برای حفظ موقعیت و یا بدست آوردن منزلت اجتماعی جدید از این توانمندی‌ها با توجه به امکانات در دسترس بیشترین بهره را ببرد. برای عملیاتی کردن این مفهوم، از پرسشنامه‌ای استاندارد شده بوردیو استفاده شده است که شامل ۱۳ گویه بوده است و بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱ تا ۵) نمره‌گذاری شده است. در جدول ۱ به‌طور خلاصه اشاره به تعاریف عملیاتی و مفهومی متغیرهای مورد مطالعه در سطور ذیل شده‌ایم.

جدول (۱) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیرها	رژیم مصرفی	نقد پیام	سواد رسانه‌ای
	اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه‌ها، رژیم مصرف رسانه‌ای است. به این معنا که مخاطب توجه بیشتری به انتخاب و تماشای انواع مختلف برنامه‌ها دارد (Rosenstiel & Kovach, 2002: 3).		
شاخص‌ها آگاهی قبلی، اعتبار رسانه، میزان استنادات و ارجاعات رسانه، توجه به گروه و مخاطبان خاص، توجه به تصویر شده ارائه	دقت به واقعی بودن تصاویر ارائه شده، بررسی اطلاعات وب گاه، مقایسه اطلاعات ارائه شده توسط رسانه‌ها، اختصاص وقت و زمان، مطالعات درباره رسانه، تفاوت دیدگاه‌های تبلیغ شده با دیدگاه‌های فرد	این مرحله شامل یادگیری مهارت‌های ویژه تماشای انتقادی، یادگیری با هدف تحلیل و پرسیدن این سؤال که این قالب چگونه ساخته شده است و چه چیزهایی ممکن است حذف شده باشند (همانجا).	توجه به زبان و ابزارهای استفاده شده، دقت به نظارت بر رسانه‌ها، توجه به اعتبار نویسنده، مطالعات درباره مطالب یا تصاویر منتشر شده، ترجیح به گذراندن بیشتر وقت با خانواده
گویه‌ها ۱- با آگاهی قبلی از یک رسانه استفاده می‌کنم. ۲- هنگام استفاده از رسانه‌ای، به اعتبار آن رسانه توجه می‌کنم. ۳- به میزان استنادات و ارجاعات رسانه مورد نظر به منابع دیگر، توجه می‌کنم. ۴- به دربرگرفتن دیدگاه‌های متفاوت یا تکرار خاصی نسبت به موضوعات در رسانه مورد نظر، توجه می‌کنم. ۵- به مخاطبان و گروه هدف رسانه مورد نظر، توجه می‌کنم. ۶- به تصویر ارائه شده از یک گروه اجتماعی یا موضوع خاص در رسانه مورد نظر، توجه می‌کنم.	۱- به این که چرا تصویر ارائه شده در بعضی از رسانه‌ها واقعی تر از بقیه به نظر می‌آید، دقت می‌کنم. ۲- اطلاعات دیگر وبگاه‌ها هنگام بازدید از یک وب‌گاه جدید را بررسی می‌کنم. ۳- اطلاعات دیگر رسانه‌ها هنگام پی‌بردن به وجود تفاوت در اطلاعات ارائه شده در رسانه‌ها را مقایسه می‌کنم. ۴- وقت و زمان زیادی برای استفاده از رسانه‌های مختلف اختصاص می‌دهم. ۵- قبل از استفاده از یک رسانه و یا نرم‌افزار رسانه‌ای راجع به آن مطالعاتی انجام می‌دهم. ۶- تا چه حد موضوع فیلم‌های تلویزیونی به زندگی واقعی شما نزدیک است؟ ۷- در بسیاری از مسائل، دیدگاه من با دیدگاه‌هایی که تلویزیون تبلیغ می‌کند، متفاوت است.	۱- به این که چرا تصویر ارائه شده در بعضی از رسانه‌ها واقعی تر از بقیه به نظر می‌آید، دقت می‌کنم. ۲- اطلاعات دیگر وبگاه‌ها هنگام بازدید از یک وب‌گاه جدید را بررسی می‌کنم. ۳- اطلاعات دیگر رسانه‌ها هنگام پی‌بردن به وجود تفاوت در اطلاعات ارائه شده در رسانه‌ها را مقایسه می‌کنم. ۴- وقت و زمان زیادی برای استفاده از رسانه‌های مختلف اختصاص می‌دهم. ۵- قبل از استفاده از یک رسانه و یا نرم‌افزار رسانه‌ای راجع به آن مطالعاتی انجام می‌دهم. ۶- تا چه حد موضوع فیلم‌های تلویزیونی به زندگی واقعی شما نزدیک است؟ ۷- در بسیاری از مسائل، دیدگاه من با دیدگاه‌هایی که تلویزیون تبلیغ می‌کند، متفاوت است.	۱- به زبان و ابزارهای استفاده شده برای انتقال مفاهیم در رسانه مورد نظر، توجه می‌کنم. ۲- به این که چه سازمانی بر توزیع و انتشار رسانه مورد نظر نظارت دارد و چه قوانینی برای آن وجود دارد، دقت می‌کنم. ۳- به اعتبار و یا شهرت نویسنده، ناشر و یا بخش‌کننده مطلبی در رسانه‌ها، توجه می‌کنم. ۴- هنگام رویکرد شدن با مطالب و یا تصاویر جدید و عجیب، ابتدا راجع به آن مطالعاتی انجام می‌دهم، بعد آنها را قبول می‌کنم. ۵- ترجیح می‌دهم به جای استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بیشتر وقت خود را با خانواده خود بگذرانم. ۶- در بسیاری از مسائل، دیدگاه من با دیدگاه‌هایی که تلویزیون تبلیغ می‌کند، متفاوت است. ۷- رسانه‌ها باعث افزایش فردگرایی و انزوای افراد شده‌اند.

۱- علاقه‌مند به مهارت در انتقال مفاهیم هستم. ۲- علاقه‌مند به مطالعه کتاب‌های غیردرسی هستم. ۳- علاقه‌مند به مطالعه مجلات و روزنامه‌ها هستم. ۴- علاقه‌مند به تماشای فیلم‌های هنری هستم.	۱- علاقه‌مند به بازدید از موزه یا نمایشگاه‌های هنری هستم. ۲- مقدار زیادی کتاب‌های غیردرسی در منزل دارم. ۳- در منزل آثار هنری و مجسمه‌های هنری دارم. ۴- به میزان زیادی علاقه به تماشای تئاتر دارم. ۵- علاقه زیادی به گوش دادن موسیقی دارم.	۱- به نویسندگی و شاعری علاقه‌مند هستم. ۲- به میزان زیاد به نقاشی و خطاطی علاقه‌مند هستم. ۳- علاقه‌مند به داشتن مدرک تحصیلی بالاتر هستم. ۴- علاقه‌مند به گرفتن مدرک تحصیلی زبان‌های خارجی هستم.
علاقه به انتقال مفاهیم، علاقه به مطالعه کتاب‌های غیر درسی، علاقه به تماشای فیلم	علاقه به بازدید موزه، داشتن کتاب‌های غیردرسی، داشتن آثار هنری، علاقه به تماشای تئاتر، علاقه به گوش دادن موسیقی	علاقه به نویسندگی، علاقه به خطاطی، علاقه به مدرک تحصیلی بالاتر، علاقه به زبان‌های خارجی
سرمایه فرهنگی یافته توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده‌اند و در او تثبیت گردیده‌اند.	سرمایه فرهنگی عینی مانند کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری.	هم‌چون صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی‌پسدامی کند.
تجسم یافته	عینیت یافته	نهادینه شده
سرمایه فرهنگی		

روش‌شناسی

در این تحقیق، از روش پیمایشی، از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز قاینات بوده است که تعداد دانشجویان در نیم‌سال تحصیلی ۹۶-۹۵ طبق آخرین آمار، ۸۵۰ نفر بوده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی طبقه‌بندی شده بود و حجم نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس در سطح دقت ۵٪، سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس ۰/۶۶٪، به تعداد ۳۷۴ نفر محاسبه گردیده است. بدین ترتیب، بر طبق فرمول کوکران تعداد ۳۷۴ نفر به‌عنوان نمونه برآورد شد که با احتساب خطای ۱۰٪، ۳۹۸ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

$$n = \frac{Nt^2 \cdot S^2}{Nd^2 + t^2 s^2} = \frac{850 \times (3.841) \times (0.43)}{850 \times (0.0025) + (3.841) \times (0.43)} = 374$$

آلفای کرونباخ پرسشنامه سواد رسانه ای ۰/۹۳۶ بوده که نشان دهنده میزان دقت و اعتبار مناسب سؤال های پرسشنامه خود محقق ساخته است که این پرسشنامه، دارای ۲۰ سؤال بوده است. هم چنین از روایی صوری و ارزیابی مناسب سؤال ها توسط متخصصان دانشگاهی استفاده شده است. از دیگر سو، برای متغیر سرمایه فرهنگی و شاخص های آن از پرسشنامه استاندارد شده سرمایه فرهنگی بورديو (۱۹۸۶) استفاده شده است که دارای ۱۳ سؤال است و میزان آلفای کرونباخ و سؤال ها برابر با ۰/۷۲ بوده است. روایی صوری پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید و همکاران علمی دانشگاهی، خوب ارزیابی شده و سؤال ها متناسب با مؤلفه ها مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر این، بر اساس مقیاس پنج طیف لیکرت (خیلی خوب، خوب، تاحدی، کم، خیلی کم) سؤال ها در پرسشنامه بین درجه ۱ تا ۵ تدوین گردید.

یافته های پاسخگویان بر اساس آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری از ویرایش ۲۲ نرم افزار spss و با استفاده از آماره هایی چون ضریب پیرسون، رگرسیون خطی ساده (برای تحلیل رابطه ی متغیرها با یکدیگر) و رگرسیون خطی چندمتغیره تحلیل مسیر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در جدول ۲ در سطور ذیل ضریب پایایی متغیرهای تحقیق بیان شده است.

جدول ۲) پایایی و آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	بارتلت
رژیم مصرفی	۶	۰/۷۲	۹۸۷/۳۱۶
نقد پیام	۷	۰/۶۴	
ویژگی های پیام	۷	۰/۶۳	
سواد رسانه ای	۲۰	۰/۸۳	
تجسم یافته	۴	۰/۷۱	۱۵۸۴/۴۵۷
عینیت یافته	۵	۰/۶۱	
نهادینه شده	۴	۰/۴۵	
سرمایه فرهنگی	۵	۰/۷۲	

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

در این تحقیق از بین شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد نسبی و میانگین متغیرها)، نتایج قابل توجهی به دست آمد. در این پژوهش، مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای هم‌چون سن، وضعیت تأهل، تحصیلات پدر و مادر و همسر و رشته تحصیلی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت‌شناختی) در نظر گرفته شده که نتایج در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳) آمار توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گروه	تعداد	درصد	میانگین
سن	بیشترین	۲۰-۱۸	۱۵۰	۳۷/۷
	کمترین	۲۶-۲۴	۴۶	۱۱/۶
تأهل	مجرد	-	۱۹۹	۵۰
	متأهل	-	۱۹۹	۵۰
تحصیلات پدر	بیشترین	ابتدایی	۱۰۷	۲۶/۹
	کمترین	کارشناسی ارشد	۱۳	۳/۳
تحصیلات مادر	بیشترین	ابتدایی	۱۴۳	۳۵/۹
	کمترین	کارشناسی ارشد	۱۰	۲/۵
تحصیلات همسر	بیشترین	دیپلم	۶۳	۱۵/۸
	کمترین	کارشناسی ارشد	۲۶	۱/۳
رشته تحصیلی	بیشترین	علوم انسانی	۲۶۹	۶۷/۶
	کمترین	هنر	۳	۰/۸

طبق نتایجی که از آمار توصیفی به دست آمده می‌توان گفت که بیشتر پاسخگویان از رده سنی ۲۰-۱۸ ساله می‌باشند که برابر با ۳۷/۷٪ بوده‌اند. تحصیلات والدین اغلب در سطح ابتدایی برابر با ۶۳٪ بوده و دانشجویانی که متأهل بوده‌اند، تحصیلات همسران خود را اکثراً در سطح دیپلم بیان کرده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، نیمی از پاسخگویان مجرد و نیم دیگر متأهل بوده‌اند و نیمی بیشتر از پاسخگویان در حدود ۶۸٪ برابر با ۲۶۹ نفر، رشته تحصیلی‌شان علوم انسانی و کمترین فراوانی مربوط به گروه هنر،

در حدود ۰/۸ برابر با ۳ نفر بوده است. با توجه به نتایج ارتقاء شاخص ها و مؤلفه های سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان و خانواده های آنان و در راستای تقویت ابعاد مختلف زندگی از جمله برخوردار بودن از سواد رسانه ای و نگاه منتقدانه نسبت به رسانه ها، این امر می تواند رابطه مؤثری را در حال حاضر در بین جامعه مورد مطالعه ایفاء کند. بنابراین، یکی از بدیهی ترین و عینی ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد.

جدول (۴) توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل

متغیرها	تعداد گویه	زیاد		متوسط		کم		واریانس
		فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	
سواد رسانه ای	رژیم مصرفی	۶۰	۱۴/۸۵	۸۷	۲۱/۶۱	۸۶	۲۱/۵۴	۳/۰۴
	نقد پیام	۸۴	۲۱/۱۰	۱۱۷	۲۹/۴	۷۹	۱۹/۶	۲/۶۹۸
	ویژگی های پیام	۶۳	۱۵/۶۳	۹۸	۲۴/۶	۷۷	۱۹/۲۷	۲/۹۱۷
سرمایه فرهنگی	عینیت یافته	۱۵۴	۴۱/۳۲	۱۲۴	۳۱/۷۳	۱۰۵	۲۶/۹۵	۳/۲۲۲
	تجسم یافته	۲۲۲	۴۵/۲۹	۶۰	۲۳/۲۳	۱۰۱	۳۱/۴۸	۲/۷۹
	نهادینه شده	۱۹۴	۴۴/۲۹	۸۹	۲۳/۹۵	۱۰۰	۳۱/۷۶	۲/۹۲۷

یافته های جدول ۴ حاکی از آن است که در مجموع کل دانشجویان، در حدود ۶۰/۴۱٪ در سطح کمی از شاخص های سواد رسانه ای برخوردارند، در حدود ۷۵/۶۱٪ در حد متوسط و در حدود ۵۱/۶۰٪ از میزان بالایی از شاخص های سواد رسانه ای برخوردارند. هم چنین در مجموع کل پاسخگویان، در حدود ۹۰٪ از شاخص های سرمایه فرهنگی کمی برخوردارند، در حدود ۷۹٪ در حد متوسط و در حدود ۱۳۰٪ از کل دانشجویان از شاخص های سرمایه فرهنگی بالایی با توجه به یافته های به دست آمده، بهره مند هستند. بنابراین، این نتیجه حاصل می شود که تعداد کمی از دانشجویان از سواد رسانه ای بهره مند هستند و شاخص سرمایه فرهنگی نهادینه شده، بیشترین تأثیر را بر دانشجویان نسبت به سایر شاخص ها دارد. قشر جوان و دانشجوی کشورمان که بیشترین استفاده را از رسانه ها دارند، به میزان کمی از سواد رسانه ای بهره مند هستند و سرمایه فرهنگی

نهادینه شده از سایر شاخص‌های سرمایه فرهنگی، تأثیر بیشتری بر میزان سواد رسانه‌ای دانشجویان دارد.

جدول ۵) توزیع فراوانی و درصد فراوانی شاخص سواد رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی

متغیر	گویه‌ها	فراوانی	درصد
سواد رسانه‌ای	کم	۲۲۹	۵۷/۵
	متوسط	۱۵۶	۳۹/۲
	زیاد	۱۳	۳/۳
سرمایه فرهنگی	کم	۱۹۷	۴۹/۵
	متوسط	۱۶۶	۴۱/۷
	زیاد	۳۵	۸/۸

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد بیش از نیمی از پاسخگویان در حدود ۵۸٪ از گرایش کمی از سواد رسانه‌ای برخوردارند، در حدود ۳۹٪ گرایش به سواد رسانه‌ای متوسط و تنها ۳/۳٪ گرایش به سواد رسانه‌ای بالایی داشته‌اند. در متغیر سرمایه فرهنگی نیمی از دانشجویان (۵۰٪) از سرمایه فرهنگی کم و ۴۱٪ در حد متوسط و ۹٪ در حد بالایی از سرمایه فرهنگی بهره‌مند هستند.

آزمون مقایسه‌ای (T) دو گروه مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه

فرضیه: بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، تأهل و سطح تحصیلات) با سواد رسانه‌ای، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶) آزمون مقایسه‌ای متغیر سواد رسانه‌ای پاسخگویان

متغیر زمینه‌ای	وضعیت	میانگین	T	سطح معناداری
جنسیت	زن	۵۷/۰۸	۰/۵۲۴	۰/۶۱
	مرد	۵۶/۳۲		
سن	بین‌گروهی	۳۴۵/۷۲۱	۲/۱۸۴	۰/۰۰۱
	درون‌گروهی	۱۵۸/۲۹۸		

۰/۲۹	۱/۲۱۳	۲۰۴/۸۴۸	بین گروهی	تحصیلات پدر
		۱۶۸/۹۰۴	درون گروهی	
۰/۰۰۷	۲/۶۷۵	۴۳۸/۹۸۳	بین گروهی	تحصیلات مادر
		۱۶۴/۰۸۹	درون گروهی	
۰/۰۳	۲/۱۵۴	۵۵/۴۷	مجرد	وضعیت تأهل
		۵۸/۲۷	متأهل	
۰/۳۳	۱/۱۵۷	۱۸۴/۲۰۸	بین گروهی	تحصیلات همسر
		۱۵۹/۲۷۷	درون گروهی	
۰/۰۵	۲/۵۵۲	۴۲۷/۹۲۲	بین گروهی	رشته تحصیلی
		۱۶۷/۶۶۲	درون گروهی	

یافته های جدول ۶ بیانگر این است که جهت بررسی این فرضیه، از آزمون T دو گروه مستقل استفاده شده است. تفاوت بین جنسیت و متغیرهای سواد رسانه ای ($T=۰/۵۲۴$ ، $p=۰/۶۱$)، رابطه بین میزان تحصیلات پدر و متغیرهای سواد رسانه ای ($F=۱/۲۱۳$ ، $p=۰/۲۹$)، تحصیلات همسر و متغیر سواد رسانه ای ($F=۱/۱۵۷$ ، $p=۰/۳۳$)، مورد تأیید قرار نمی گیرد؛ زیرا سطح معناداری بیشتر از $۰/۰۵$ است، ولی رابطه متغیرهای سن و سواد رسانه ای ($F=۲/۱۸۴$ ، $p=۰/۰۰۱$)، تحصیلات مادر با متغیر سواد رسانه ای ($F=۲/۶۷۵$ ، $p=۰/۰۰۷$)، وضعیت تأهل با متغیر سواد رسانه ای ($T=۲/۱۵۴$ ، $p=۰/۰۳$)، رشته تحصیلی با متغیر سواد رسانه ای ($F=۲/۵۵۲$ ، $p=۰/۰۵$)، مورد تأیید قرار می گیرد؛ زیرا سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ است. یکی از نظریه هایی که در چارچوب نظری مورد استفاده قرار می گیرد نظریه شکاف آگاهی است. در نظریه شکاف آگاهی، کسانی که پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتری دارند، هنگام دریافت اطلاعاتی که به آنها عرضه می شود، بهتر از کسانی که پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین تری دارند، عمل می کنند. بنابراین، فرضیه ارتباط متغیرهای زمینه ای با سواد رسانه ای در مورد بعضی از متغیرهای زمینه ای مانند (جنسیت، تحصیلات پدر، تحصیلات همسر)، مورد تأیید قرار نمی گیرد.

آزمون همبستگی پیرسون

با توجه به این که اکثریت گویه‌های پرسشنامه، بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده است، این گویه‌ها در نرم‌افزار به شاخص تبدیل شدند و در سطح سنجش فاصله‌ای قرار گرفتند و سپس از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد که در تمامی موارد مذکور، فرضیه تحقیق تأیید شده و فرض صفر (عدم رابطه) رد شده است که به این معناست که هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته سواد رسانه‌ای دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات، ارتباط مستقیم و قوی داشتند.

جدول (۷) رابطه بین سرمایه فرهنگی و سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای		متغیر
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۵۳۳	عینیت یافته
۰/۰۰۰	۰/۵۷۰	تجسم یافته
۰/۰۰۰	۰/۵۲۱	نهادینه شده
۰/۰۰۰	۰/۵۶۶	سرمایه فرهنگی

با توجه به نتایج جدول ۷ باید بیان کنیم که در ارتباط با فرضیه سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن با متغیر سواد رسانه‌ای، مقادیر همبستگی سرمایه عینیت یافته با سواد رسانه‌ای ۰/۵۳۳، همبستگی سرمایه تجسم یافته با سواد رسانه‌ای ۰/۵۷۰، همبستگی بین سرمایه نهادینه شده با سواد رسانه‌ای ۰/۵۲۱ و همبستگی سرمایه فرهنگی با سواد رسانه‌ای ۰/۵۶۶ به دست آمده است و این نتایج بیانگر این است که رابطه متغیرهای مورد سنجش با سواد رسانه‌ای مثبت بوده و نوع همبستگی بین دو متغیر مستقیم بوده است که بیانگر است که هر چه میزان متغیر مستقل و شاخص‌های آن بالا می‌رود، میزان سواد رسانه‌ای دانشجویان هم نیز بالا می‌رود. بدین مفهوم که تغییرات در متغیرهای مستقل، باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (سواد رسانه‌ای) خواهد شد.

سرمایه فرهنگی در افزایش آگاهی از آئین‌ها، باورها، دانش‌ها و هنرها مؤثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند افراد جامعه را فراهم می‌آورد و نحوه شکل‌گیری

هویت جمعی را بیان می کند. سرمایه فرهنگی به عنوان یک دارایی تعریف می شود که مجسم کننده، ذخیره کننده و یا تأمین کننده ارزش فرهنگی، علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی است که می تواند داشته باشد (قرونه، ۱۳۸۹: ۴۰). بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می شود. متغیر مستقل مورد تأکید بورديو، ساختارهای عینی و ساختارهای ذهنی است. این متغیر در تعامل با یکدیگر تعیین کننده رفتارها، کردارها، موضع گیری های افراد، گروه ها و جوامع است.

بنابراین، در این فرضیه سرمایه فرهنگی می تواند در میزان سواد رسانه ای دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات تأثیر داشته باشد.

جدول ۸) نتایج ضریب رگرسیونی چندگانه متغیر مستقل و وابسته

مدل	ضرایب غیراستاندارد (B)	خطای معیار SE	ضریب استاندارد (Beta)	آماره t	سطح معناداری
سواد رسانه ای	۸/۶۱۸	۳/۸۰۶	-	۲/۳۱۷	۰/۰۲۱
عینیت یافته	۰/۳۳۲	۰/۰۶۱	۰/۳۰۱	۵/۳۷۷	۰/۰۰۰
تجسم یافته	۰/۲۵۵	۰/۰۸۲	۰/۱۶۳	۳/۱۳۱	۰/۰۰۲
نهادینه شده	۰/۱۷۳	۰/۱۰۱	۰/۰۸۳	۱/۷۱۰	۰/۰۸۸
سرمایه فرهنگی	۰/۲۱۶	۰/۰۶۸	۰/۱۶۳	۳/۲۹۲	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۸، رگرسیون خطی چند متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می دهد. از میان چهار متغیر مستقل موجود در جدول، متغیرهای سرمایه عینیت یافته، تجسم یافته و سرمایه فرهنگی به ترتیب با مقدار ضریب بتای ۰/۳۰، ۰/۱۶ و ۰/۱۶ توانسته اند متغیر وابسته سواد رسانه ای را تبیین کنند. از این رو، چنین می توان نتیجه گرفت که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیرها، میزان سواد رسانه ای به ترتیب به میزان ۰/۳۱، ۰/۱۷ و ۰/۱۷ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. با توجه به جدول ضرایب استاندارد متغیر پیش بین، سرمایه عینیت یافته ($Beta=0/31$, $p=0/0001$)، متغیر سرمایه تجسم یافته ($Beta=0/16$, $p=0/002$) و متغیر سرمایه فرهنگی ($Beta=0/16$)، در پیش بینی سواد رسانه ای نقش دارند؛ اما متغیر سرمایه نهادینه شده در پیش بینی سواد رسانه ای نقش ندارد. مقدار T اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل

را در الگوی رگرسیون نشان می‌دهد. با توجه به این که در این تحقیق مقدار T برای متغیرهای مستقل سرمایه عینیت یافته، تجسم یافته و سرمایه فرهنگی بزرگتر از $۲/۳۳$ و در سطح خطای کوچکتر از $۰/۰۵$ معنی‌دار هستند، در نتیجه، می‌گوییم که متغیر مورد نظر به صورت معنی‌داری، متغیر وابسته را تفسیر می‌کند.

جدول ۹) مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۰/۷۸۸	۰/۶۸۵	۰/۶۶۲	۸۶/۵۶۴	۱	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۹ مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $۰/۷۸۸$ بدست آمده است، این مقدار بیانگر این است که بین متغیر مستقل و متغیر وابسته سواد رسانه‌ای همبستگی قوی وجود دارد. همچنین این متغیرها با توجه به مقدار R^2 ، $۰/۶۸۵$ از تغییرات (واریانس) سواد رسانه‌ای را تبیین می‌کنند که به عدد یک نزدیک بوده و نشان از آن دارد که متغیر مزبور، نقش متوسط و خوبی در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد. $۳۱/۵\%$ باقیمانده توسط عوامل خارج از الگو تبیین می‌شوند. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $۰/۶۶۲$ است که با توجه به این که این ضریب با درجه آزادی تعدیل شده است، به منظور انعکاس بیشتر، میزان نکویی برازش الگو از آن استفاده می‌شود.

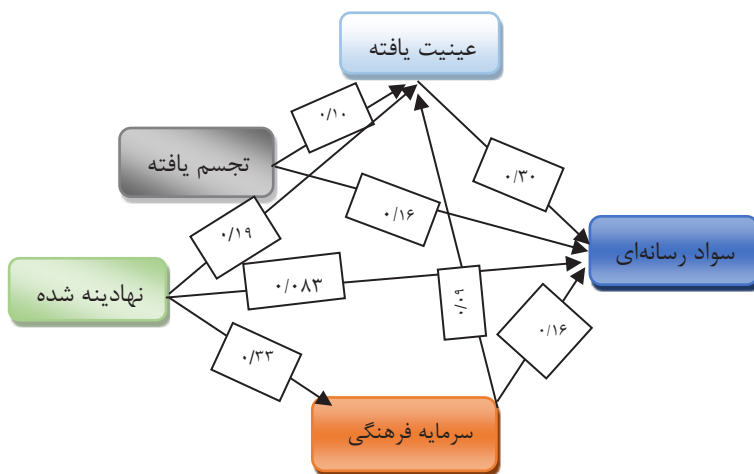
نتایج نشان می‌دهد که معادله رگرسیونی حاضر، $۶۶/۲\%$ از تغییرات (واریانس) متغیر وابسته سرمایه فرهنگی را تبیین می‌کند. با توجه به مقدار آزمون تحلیل واریانس $۸۶/۵۶۴$ ، سطح خطای کوچکتر از $۰/۰۱$ معنادار است. از این رو، چنین می‌توان نتیجه گرفت که الگو رگرسیونی تحقیق مرکب از یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (سواد رسانه‌ای) الگوی خوبی بوده است.

تحلیل مسیر

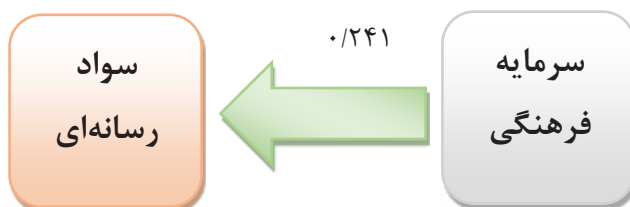
با توجه به آزمون رگرسیون چندمتغیره و در الگوی نظری فوق، مشخص شد که تمامی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تأثیر مستقیم دارند. نتایج جدول ۱۰ بیانگر این است که بیشترین تأثیر مستقیم را متغیرهای سرمایه عینیت یافته با میزان بتای $0/301$ و متغیر سرمایه تجسم یافته با میزان بتای $0/163$ بر روی متغیر وابسته داشته‌اند. متغیر سرمایه نهادینه شده با میزان بتای $0/083$ کمترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم را بر متغیر وابسته داشته است. بیشترین تأثیر غیرمستقیم را متغیر سرمایه نهادینه شده با میزان بتای $0/165$ دارد. براین اساس سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک دارایی تعریف می‌شود که مجسم کننده، ذخیره کننده و یا تأمین کننده ارزش فرهنگی، علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی است که می‌تواند داشته باشد. طبق نتایج به‌دست آمده، فرضیه تأثیر سرمایه فرهنگی بر میزان سواد رسانه‌ای تأیید شد.

جدول ۱۰) میزان تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	انواع تأثیر		
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
عینیت یافته	$0/301$	-	$0/301$
تجسم یافته	$0/163$	$0/135$	$0/298$
نهادینه شده	-	$0/165$	$0/165$
سرمایه فرهنگی	$0/163$	$0/078$	$0/241$



شکل ۲) تحلیل مسیر سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن



شکل ۳) رابطه سرمایه فرهنگی با سواد رسانه‌ای

این پژوهش در صدد بررسی رابطه متغیر سرمایه فرهنگی بر میزان سواد رسانه‌ای دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مرکز قاینات بود. نتایج به‌دست آمده از تحلیل مسیر، نشان دهنده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سرمایه فرهنگی و شاخص‌های سرمایه فرهنگی بر میزان سواد رسانه‌ای است که بر طبق این نتایج، می‌توان به پرسش اصلی پژوهش که تأثیر سرمایه فرهنگی بر میزان سواد رسانه‌ای است، پاسخ داد و فرضیه پژوهش، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر در صدد سنجش میزان سواد رسانه ای و بررسی رابطه ی سرمایه فرهنگی با میزان سواد رسانه ای دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات بوده است. با استفاده از روش پیمایش کاربردی و به وسیله پرسشنامه استاندارد شده و خود محقق ساخته، اطلاعات پاسخگویان گردآوری شده و با ویرایش ۲۲ نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، ۸۵۰ نفر از دانشجویان است. شیوه نمونه گیری تصادفی بوده و تعداد حجم نمونه برابر با ۳۸۹ نفر بوده است. در این پژوهش، ابتدا مبانی نظری تحقیق بررسی شده و بیش از همه، بر آراء بوردیو، هابز، تامن، ... درباره سواد رسانه ای تأکید گردیده است. هدف پژوهش، سنجش میزان سواد رسانه ای دانشجویان و ارتباط سرمایه فرهنگی با سواد رسانه ای بود.

طبق نتایج آمار توصیفی، بیشتر پاسخگویان (۷۲/۴٪) زن بوده اند. ۵۰٪ پاسخگویان مجرد و ۵۰٪ آنان متأهل بودند. بیشتر پاسخگویان (۱۵/۸٪ = ۶۳ نفر) تحصیلات همسران شان، دیپلم بود. بیشتر پاسخگویان (۶۷/۶٪ = ۲۶۹ نفر) رشته تحصیلی شان، علوم انسانی بود. ۵۷/۵٪ از پاسخگویان از گرایش سواد رسانه ای کمی برخوردار بودند و تنها ۳/۳٪، گرایش به سواد رسانه ای بالایی داشتند.

ارتباط سواد رسانه ای با متغیرهای میزان تحصیلات مادر، سن، تأهل و رشته تحصیلی مورد تأیید قرار گرفت و ارتباط متغیرهای زمینه ای با سواد رسانه ای در مورد بعضی از متغیرهای زمینه ای، مانند جنسیت، تحصیلات پدر و تحصیلات همسر مورد تأیید قرار نگرفت.

با توجه به نتایج آزمون پیرسون، مقدار همبستگی بین متغیر سرمایه تجسم یافته با متغیر وابسته (سواد رسانه ای) ۰/۵۷+ است. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می شود. متغیر مستقل مورد تأکید بوردیو، ساختارهای عینی و ساختارهای ذهنی است. این متغیر در تعامل با یکدیگر تعیین کننده رفتارها، کردارها، موضع گیری های افراد، گروه ها و جوامع است.

با توجه به این که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۸۸+ است، نشان

می‌دهد بین متغیر مستقل و متغیر وابسته سواد رسانه‌ای، همبستگی قوی وجود دارد. هم‌چنین این متغیرها با توجه به مقدار R^2 ، ۰/۶۸/۵ از تغییرات (واریانس) سواد رسانه‌ای را تبیین می‌کنند که به عدد یک نزدیک بوده و نشان از آن دارد که متغیر مزبور، نقش متوسط و خوبی در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد.

با توجه به آزمون رگرسیون چندمتغیره، تمامی متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تأثیر مستقیم دارند. بیشترین تأثیر مستقیم را متغیرهای سرمایه عینیت یافته با میزان بتای ۰/۳۰۱ و متغیر سرمایه تجسم یافته با میزان بتای ۰/۱۶۳ بر روی متغیر وابسته داشته‌اند. متغیر سرمایه نهادینه شده با میزان بتای ۰/۰۸۳ کمترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم را بر متغیر وابسته داشته است.

طبق نتایج به‌دست آمده، باید بیان کرد که پاسخگویان و خانواده‌هایشان تا به‌حال، چندان از شاخص‌های سواد رسانه‌ای در زندگی اجتماعی‌شان بهره‌مند نبوده‌اند. بنابراین، ارتقاء سطح تحصیلات خانواده و دانشجو در بهره‌مندی از رویکردهای سواد رسانه‌ای بسیار ضروری است. هم‌چنین در بین شاخص‌های سرمایه فرهنگی، از جمله ارتقاء سطح مطالعه غیردرسی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و بهره‌مندی از انواع برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و هنری و ... در سطح زندگی، قشر جوان دانشجویی شهر قاین می‌تواند به ارتقاء مهارت سواد رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی جامعه، کمک لازم را به‌نماید.

طبق نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌هایی که در پیشینه تحقیق به آن اشاره شد، بین سواد رسانه‌ای و عوامل فرهنگی و اجتماعی ارتباط وجود دارد. بنابراین بر اساس نتایج این پژوهش نیز مشخص شد که بین سرمایه فرهنگی و سواد رسانه‌ای ارتباط وجود دارد. فرضیه ارتباط سرمایه فرهنگی با سواد رسانه‌ای از دل نظریات مکتب فرانکفورت و نظریه شکاف آگاهی استخراج شده است.

همان‌طور که بیان شد سواد رسانه‌ای مانند تصفیه عمل می‌کند. در نتیجه، سواد رسانه‌ای این امکان را فراهم می‌سازد که پیام دریافت شده، با چالش روبرو شود و مخاطب از حالت انفعالی به وضعیتی فعال، پرسشگر و خودبیانگر برسد. یکی از

بدیهی ترین و عینی ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است. مصرف کالاهای فرهنگی مانند کتاب، مجلات و ... در اختیار افراد بوده که از آن استفاده می کنند.

سرمایه فرهنگی در افزایش آگاهی از آئین ها، باورها، دانش ها و هنرها مؤثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند افراد جامعه را فراهم می آورد و نحوه شکل گیری هویت جمعی را بیان می کند. سرمایه فرهنگی به عنوان یک دارایی تعریف می شود که مجسم کننده، ذخیره کننده و یا تأمین کننده ارزش فرهنگی، علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی است که می تواند داشته باشد (قرونه، ۱۳۸۹: ۴۰). شکی نیست که رسانه و فرهنگ، به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه ها در مدیریت جوامع محسوب می شود. زمانی که وابستگی فرهنگی و رسانه ای، منشأ دیگر سلطه هاست و زمانی که دو نهال سیاست و اقتصاد در زمین بکر فرهنگ، هرس می شوند و از آن تغذیه می کنند و با حیات او می زنند، دیگر جای هیچ گونه تردیدی از ارتباط در عرصه های مختلف بین المللی، جهت سلطه جهانی نیست. سرمایه فرهنگی یکی از مفاهیم کاربردی در مکتب فرانکفورت است که بر اساس این دیدگاه، آن دسته از مخاطبانی که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردار باشند، به نسبت بیشتر افراد، قدرت تحلیل محتوای پیام رسانه ها را دارند. بنابراین، فرضیه وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و سواد رسانه ای تأیید می شود.

یافته های این تحقیق نشان می دهد که بین سرمایه فرهنگی و میزان سواد رسانه ای، رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس، در مجموع سرمایه فرهنگی در حدود ۰/۲۴۱ اثرگذار بر ارتقاء سواد رسانه ای دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز قاینات خواهد بود. از این رو، راهکارهای پیشنهادی این تحقیق به شرح زیر است:

۱- تأکید بر توسعه سرمایه فرهنگی از طریق ایجاد مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی، هم چون سینماها، فرهنگسراها، سالن های ورزشی، کتابخانه ها، مساجد، دانشگاه ها و دیگر فضاها است که از این طریق، بتوان علاقه و ایجاد انگیزه برای انجام فعالیت های فرهنگی و کسب دانش و اطلاعات را برای دانشجویان فراهم کرد.

۲- دستگاه های اجرایی در حوزه فرهنگ، با فراهم ساختن زمینه های مشارکت

جوانان در فعالیت‌های فرهنگی، بتوانند میزان سواد رسانه‌ای را در اجتماع ارتقاء دهند.

۳- با برگزاری جلسات نقد و بررسی رسانه‌های مختلف و همچنین از طریق دعوت از اساتید علوم ارتباطات برای ارائه درس گروهی در مورد نقش رسانه‌ها در توسعه اهداف آموزشی- پژوهشی دانشجویان، در جهت تقویت مهارت‌های سواد رسانه‌ای اقدام شود.

۴- ارائه درس سواد اطلاعاتی به منظور تقویت این مهارت در دانشجویان، یک ضرورت اساسی است که باید تصمیم‌گیری‌های لازم توسط سیاست‌گذاران اتخاذ گردد.

منابع

- براون، جیمز ای. (۱۳۸۵). "رویکردهای سواد رسانه‌ای". ترجمه پیروز ایزدی. *رسانه*، ش ۴، پیاپی ۶۸ (زمستان): ۷۰-۵۱.
- بصیریان جهرمی، حسین؛ بصیریان جهرمی، رضا (۱۳۸۵). "درآمدی بر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی". *رسانه*، ش ۴، پیاپی ۶۸ (زمستان): ۵۰-۳۳.
- پاتر، جیمز (۱۳۸۵). "تعریف سواد رسانه‌ای". ترجمه لیلا کاووسی. *رسانه*، ش ۴، پیاپی ۶۸ (زمستان): ۲۶-۷.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- حامدی، محمد (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با سواد رسانه‌ای دانشجویان". *مطالعات رسانه‌ای*، سال هفتم، ش ۱۹ (زمستان): ۷۸-۶۵.
- حبیبی‌نیا، امید (۱۳۸۲). "مردم و سواد رسانه‌ای". *همشهری*، (۱۷ آبان ماه): ۱۴.
- خسروانی، عباس (۱۳۹۴). "ضرورت‌های توسعه سواد رسانه‌ای در کشور". *اطلاعات* (۳۰ شهریورماه): ۲.
- سپاس‌گر شهری، ملیحه (۱۳۸۴). "رویکرد نظری به سواد رسانه‌ای". *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال دوازدهم، ش ۴۴ (زمستان): ۱۲۷-۱۱۸.
- سلیمان، صفر؛ خسروی، فریبرز؛ حداد، زهرا (۱۳۹۲). "ارزیابی سواد رسانه‌ای

دانشجویان و دانش آموزان شهر تهران". رسانه، سال هشتم، ش ۲، پیاپی ۱۶ (پاییز و زمستان): ۷۴-۵۲.

– شارع پور، محمود؛ خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱). "رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران)". نامه علوم اجتماعی، سال دهم، پیاپی ۲۰ (زمستان): ۱۳۳-۱۴۷.

– شربتیان، محمدحسن؛ اسکندری، زهرا (۱۳۹۴). "تحلیل جامعه شناختی شخص های سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه های پیام نور و آزاد اسلامی قاین)". فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، سال دهم، ش ۲، پیاپی ۳۸ (زمستان): ۵۷-۸۴.

– صالحی امیری، رضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه های فرهنگی. تهران: ققنوس.

– قرونه، حسن (۱۳۸۹). "بازتاب سرمایه فرهنگی در آیین سازمان". تدبیر، ش ۲۱۷ (خرداد): ۳۹-۴۳.

– کربلایی حاج اوغلی، حسن (۱۳۹۵). "بررسی جایگاه و نقش نهادها در توسعه سواد رسانه ای در کشور". ماهنامه مدیریت رسانه، ش ۱۹ (خرداد): ۵۹-۷۵.

– کرمی، ناهید؛ داودی، عنایت (۱۳۹۵). "مطالعه سواد رسانه ای و نقش آن در جامعه ایرانی (مطالعه موردی: دانشجویان شهرستان محمودآباد)". [پیوسته] قابل دسترس در:

http://www.civilica.com/Paper-MPCONF02-MPCONF02_110.html
[1395/12/11]

– Ashley, S.; Maksl, A.; Craft, S. (2013). "Developing a news media literacy scale". [On-line] Available: <http://www.scholarworks.boisestate.eduDOI:10.1177/1077695812469802>[2017/03/10].

– Boles, D. (2002). "The language of Media literacy: glossary of terms". [On-line] Available: <http://www.Medialit.org/reading.2002.pdf> [2017/01/10].

– Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital". In: *Hand book of Theory*

- and the Search for the Sociology of Educational. Compiler J. G. Richardson.* New York: Greenwood Press: 241-258.
- Hobbs, R. (2005). "Media Literacy and the K-12 Content Areas". *Yearbook of the National Society for the Study of Education*, Vol. 104, No. 1: 32-34.
 - Hobbs, R.; Frost, R. (2003). "Measuring the Acquisition of Media Literacy Skills". *Reading Research Quarterly*, Vol. 38, Issue 3: 330-355.
 - Livingstone, S.; Thumim, N. (2003). "Assessing the Media Literacy UK". [On-line] Available: <http://www.lse.ac.uk/depts/media/people/slivingstone/index.html> P:6 [2017/01/10].
 - Potter, W. J. (2005). *Media literacy, Thousand Oaks*. California: Sage publication; Scharrer.
 - Rosenstiel, T.; Kovach, B. (2002). *The elements of journalism: what news people should know and the public should expect*. New York: Greenwood Press.
 - Scharrer, E.; Ramasubramania, S. (2015). "Intervening in the Media's Influence on Stereotypes of Race and Ethnicity: The Role of Media Literacy Education". [On-line] Available: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi:10.1111/josi.12103.pdf> [2017/01/12].
 - Thoman, E. (1995). "*The 3 stages of media literacy*". [On-line] Available: <http://www.Medialit.org/reading.1995.pdf> [2017/01/11].

کارکرد زیبایی‌شناختی تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۸

محمد غفوری‌فر^۱

علیرضا حسینی^۲

چکیده

کتاب سیاحت غرب آقانجفی قوچانی، سرشار از جلوه‌هایی زیبا، جذاب و پویاست. یکی از این جلوه‌ها، صحنه‌ها و تصویرهای هنری شگرف و نفیس آن است که هر یک به روشنی، نمایه‌ای از عالم برزخ و سرنوشت افراد در آن عالم را ارائه می‌دهد. آقانجفی در این کتاب با به‌کارگیری یک رشته الفاظ و تعابیر ظاهراً ساده، گاه صحنه‌هایی باشکوه و تصاویری زیبا ارائه می‌دهد که می‌تواند ضمن برانگیختن احساسات و عواطف آدمی، عقل و اندیشه وی را نیز به تکاپو وا دارد. این الفاظ و تعابیر چنان زنده و تأثیرگذار است که انسان به جای آن که خود را در مقام خواننده الفاظ بیابد، خود را بیننده صحنه‌هایی زنده و سرشار از حرکت و پویایی می‌یابد. آنچه سبب پیدایش این تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب شده است از یک‌سو، بهره‌گیری از فنون بلاغی (استعاره، کنایه و تشبیه)، تشخیص و تجسیم (مجسم‌سازی) است و از سوی دیگر، حاصل ترکیب عناصری هم‌چون تقابل صحنه‌ها، محاوره و گفت‌وگو و غیره. این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی مفهوم تصاویر هنری و مؤلفه‌های آن، به تحلیل زیبایی‌شناختی این تصاویر در کتاب سیاحت غرب آقانجفی قوچانی بپردازد.

واژگان کلیدی: آقانجفی قوچانی، سیاحت غرب، تصویر هنری، برزخ

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد، نویسنده مسؤول

m.ghafourifar۶۵@gmail.com
Alirhosseyni@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد

۱- مقدمه

تصویر هنری، نمایانگر فرایندی است که از یک سو به تصویر، مفهوم هنری بخشیده و آن را از تعبیر عادی جدا می کند و از سوی دیگر، زمینه نمایش حقایق ناپیدا و انتقال گنجینه های ذهنی به مخاطب را فراهم می سازد و در عمق بخشیدن به معانی مورد نظر نیز کارایی دارد. در دامنه تصویرگری هنری، توصیف ها و ترسیم ها به گونه ای هستند که موجب لمس واقعیت های ورای متن می شوند. از این رو، هر قدر تصویرپردازی یک متن هنری تر باشد، خواننده یا شنونده بیشتر و شدیدتر تحت تأثیر قرار می گیرد.

آفانجفی قوچانی برای ملموس ساختن حقایق عالم برزخ، از این شیوه بهره برده و در پرتو استخدام عناصر هنری از قبیل عاطفه، تجسیم، تشخیص، تمثیل و حرکت، نمایه ای از پدیده های آشکار و پنهان عالم برزخ را ارائه می دهد. در این نوشتار، سعی بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعه کتابخانه ای، منابع و اسناد و استفاده از فنون استنباط و استدلال در تحلیل اطلاعات، به بررسی و تحلیل کارکرد تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب آفانجفی قوچانی بپردازد و به پرسش های زیر پاسخ دهد که عناصر تشکیل دهنده تصویرهای هنری کتاب سیاحت غرب آفانجفی قوچانی کدام اند؟ و هدف ایشان از اتخاذ روش تصویرگری و صحنه پردازی چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات و پژوهش های متعددی از جانب پژوهشگران، درباره کارکردهای تصاویر هنری بویژه در قرآن کریم و نهج البلاغه، به رشته تحریر در آمده است، اما تاکنون هیچ اثری درباره تصویرهای هنری و کارکرد آن در کتاب سیاحت غرب آفانجفی قوچانی، صورت نگرفته است.

بی تردید درک واقعی و روشن تر کارکرد تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب آفانجفی قوچانی، نیازمند آگاهی اجمالی نسبت به مفهوم تصویر هنری و کارکردهای آن می باشد. بدین خاطر، در ابتدا به تبیین تصویر هنری و مفهوم آن می پردازیم.

۳- تصویر هنری

تصویر، در لغت به معنای صورت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش و رسم نمودن چیزی است (دهخدا، ذیل "تصویر"). تعاریف گوناگونی از گذشته تاکنون، برای مفهوم اصطلاحی "تصویر" و "تصویرگری" ارائه گردیده که در هر کدام از زاویه‌ای خاص به این موضوع جالب توجه نگریسته شده است. رابین (۱۳۷۵: ۱۵۵) می‌گوید: «تصویر بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی نویسنده زندگی می‌بخشد. به عبارت دیگر، سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید، یا می‌شنود». یعنی نویسنده دریافت خاصی دارد که سبب می‌شود به واسطه چنین دریافتی، اشیایی را که هم‌روزه می‌بینیم به شیوه‌ای دیگر القا کند، به گونه‌ای که گویا این اشیاء را به نوعی دیگر می‌بینیم. اندیشمند غربی "ون"^۱ در تعریف تصویر می‌گوید: «تصویر کلامی غنی است که بیشتر از عناصری محسوس تشکیل شده و دربردارنده فکر یا احساسی است و بر چیزی بیش از معنای ظاهری کلام دلالت دارد (غرب، ۱۹۷۱م: ۱۹۲) و نیز گفته‌اند: تصویر (ادبی) هر نوع آرایه کلامی به شکل‌هایی از نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و مانند آنها است که به منظور ایجاد صورت‌های ذهنی و انگیزش عاطفه به کار می‌رود (انوری، ذیل "تصویر"). سارتر^۲ در تعریفی از تصویر می‌گوید: «تصویر عبارت از نحوه خاص ظهور یک شیء در شعور انسانی است و یا به طریق اولی، تصویر طریقه خاصی است که شعور انسانی به وسیله آن، یک شیء را به خود ارائه می‌دهد (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۱۴).

برخی نیز تصویر را در مباحث ادبی به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق نموده‌اند که گوینده با کلمات تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد (داد، بی تا: ۱۳۹). شاعر انگلیسی سیر. دی. لویس^۳ در ساده‌ترین توصیف، تصویر را تابلویی ساخته شده از جنس کلمات می‌داند (صباغ، ۱۴۰۹ق: ۴۸۹). او معتقد است که تشبیه یا استعاره می‌تواند یک تصویر بیافریند، اما در عین حال برخی تعبیر توصیفی

1. Van

2. Sartre

3. Sir Day-Lewis

را می‌توان سراغ گرفت که بدون چنین عناصری نیز قدرت خلق تصاویری باشکوه و خیره کننده را دارد (همانجا). یکی دیگر از محققان در تعریف تصویر می‌گوید: تصویر ادبی، به معنای به‌کار گرفتن سخن، به‌گونه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روش جدید و ابتکاری تجسم می‌یابند و حتی به اشکالی قابل رؤیت و جلوه‌گر می‌شوند و در حقیقت، در این گونه موارد، سخن از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پرنشاط پا می‌گذارد (یاسوف، ۲۰۰۶م: ۹۰) و به تعبیری ساده و کوتاه می‌توان گفت: تصویر یعنی پرده‌برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس برانگیز. از آنچه گفته شد، به‌خوبی روشن می‌شود که ابزار تصویرگری در حوزه ادبیات، همان الفاظ و عبارات هستند، نه قلم و رنگ و عکس.

۴- معرفی آقاجفی و آثارش

آیت‌الله سید محمدحسن آقاجفی قوچانی معروف به آقاجفی در سال ۱۲۹۵ق. (۱۲۵۷ش.) در روستای خسرویه (خروه) از توابع قوچان به دنیا آمد. در سنین کودکی در روستای خروه قبل از هفت سالگی قرآن را نزد پدر ختم کرد و در ۱۳ سالگی روانه شهر قوچان شد و پس از سه سال تحصیل در قوچان، پیاده از راه سبزوار و نیشابور به مشهد رفت و در مدرسه دودرب و پریزاد ادبیات و سطح را تا قوانین فراگرفت (آقاجفی قوچانی، ۱۳۶۲، مقدمه: ۱).

وی در ۱۹ سالگی همراه یکی از هم‌درسانش پیاده از راه طبس و کویر به یزد و از آنجا به اصفهان رفت و در مسجد "عربون" ساکن گردید. در اصفهان منظومه حاج‌ملاهادی سبزواری را نزد آخوند کاشی، رسائل را نزد شیخ عبدالکریم گزی و حکمت را نزد میرزاجهانگیرخان قشقایی فراگرفت (همان: ۳) ایشان در سن ۲۳ سالگی پس از چهار سال توقف در اصفهان، با یکی از دوستانش پیاده عازم نجف گردید و در حوزه به درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی راه یافت و همین امر موجب شد، تصمیم بگیرد برای ادامه تحصیل در نجف بماند. ایشان در کتاب سیاحت شرق خاطرات زیادی از ناملایمات زندگی خود در نجف آورده است (همانجا). معظم‌له در ۳۰ سالگی به درجه‌ی اجتهاد

نائل گردید. در سن ۴۳ سالگی و بعد از ۲۰ سال زندگی در نجف، تصمیم بازگشت به ایران می‌گیرد. وی در راه بازگشت پس از زیارت حرم امام رضا (ع) توقفی کوتاه در مشهد می‌نماید و به درخواست مردم قوچان، عازم این شهر گشته و ماندگار می‌شود و بیش از ۲۵ سال از عمر پایانی خود را در مقام فقاقت و حاکمیت شرع در قوچان می‌گذراند و در ضمن به اداره حوزه علمیه دینی و تدریس در مدرسه عوضیه می‌پردازد. این مرد وارسته تا آخر عمر از کار و تلاش دست برنداشت و سرانجام در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن ۶۵ سالگی در قوچان زندگی را بدرود گفت و در یکی از اتاق‌های خانه‌اش به خاک سپرده شد (همان: ۴).

مرحوم آقاجفی در نجف اشرف با رسیدن به عالی‌ترین مراحل کمال و مدارج فقاقت در مباحث فقه، اصول، عرفان، اخلاق و سفرنامه‌نویسی از خود تألیفاتی به یادگار گذاشت، عناوین آنها بدین شرح است:

۱- شرح دعای صباح؛ ۲- کتاب سیاحت شرقی (زندگینامه آقاجفی قوچانی)؛ ۳- کتاب سیاحت غرب (عالم پس از مرگ)؛ ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه (اصل رساله از ارسطو و ترجمه از باباافضل کاشانی است)؛ ۴- رساله عذر بدتر از گناه (به زبان فارسی و عربی است و در دفاع از مشروطیت نوشته است)؛ ۵- شرحی بر کفایه الاصول (مربوط به استادشان مرحوم آخوند خراسانی (ره) بوده است)؛ ۶- اثبات رجعت (کتاب خطی و به نثر عربی و فارسی است که آن را در نجف اشرف به سال ۱۳۲۷ق. نوشته است)؛ ۷- سفری کوتاه به آبادی‌های قوچان (در مورد اطراف قوچان نگاشته‌اند)؛ ۸- تقریرات فقهی و رساله اصالة البرائة در اصول فقه؛ ۹- شرحی بر کتاب پسران من پل دومر آمریکایی (در زمینه اخلاق و تربیت جوانان) (همانجا).

در این زمینه می‌توان اذعان داشت از میان کتاب‌های مذکور، کتاب سیاحت غرب که در آن آقاجفی سرگذشت برزخی خود را به رشته تحریر در آورده، یکی از کتاب‌های مشهور ایشان است که در آن تصاویر زیبا و جذابی از عالم برزخ به نمایش در آمده است.

۵- تصویر هنری در کتاب سیاحت غرب

آقانجفی قوچانی در کتاب سیاحت غرب تصاویری از عالم برزخ ارائه می‌کند که غالباً از عناصر گوناگونی هم‌چون فنون بلاغی، تقابل صحنه‌ها، تخییل، محاوره (گفت‌وگو) و ... استفاده نموده است و لیکن به‌طور کلی این مؤلفه‌ها را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱- تصاویری که در اثر استعمال برخی فنون بلاغی از جمله استعاره، کنایه، تجسیم و تشخیص به‌وجود آمده است؛

۲- تصاویری که در اثر کاربرد زبان واقعی و قاموسی جلوه نموده و خالی از فنون ادبی مشهور است.

در ادامه به بررسی کیفیت تصویر هنری در سیاحت غرب آقانجفی می‌پردازیم.

۵-۱- بهره‌گیری از فنون بلاغی

۵-۱-۱- تشبیه

تشبیه در لغت همانند ساختن و مثال آوردن است، گفته می‌شود این شبیه آن و مثل آن است (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲). تشبیه در اصطلاح قرار دادن هم‌گونی و شباهت بین دو امر و یا بیشتر است که متکلم اشتراک آنها را در یک یا چند صفت به کمک اداتی می‌رساند (تفتازانی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). هم‌چنین تشبیه، کوششی بلاغی است که شکل را صیقل می‌دهد و لفظ را به جلو می‌راند تا معنی را به ذهن نزدیک کند. بنابراین، تشبیه لفظ را از شکلی به شکل دیگر که مورد نظر گوینده است منتقل می‌کند و سه ویژگی، مبالغه، بیان و ایجاز را یک‌جا دارد (علی‌الصغیر، ۱۴۱۲ق: ۷۸).

تشبیه یکی از شیوه‌های صور خیال است که آقانجفی در کتاب سیاحت غرب از آن برای تسهیل در درک و فهم موضوعات خویش بدین‌گونه بهره می‌جوید:

۵-۱-۱-۱- ... نظر کردم و موجودی را دیدم که هیچ چشمی، چنان صورت خشمگینی را نبیند که چشم‌ها برگشته و سرخ شده هم‌چون شعله آتش و دهان سیاه و باز هم‌چون دهان شتر و دندان‌های بلند و زرد و گرزها را بلند نموده و مهیای زدن هستن (آقانجفی

قوچانی، ۱۳۸۵: ۴۳).

آقانجفی در این تشبیه تصاویر هراسناک از فرشتگان نکیر و منکر را به نمایش در می‌آورد، ایشان چشم‌های غضبناک آنان را به شعله‌های آتش و دهان آنان را هم‌چون دهان شتر تشبیه کرده است و با این تصویر، خوف و هراس را در برابر دیدگان ترسیم می‌نماید.

۵-۱-۱-۲ ... آن آدم‌ها (دشمنان آل محمد) بی‌اختیار بلند می‌شوند و به زمین می‌خورند، مانند دانه‌های سپند در تابه داغ که به یک‌جا قرار و آرام نداشتند و ناله و فریاد آنها مانند صدای سگ به گوش ما می‌رسید و این منظره بسی موجب مسرت و چشم‌روشنی من شده بود (همان: ۱۴۳).

در این عبارت آقانجفی، برای ترسیم نهایت عذاب و دردناک بودن حالت دشمنان آل محمد (ص) از دو تشبیه بهره گرفته است، یکی تشبیه بی‌قراری دشمنان به اسپند داغ و بی‌سکون در تابه و دیگری تشبیه شدت ناله و فریاد آنان به صدای سگ. بدین‌گونه تصویری سخت و دردناک از عذاب چنین اشخاصی ارائه می‌دهد.

۵-۱-۱-۳- از هیبت آن بزرگوار (حضرت ابوالفضل)، نفس‌ها در سینه‌ها گره شده و مردم مانند مجسمه‌های بی‌روح ایستاده‌اند، ما هم در گوشه‌ای خزیدیم و مثل بید می‌لرزیدیم ... (همان: ۹۸).

در اینجا دو تشبیه به نمایش در آمده است، یکی تشبیه مردمانی که از شدت هیبت حضرت ابوالفضل (ع) به مجسمه‌های بی‌روح و منجمد و دیگری تشبیه ترس و اضطراب درونی آقانجفی و همراهانش به بید لرزان. این تشبیه‌ها تصویری از ابهت و شوکت حضرت ابوالفضل (ع) در برابر دیدگان ترسیم می‌نماید.

۵-۱-۲- استعاره

یکی از بارزترین و شیواترین اسالیب صور خیال است که از زیبایی خیره کننده‌ای برخوردار می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان آن را سحرانگیزترین نوع سخن دانست، زیرا در دل‌وجان نشسته و آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از موارد به کارگیری استعاره در کتاب سیاحت غرب آقانجفی می توان به این مورد اشاره نمود: «پس از اتمام آن کلمات، به واسطه اختلاف در مشرب و مذاق و آب گیری فهم ها، قاله قاله و مباحثه در میانشان افتاد» (همان: ۱۳۱).

آن چه به جمله ی فوق، تصویرگری زیبایی بخشیده است، عبارت "آب گیری فهم ها" است، این عبارت، استعاره ای برای ترسیم برداشت های مختلف از گفتارها است.

۵-۱-۳- کنایه

کنایه یکی از اشکال ادبی لطیفی است که با تصویر و تعبیر دقیق شناخته می شود. کنایه در لغت چیزی است که انسان می گوید و غیر آن را اراده می کند. در اصطلاح لفظی است که غیر معنایی که برای آن وضع شده، از آن اراده شده و اراده معنای اصلی آن هم جایز است، چون قرینه بازدارنده از اراده معنی اصلی وجود ندارد (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۱۴).

آقانجفی در بسیاری از موارد با بهره گیری از کنایاتی نغز و لطیف به تصویرسازی هنری می پردازد:

۵-۱-۳-۱- همین طور فوجی از پس فوجی دیگر با یک صد نفر ملائکه حرکت نمودند، تا آن که شش فوج به فاصله چندی روانه شدند و فوج هفتم که مرکب از شش هزار نفر بود، با بقیه ملائکه حرکت نمودیم و خودم علم "نصر من الله و فتح قریب" (یاری از ناحیه خدا و پیروزی نزدیک است) را به دست گرفتم و شاکی السلاح با شمشیرهای برهنه به راه افتادم (آقانجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

آقانجفی با بهره گیری "شاکی السلاح"، یکی از صحنه های هیجان انگیز برزخ را پیش روی خوانندگان ترسیم می نماید که در آن صحنه، وی به همراه ملائکه با تمام سلاح و با شوکت و هیبت در راه انتقام گیری از دشمنان در سرزمین برهوت، قدم می گذارد.

۵-۱-۳-۲- با حال یأس و دل شکستگی به قبرستان و منزل خود مراجعت نمودم و نزدیک بود که بر اهل اولاد خود نفرین کنم، ولی حقیقت علم مانع شد که همین یک قوز برای آنان بس است و قوز بالای قوز نباشد (همان: ۵۴).

آقانجفی با بهره‌گیری از کنایه "قوز بالای قوز"، به ترسیم کثرت گرفتاری‌ها و مصائب می‌پردازد.

۵-۳-۳- با این همه لوعه دلشان ساکن نمی‌شد و قریرالعین نمی‌شد، چه آخر درجه حصول انتقام و آرامی و خنک شدن دل مظلوم، به مردن ظالم و بیرون شدن او از دار هستی است ... (همان: ۱۴۴).

آقانجفی با بهره‌گیری از این واژه و منفی نمودن آن، معانی ناراحتی و غمگینی را در روح و روان آدمی، ترسیم می‌کند.

۵-۲- توصیفات دقیق

وصف در ادبیات، ابزاری است بسیار مهم و نقش آفرین، تا آنجا که گفته شده قسمت اعظم بار هر اثر ادبی بر دوش توصیف است و تصویرگری خود زیرمجموعه توصیف و مقوم آن به‌شمار می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۶).

آقانجفی برای تقریب به ذهن نمودن عذاب زناکاران، مجموعه‌ای از تصویرهای حسی دقیق و صحنه‌هایی ترسناک را به نمایش می‌گذارد:

۵-۲-۱- دیدم ابتلائات زیاد شد، زمین به‌شدت می‌لرزد و هوا طوفانی و تاریک گردیده و از آسمان مثل تگرگ سنگ می‌بارد و در دو طرف راه، محشر کبریایی رخ داده و گرفتاران به هیاکل موحشی در آمده‌اند و در تلاش و در آن لجن‌های داغ غرق هستند و اگر پس از زحمت‌هایی، خود را از لجن‌ها بیرون کشند، سنگی از آسمان به سرشان خورده، دوباره مثل میخی به زمین فرو می‌روند (آقانجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۸۵).

در نمونه‌هایی نیز آقانجفی با بهره‌گیری از توصیفات دقیق، تصویرهای حسی، از صحنه‌هایی زیبا و جذاب سرزمین رحمت به نمایش گذاشته است.

۵-۲-۲- داخل غرفه‌ای شدیم که یکپارچه بلور بود. تخت‌های طلا در آن گذارده و تشک‌های مخمل قرمز بر روی آنها انداخته و پشته‌ها و متکاهای ظریف و نظیف روی آن چیده بودند. عکس ما در سقف و دیوار غرفه افتاد، با آن حس و جمال که داشتیم از دیدن خودمان لذت می‌بردیم. در وسط غرفه، میز غذاخوری نهاده بودند و در روی آن،

اغذیه و اشربه چیده شده بود و دختران و پسرانی برای خدمت به صف ایستاده بودند، ما بر روی آن تخت‌ها نشستیم (همان: ۹۴).

۵-۲-۳- رسیدم به منزلگاه و هر کدام در حجره‌ای از قصورعالیه که از خشت‌های طلا و نقره ساخته بودند منزل نمود ساختیم. اثاث هر منزل از هر حیث مکمل بود و نظافت و نقوش و ظرافت آنها، چشم‌ها را خیره و عقل‌ها را حیران می‌ساخت و خدمه‌اش بسیار خوش‌صورت و خوش‌اندام و خوش‌لباس و در اطراف برای خدمت‌گزاری در گردش و طواف بودند (همان: ۷۳).

۵-۳- تصویرگری با به‌کارگیری زبان حقیقی

یکی دیگر از شیوه‌های آقاجفی برای ترسیم عالم برزخ، به‌کارگیری کلماتی است که خیال در آن دخل و تصرف ندارد. به عبارت دیگر، گاه با تصاویری برخورد می‌کنیم که حاصل کاربرد زبان عادی است و لیکن همان زبان عادی چنان هنرمندانه به کار گرفته شده است که گویا کلمات نقش‌آفرینانی هستند که بر روی صحنه به اجرای نمایش می‌پردازند. این تصاویر غالباً از طریق گفت‌وگو و تقابل صحنه‌ها ارائه شده است.

۵-۳-۱- شیوه محاوره‌ای گفت‌وگو

یکی از شیوه‌های کارآمد در به تصویر کشیدن صحنه‌ها و تجسم بخشیدن مفاهیم، روش محاوره و گفت‌وگو است. این روش تأثیر به‌سزایی در برانگیختن عواطف مخاطبان و ایجاد کشش‌های روحی در آنها دارد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۸).

آقاجفی نیز از این شیوه کارآمد در به تصویر کشیدن صحنه‌ها بهره گرفته است. اینک به نمونه‌هایی از به‌کارگیری این شیوه در کتاب سیاحت غرب اشاره می‌نماییم:

۵-۳-۱-۱- سلامی به من داد، ولی حرف لام را اظهار نکرد و گفت: "سام علیک؛ مرگ بر تو". من به شک افتادم که اظهار عداوت نمود - چنان‌که قیافه نحسش نیز شهادت می‌دهد - و با آن‌که زبانش در اداء سستی نموده است. در جواب سلام، محض احتیاط به همان علیک اکتفا نمودم. پرسیدم کجا را قصد دارید؟ گفت با تو هستم. من

هیچ راضی نبودم که با من باشد، چون از او در خوف و وحشت بودم. پرسیدم اسمت چیست؟ گفت همزاد تو، اسمم جهالت و لقبم کجرو و کنیه‌ام ابوالهول و شغلم افساد و تفتین است ... پرسیدم به دو راهی رسیدیم راه منزل را میدانی؟ گفت نمی‌دانم. گفتم تشنه‌ام در این نزدیکی‌ها آب هست؟ گفت نمی‌دانم. گفتم منزل دور است یا نزدیک؟ گفت نمی‌دانم. گفتم هستی با دانایی یکی است، پس چرا نمی‌دانی؟ گفت همین قدر می‌دانم که هم‌چون سایه‌ی تو، از اول عمر تو، ملازم تو بوده‌ام و از تو جدایی ندارم مگر آن‌که به توفیق خدا، تو از من جدا شوی. با خود گفتم گویا این همان شیطان است که به وسوسه‌های او در دنیا گاهی به خطا افتاده‌ام (آقانجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲).

در این صحنه، تصویری زنده و گویا از گفت‌وگوی آقانجفی با جهالت (سمبل زشتی‌ها) به تصویر کشیده شده است، این گفت‌وگو نقش به‌سزایی در زنده کردن یأس و ناامیدی دارد.

۵-۳-۱-۲- من نزد او (حوریه) رفتم. او احتراماً به پا ایستاد و دست من را بوسید و در پهلوی یکدیگر نشستیم. گفتم حسب و نسب خود را و سبب این‌که مال من شده‌ای را بیان کن. گفت به‌خاطر داری که در فلان مدرسه در بحبوحه جوانی شب جمعه‌ای متعه نمودی؟ گفتم بلی. گفت من از قطرات غسل تو آفریده شده‌ام، بلکه من عکس و کپیه‌ای در مرتبه‌ی سوم از آنها هستم ... (همان: ۷۹-۸۰).

این صحنه، زنده و پویا بیانگر گفت‌وگو و هم‌نشینی آقانجفی با حوریه و سخنانی است که میان آنان رد و بدل می‌گردد و گذشته را به تصویر می‌کشد.

۵-۳-۲- تقابل

مقابله و رویارویی صحنه‌ها با یکدیگر، نقش مهمی در تأثیرگذاری بر مخاطب ایفاء می‌کند، زیرا بدیهی است که ارائه یک صحنه در مجالی خاص، نخواهد توانست همان تأثیری را از خود بر جای گذارد که در رویارویی آن صحنه با طرف مقابلش پدید می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۱).

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، مقابله و رویارویی صحنه‌ها نقش مهمی در

تأثیرگذاری بر مخاطب ایفاء می‌کند، زیرا ویژگی طبیعی انسان طوری است که اشیاء را از راه مقایسه با نقطه مقابل‌شان می‌شناسد و اگر نقطه مقابل نباشد، این شناخت به آسانی برای او فراهم نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۴۱).

در کتاب سیاحت غرب نیز، آقاجفی تصویر گویایی از صحنه تقابل سرزمین شهوت و رحمت ارائه نموده است، آنجا که می‌گوید: «پس از آن باغ‌های سوخته، باغ‌های سبز و خرم پیدا شد که پر از میوه و گل و ریاحین و آب‌های جاری و بلبلان خوشنوا بود. با خود گفتم حتماً آن باغ‌های سوخته هم مثل این‌ها بوده و اگر صاحبش به این قصه آگاه بود، از غصه و حیرت می‌مرد. هادی گفت این‌جا اول سرزمین وادی‌السلام است که امنیت و سلامتی، سراسر آن را فرا گرفته» (آقاجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۹۲).

در این‌جا دو صحنه در تقابل هم قرار می‌گیرند. صحنه باغ‌های سوخته که مربوط به سرزمین شهوت است و صحنه باغ‌های خرم که مربوط به سرزمین رحمت و آرامش است. تقابل میان این دو صحنه، در هدایت‌گری و تأثیرگذاری دینی نقش به‌سزایی دارد.

۵-۴- تخیل

تخیل در لغت به معنای به خیال انداختن است، یا به عبارتی، خیال و تصویر و نمای چیزی را در اندیشه و ذهن دیگران آفریدن است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۳).

صاحب الطراز، تخیل را در شمار صحنه‌های بدیع به‌شمار آورده و در تعریف آن گفته است: «تخیل، تصویر حقیقت چیزی است به‌گونه‌ای که گمان برده شود آن چیز دارای صورتی قابل مشاهده است و از اموری است که به دیدار می‌آید» (همانجا).

از جلوه‌های هنری آقاجفی در سیاحت غرب می‌توان به تصاویر خیال‌انگیز آن اشاره نمود، آن‌چنان که تابلوهای زیبا و جذابش حس و خیال انسان را بر می‌انگیزد و صحنه‌های بدیع‌اش نوازشگر چشم و خیال آدمی است.

در اینجا نمونه‌هایی از تصاویر خیال‌انگیز کتاب سیاحت غرب را به نظاره می‌نشینیم:

۵-۴-۱- خود را جمع نمودم و چند شلاقی به عقب اسب نواختم و با رکاب به پهلوی او زدم، اسب دم خود را حرکت داد و خود را گردباد کرد و باد به پرهی بینی انداخت و

چون باد صرصر (تند و سخت) پریدن گرفت. هادی که همیشه در بالای سر من هم چون شهباز در پرواز بود ... (آقاجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۸۶).

در این صحنه، تصویر خیالی حرکت اسب که با سرعت و شدت هم چون گردباد، تند و سخت به حرکت در می آید، نشانگر شدت تلاش برای خروج از تیرگی‌ها است.

۵-۴-۲- دیدیم سراسر افق شرق را ابر سیاه متراکمی فراگرفته است و از آن ابر، برق و تیر شهاب‌ها به اشکال مختلفه و حرکات متشسته، چنان ریزش دارد که گویا افق یک پارچه آتش شده و غرش‌های سختی از آن ابر به گوش ما می‌رسید ... گفتم در آنجا چه خبر است؟ گفت آن هوای برهوت است و آن ریزش تیر شهاب‌هاست که به صورت نیزه و شمشیر و خنجر و عمود بر دشمنان آل محمد (ص) ریزش دارد ... و ما می‌دیدیم که آن تیر شهاب‌ها به هر یک از آنها که اصابت می‌نمود و هکذا هلم جرا (به همین صورت تا آخر) و اگر احیاناً به زمین می‌خورد، دوباره بلند شده، به چند نفر دیگر اصابت می‌کرد و اگر کسی از مقابل آنها فرار می‌کرد، آن شهاب او را تعاقب می‌نمود، کأنه هدف خود را می‌شناخت و شعور داشت (همان: ۱۴۲).

آقاجفی در این عبارت، تصویری خیال‌انگیز و رعب‌آور از ریزش برق و تیر شهاب‌ها از ابرهای آسمانی و اصابت آنها بر سر دشمنان و تعقیب دشمنان توسط آن تیرها ارائه می‌دهد. این تصویر با برانگیختن ترس و دلهره در مخاطب، نهایت عذاب و انتقام را ترسیم می‌کند.

۵-۵- تشخیص

در تعریف آن گفته‌اند که تشخیص شخصیت انسانی دادن به اشیاء و آنها را به صورت انسان مجسم کردن است (انوری، ذیل "تشخیص") و یا پوشاندن لباس انسانی بر اندام اشیاء یا هر مخلوق غیر بشری و بخشیدن صفات بشری به آنهاست (عصفور، ۱۹۹۲م: ۲۶۸).

در تعبیر مصور قرآنی، جلوه‌های زیبایی از این افاضه‌حیات به جمادات را می‌توان مشاهده نمود، به گونه‌ای که تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی را در برابر خود به صورت

موجوداتی زنده می‌بینیم که هم‌چون انسان از شعور و احساس برخوردارند، می‌گویند، می‌شنوند، مطیع و فرمان‌بردارند و خلاصه آن‌که شور و غوغای عجیبی از حیات در میان‌شان برقرار است.

در تعبیر آقاجفی در کتاب سیاحت غرب، جلوه‌های زیبایی از این افاضه‌حیات به جمادات را می‌توان مشاهده نمود:

۵-۵-۱- مکینه‌های آتشفشان که اطراف مرا گرفته بودند و نزدیک بود کار مرا تمام کنند، رو به فرار گذاردند و در فرار از یکدیگر سبقت می‌گرفتند و چندی به یکدیگر تصادم نموده و خردخرد شدند ... (آقاجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

آقاجفی در این‌جا با شخصیت بخشیدن به بدی‌ها و زشتی‌ها در قالب انسان گریزان و در حال فرار، در صدد ارائه تصویری وحشتناک و تأثیرگذار بر نهاد آدمی است.

۵-۵-۲- از دامنه کوهی بالا رفتم، از تنهایی نیز در وحشت بودم. به عقب سر نگاه کردم، دیدم کسی به طرف من می‌آید، خوشحال شدم که الحمدلله تنها نماندم. تا به من رسید. دیدم شخصی سیاه و درازبالا، دارای لب‌های کلفت و دندان‌های بزرگ و نمایان و بینی پهن و مهیب و متعفن است (همان: ۶۱).

در این نمونه، در صحنه‌ای ترسناک، تصویر جان‌پندارانه بدی، برای تأثیر بیشتر بر جان‌وروان آدمی، به ترسیم در آمده است.

۵-۶- تجسیم (مجسم‌سازی)

تجسیم در اصطلاح به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیرمادی است، یا به عبارت دیگر، امور مجرد را به صورت مادی و محسوس و ملموس شناساندن و لباس مادی بر اندام آنها پوشانیدن است (قطب، ۱۳۶۰: ۶۱). این روش در معرفی امور مجرد و انتزاعی نقش مهمی دارد، چرا که میل انسان بیشتر به سوی محسوسات است و بدین وسیله درک مفاهیم و حقایق غیرمادی، آسان‌تر صورت می‌گیرد.

در کتاب سیاحت غرب، تصاویری می‌توان یافت که در نهایت دقت، نامرئی‌ترین جنبه‌های حیات برزخی را ترسیم می‌نماید:

۵-۶-۱- پس از (نوشتن و ضبط) تمامی کارهای من، دیدم آن طومار نوشته را لوله کردند و طوق گردنم ساختند و آن قوطی‌های سربسته را در میان توبره پستی نمودند و بر روی سرم گذاشتند (آقانجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۴۹).

در این تصویر قوطی‌های سربسته، در حقیقت تجسم اعمال نیک و بد آدمی است که اشاره به ثبت و ضبط اعمال انسان و جدا نشدن آنها از وی دارد.

۵-۶-۲- عیالم نیز یادی از زمان آسودگی خود نموده و بر من رحمت فرستاد. برگشتم به نزد هادی، دیدم اسبی با زین مرصع و لجام طلا در قصر بسته شده. از هادی پرسیدم این اسب چیست؟ هادی تبسم نموده، گفت عیالت برای تو فرستاده و این همان رحمت حق است که به صورت اسب در آمده است (همان: ۷۹).

در این نمونه، اسب مزین و مرصع، تجسم دعای اهل و عیال است که به صورت یک اسب درآمده و بیانگر رحمت حق است.

۵-۷- تمثیل

آوردن عباراتی از قرآن، احادیث، اشعار حکمت‌آمیز، سخنان اندیشمندان و حکیمان که غالباً تشبیهی در آن به کار رفته است را تمثیل گویند (عصفور، ۱۹۹۲م: ۲۷۵). تمثیل یکی دیگر از جلوه‌های بیانی است که برای مخاطبان بسیار جذابیت داشته و در پرده‌برداری از معانی و به تصویر درآوردن حقایق در زیباترین صورت‌ها، نقشی به سزا ایفاء می‌کند (عبدالطوب، ۱۹۹۵م: ۵۳).

۵-۷-۱- هادی برای دلداری و تسلیت من گفت این خطرات از لوازم منزل اول این عالم است، همه کس را گردن گیر است و اختصاص به تو ندارد و گفته اند: "البلیه اذا عمت، طابت"؛ بلا وقتی فراگیر شود، تحمل آن گوارا می‌گردد (آقانجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

آقانجفی در ضمن تمثیل "البلیه اذا عمت، طابت" صحنه فراگیر بودن مصائب، و این که در نهایت سختی و شکنجه بود را ترسیم می‌کند.

۵-۷-۲- خودش (سیاهک) چند قدمی در آن راه رفت و به من گفت بیا، من نرفتم،

بلکه از راه دیگری رفتم ... سیاه هرچه اصرار نمود با او نرفتم، زیرا تجربه‌ها کرده بودم. "من جرب المجرب حلت به الندامه"؛ هر کس آزموده شده را دوباره بیازماید، پشیمان می‌گردد (همان: ۷۶).

در این عبارت نیز آقاجفی با بهره‌گیری از تمثیل، به ترسیم حالت پشیمانی و ندامت می‌پردازد.

۵-۸- روش نمایشی

ارائه مصادیق عینی و محسوس در حین القاء یک مفهوم، نقش شایانی در درک و فهم آن حقیقت ایفاء می‌نماید (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۸).

آقاجفی نیز از این شیوه بهره گرفته و با خلاقیت مطالب را این‌گونه به مخاطب القاء می‌نماید: «پس از آن قفسه آهنینی که گویا از هفت جوش و به اندازه‌ی بدن من بود، آوردند و من را در میان آن جای دادند و آن را با پیچ و مهره و فنری که داشت پیچیدند. کم‌کم آن قفسه تنگ می‌شد، تا این‌که به حدی مرا در فراش قرار داد که نفسم قطع شد و نتوانستم داد بزنم، ولی آنها با عجله‌ی تمام پیچ و مهره‌ها را پیچیدند، تا آن قفسه که از اول گنجایش بدن من را داشت به قدر تنوره‌ی سماور کوچکی باریک شد و استخوان‌هایم همگی خرد و درهم شکست و روغن من که به‌صورت نفت سیاه بود، از من گرفته شد و هوش از من رفته بود و نفهمیدم» (آقاجفی قوچانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

در این تصویر آقاجفی، برای درک و فهم حقیقت فشار قبر از روش نمایشی بهره گرفته و آن را در قالبی عینی و محسوس به بیننده القا می‌کند.

۵-۹- تصویر واژه

نوع جدیدی از تصویر است که بر آن صورت‌پردازی با کلمه اطلاق می‌شود، این نوع از تصویر نیز در کتاب سیاحت غرب نمود دارد. اکنون به چند نمونه از تصاویر هنری واژگان اشاره می‌نماییم:

۵-۹-۱- آقای ملائکه قدری از زمختی، بازتر و از ترشی، شیرین‌تر و از تیرگی، روشن‌تر

گردیده و رفیق ما شد (همان: ۱۳۹).

واژه زمختی دلالت سرشاری بر عبوسی و خشونت داشته و تصویری از خشونت و تندی را برای ما ترسیم می‌کند.

۵-۹-۲- من از کلمه‌های گرم آنان مشعوف و بشاش می‌شدم و نگاه‌های افتخارآمیزی بر آقای ملائکه می‌نمودم (همان: ۱۴۲).

واژه مشعوف به‌خاطر آهنگ ملایم، و نرمی حروفش، اوج شادی و خوشحالی و گشاده‌رویی را به تصویر می‌کشد.

۵-۹-۳- آن بی‌چاره "رئیس ملائکه" هم غیر از موافقت چاره‌ای نداشت و با ناگواری و غرغر کردن با خود که معلوم بود بر این رفتارهای ما اعتراض دارد و مخالفت رضای حق می‌داند، بلکه این کار را دیوانگی و از حیز عقل خارج می‌پنداشت، پیشنهاد مرا پذیرفت (همان: ۱۳۵).

واژه غرغر، یکی دیگر از واژگانی است که به‌خاطر تکرار حروف غین و راء، تصویری از اوج مخالفت و رفتار اعتراض‌آمیز را برای ما ترسیم می‌کند.

نتیجه

با بررسی کارکرد زیبایی‌شناختی تصاویر هنری در کتاب سیاحت غرب آقاجفی قوچانی نتایج زیر به‌دست آمد:

- کتاب سیاحت غرب آقاجفی قوچانی سرشار از جلوه‌های زیبا، جذاب و پویا است. یکی از این جلوه‌ها، تصاویر شگرف و نفیس آن است که هر یک به روشنی پرده از توانایی ادبی خالق اثر آن (آقاجفی قوچانی) بر می‌دارد.

- آقاجفی در این کتاب با به‌کارگیری یک رشته الفاظ و تعابیر ظاهراً ساده، گاه صحنه‌هایی باشکوه و تصویری زیبا ارائه می‌دهد که می‌تواند ضمن برانگیختن احساسات و عواطف آدمی، عقل و اندیشه را نیز به تکاپو وادارد.

- مؤلفه‌های تصویر هنری که آقاجفی در کتاب خود از آن بهره گرفته، شامل موارد زیر می‌شود: فنون بلاغی (استعاره، تشبیه و کنایه)، توصیفات دقیق، زبان عادی (شیوه‌ی

محاورة يا گفت‌وگو و تقابل صحنه‌ها)، تخیيل، تشخيص، تجسيم، تمثيل، روش‌نمايشی و تصويرپردازي واژه.

منابع

- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربي. تهران: ني.
- آقاجفې قوچاني، محمدحسن (۱۳۶۲). سياحت شرق. تهران: اميرکبير.
- ----- (۱۳۸۵). سياحت غرب. قم: مسجد مقدس جمکران.
- انوري، حسن. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳. ذيل "تشخيص".
- ----- فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳. ذيل "تصوير".
- براهني، رضا (۱۳۷۱). طلا در مس. تهران: زرياب.
- تفتازاني، سعدالدين (۱۳۸۴). مختصر المعاني. قم: دارالفکر.
- داد، سيما (بي‌تا). فرهنگ اصطلاحات ادبي. تهران: مرواريد.
- دهخدا، علي اکبر. لغت‌نامه، ج ۲. ذيل "تصوير".
- رابين، اسکلتن (۱۳۷۵). حکايت شعر. ترجمه مهرانگيز اوحدي. تهران: ميترا.
- سيوطي، جلال الدين (۱۴۰۸ق.). الاتقان في علوم القرآن. بيروت: دارالکتب العلميه.
- صباغ، محمد بن لطفی (۱۴۰۹ق.). التصوير الفني في الحديث النبوي. بيروت: المكتبة الاسلامي.
- عبدالتواب، صلاح الدين (۱۹۹۵م.). الصورة الأدبية في القرآن الكريم. بيروت: مكتبة اللبنا ن اشرون.
- عزالدين، اسماعيل (۱۹۸۸م.). التفسير النفسي للادب. بيروت: مكتبة الغريب.
- عصفور، جابر (۱۹۹۲م.). الصورة الفنية في التراث النقدي و البلاغي عند العرب. بيروت: المركز الثقافي.
- علي الصغير، محمدحسين (۱۴۱۲ق.). الصورة الفنية في المثل القرآني. بيروت: دار المورخ العربي.
- غريب، روز (۱۹۷۱م.). تمهيد في النقد الحديث. بيروت: دارالمكشوف.

- قاسمی، حمید (۱۳۸۷). *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه*. تهران: علمی و فرهنگی.
- قطب، سید (۱۳۶۰). *آفرینش‌های هنری در قرآن*. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: بنیاد قرآن.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *بیست گفتار*. قم: صدرا.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۴). *جواهر البلاغه*. ترجمه حسن عرفان. قم: بلاغت.
- یاسوف، احمد (۲۰۰۶م). *الصوره الفینه فی الحدیث النبوی الشریف*. دمشق: دارالمکتبه.

استعمارستیزی بن‌مایه‌ی اصلی شعر محمدتقی بهار

یگانه‌شاعر خراسان در عصر مشروطه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

رضا موسی‌آبادی^۱

مهدی نوروز^۲

بتول فخراسلام^۳

چکیده

یکی از رویدادهای مهم یک‌صد ساله‌ی اخیر، نهضت مشروطه می‌باشد که تحولی عمیق در ادبیات معاصر ایران ایجاد کرده و شاعران متعهد، آثار ارزشمندی را با بن‌مایه‌های پایداری علیه استبداد داخلی، ستمگری استعمارگران خارجی و تجاوزگری آنان آفریده‌اند. محمدتقی بهار از شاعران متعهد و ملتزم خراسان است که علیه حاکمیت استبدادی و استعماری عصر مشروطه، شعر سروده و جلوه‌های مقاومت با رویکردی آگاهی‌بخش و ملی‌گرایانه و با تکیه بر وطن‌دوستی و ظلم‌ستیزی، مشخصه‌ی اصلی آثار و درون‌مایه‌ی اشعارش گشته است. این پژوهش با هدف تبیین و ترسیم جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار ملک‌الشعراء بهار با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که دیوان محمدتقی بهار را مضامینی چون برانگیختن مردم بر علیه استعمار و استبداد و ترسیم موقعیت آنها، یادکرد از قهرمانان ملی و مذهبی، وطن‌پرستی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر تجاوزگری، القای امید به آینده‌ی روشن، دعوت به اتحاد و ستایش آزادی و آزادگی تشکیل می‌دهد که هر یک از این موارد، نشان‌دهنده‌ی جلوه‌های استعمارستیزی در اشعار او می‌باشد که با زبان

۱. دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور
rezamoosabady@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور
mahdinovrooz@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور
Bt_Fam@12688yahoo.com

صریح و آشکار به آنها پرداخته است.

واژگان کلیدی: استعمار، بهار (ملک الشعراء)، وطن پرستی، خراسان، مشروطه

۱- مقدمه

ادبیات، آینه‌ای است که تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر دوره در آن منعکس است. سارتر^۱ در کتاب ارزشمند خود، "ادبیات چیست؟" می‌گوید: ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است، شرکت کنیم، ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه‌ی اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت، دوباره به عهده گیرد (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۴). همچنین سارتر (۱۳۴۸: ۴۲) معتقد است نویسنده‌ی ملتزم می‌داند که سخن، همانا عمل است و می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است. مقاومت و پایداری، یکی از ویژگی‌های غریزی و درونی است. با نگاهی به سیر تکاملی بشر از ابتدا تاکنون با جرأت و قاطعیت می‌توان گفت که مقاومت و پایداری، همواره با انسان عجین بوده است. ایستادگی در برابر قوه‌ی قهریه‌ی طبیعت نیز نمونه‌ای از همین مضمون است. ادبیات پایداری به‌عنوان یکی از انواع ادبی، از دیرباز بنا بر حوادث و شرایط اجتماعی و سیاسی ملل مختلف، بازگو کننده‌ی آلام و امیدهای مردمی بوده است که آزادی و هویت خود را زیر پای طوق ظلم و بیداد، پیمال شده می‌دیده‌اند. از این‌رو، این گونه‌ی ادبی همواره از صادق‌ترین و صریح‌ترین انواع ادبی بوده و بررسی آن می‌تواند بازگو کننده‌ی ابعاد دیگر روح جمعی ملل مختلف باشد. در تعریف ادبیات مقاومت و پایداری که از شاخه‌های ادبیات التزام و تعهد است، به مجموعه‌ی آثاری اطلاق شده که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد. بنابراین جان‌مایه‌ی این آثار، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه‌ی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (حسام‌پور و حاجبی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). ادبیات مقاومت،

مقابله با همه‌ی اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه‌ی جنگ است، اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد (الحسین، ۱۹۷۲ م: ۱۲). لذا این گونه‌ی ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه‌ی ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیای تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. «اصطلاح ادبیات پایداری را اولین بار، غسان کنفانی فلسطینی بر مجموعه‌ای از اشعار خود و دیگر شاعران معاصر گذاشت» (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶). این نوع ادبیات به شرح مبارزه، مقاومت و ازجان‌گذشتگی برای به‌دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و دفاع از فرهنگ و سنت قومی و باورهای مردم آن سرزمین می‌پردازد (همان: ۱۴۸). چنین تلاشی، ادبیاتی پویا و غنی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، واکنش و ایستادگی در برابر ظلم، فساد، تجاوز و بی‌عدالتی‌های فردی و اجتماعی را پایداری و مقاومت می‌نامیم (حسام‌پور و حاجبی، ۱۳۸۷: ۵۹). خاستگاه این نوع از توجه به ادبیات پایداری را نیز شاید بتوان از عصر مشروطه به بعد دانست. «ادب پایداری به آن مفهومی که امروزه بیشتر مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همان مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم، ضد ظلم و بیدادگری است که در ادبیات ایران سرآغاز آن را از دوره‌ی مشروطیت دانسته‌اند» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

۲- بیان مسأله

بارزترین دوران ادب پایداری در ایران تا عصر انقلاب اسلامی، عصر مشروطه است. در این دوره، گونه‌های مختلف ادبیات هم‌چون داستان، شعر، طنز، تصنیف و نمایش‌نامه، عرصه‌ی ستیز با بیدادگری حکومت، رخوت‌زدگی جامعه، تبعیض و بی‌عدالتی، جهل و بی‌قانونی و گاه ستیز با مظاهر دینی و شعایر مذهبی است. اگر ویژگی آثار عصر مشروطه، صراحت در بیان است، شاخص آثار این دوره بویژه در قلمرو شعر، بهره‌گیری از نماد در انتقاد از جامعه‌ی فقیر، ویران، بیدادزده و لبریز از اختناق و سانسور است. از

این‌روست که داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و سروده‌های این دوره، همگی با زبانی نمادین از اوضاع دردناک و تیره‌ی ایران سخن می‌گویند. در کنار آثار روشنفکرانه‌ی این دوره که عمدتاً متأثر از اندیشه‌های مارکسیستی یا غربی هستند، نویسندگان و شاعران دینی برجسته‌ای را نیز می‌توان یافت که در حوزه‌ی شعر، داستان، نمایش‌نامه و یا سایر گونه‌های ادبی، از فقدان آزادی و عدالت سخن گفته‌اند. با توجه به این حس عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی در این دوران، پرسش پیش روی این مقاله آن است که آیا ادب پایداری در آثار محمدتقی بهار نمود داشته است و در صورت وجود، چه شاخصه‌هایی از این نوع ادبیات را در اشعار خود گنجانده است؟

۳- پیشینه تحقیق

از آن‌جا که ملک‌الشعراء بهار از بزرگترین شاعران ادب پارسی در عصر مشروطه می‌باشد و با نفوذ در سیاست و جامعه، نقشی اساسی در بیداری اذهان مردم زمان خویش داشته است، تاکنون پژوهش‌های گوناگونی پیرامون این شاعر بزرگ عرصه‌ی زبان و ادب فارسی در عصر مشروطه اعم از مقاله، کتاب و رساله نگاشته شده است. در این میان می‌توان به مهم‌ترین آنها به شرح زیر اشاره نمود: مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در شعر ملک‌الشعراء بهار و احمدصافی نجفی» نوشته‌ی معصومه شبستری (۱۳۹۴: ۵۴-۶۴)، به تطبیق برخی از مضامین مشترک فکری و اجتماعی در شعر ملک‌الشعراء بهار و احمد صافی نجفی همچون بی‌عدالتی، دعوت به بیداری و اتحاد و بیان نگرش اجتماع به زن در جامعه‌ی عرب و ایران پرداخته‌است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی انتقاد اجتماعی در شعر محمودسامی بارودی و ملک‌الشعراء بهار»، نوشته‌ی محسن پیشوایی‌علوی و دیگران (۱۳۹۴: ۴۷-۶۷)، اندیشه‌های بارودی و بهار را درباره‌ی انتقاد از مسائل اجتماعی مصر و ایران مورد بررسی و تطبیق قرار داده‌اند. از نتایج مهم این پژوهش اینکه شکایت تند و صریح از نفاق و دورویی میان خواص و عوام از اندیشه‌های مشترک دو شاعر است، ولی در انتقاد از ظلم و ستم حاکمان، زبان بهار گویاتر و گزنده‌تر از بارودی است. افزون بر موارد یاد شده، محسنی‌نیا و داشن (۱۳۸۸:

۱۳۳-۱۵۶) در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی» دیدگاه دو شاعر ایرانی و عراقی در رابطه با وطن را بیان کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو شاعر به وطن اسلامی نگاه ویژه دارند، با این تفاوت که بهار در این زمینه از وسعت نظر بیشتری برخوردار است. با توجه به آنچه گذشت، چون درباره‌ی بن‌مایه‌های ادب پایداری در شعر ملک‌الشعرا بهار پژوهشی به صورت مستقل انجام نگرفته، ضرورت انجام چنین مقاله‌ای احساس می‌شود تا اندیشه و هنر شعری شاعر بهتر شناخته شود.

۴- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آن‌جا که ادبیات پایداری، بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی هر دوره و در هر برهه از زمان، مطابق شرایط و احوال همان زمان و در قالب‌های گوناگون در شعر و نثر بزرگان ادبیات جلوه‌گر شده، این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های استعمارستیزی و ادبیات پایداری در اشعار محمدتقی بهار صورت گرفته است، زیرا مطالعه‌ی اشعار محمدتقی بهار از دیدگاه ادبیات مقاومت می‌تواند در برانگیختن روح ادب پایداری و نیز آشنا ساختن مخاطبان، بویژه ادب‌پژوهان و نسل جوان با پیام آن، نقش بسیار مهمی را ایفاء نماید و زمینه‌های وحدت و همدلی را در میان جامعه بیش از پیش آشکار سازد و الگوهای ایثار، ایمان، شهامت و شجاعت را برای نسل کنونی معرفی نماید.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است و در آن با استفاده از شیوه‌ی تحلیل محتوا، پدیده‌ی استعمار و بن‌مایه‌های ادب پایداری در شعر ملک‌الشعراء بهار و چگونگی رویارویی شاعر با این پدیده، بررسی شده است. نخست بسترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی شاعر واکاوی شده تا زمینه‌های پیدایش این پدیده روشن گردد، سپس چگونگی ظهور آن در شعر شاعر و راهکارهای او برای مقابله با این پدیده بررسی می‌شود.

۶- مباحث نظری

۶-۱- شرایط سیاسی - اجتماعی ایران در دوره‌ی ملک‌الشعراء بهار

ملک‌الشعراء محمدتقی بهار، شاعر، نویسنده و سیاستمدار برجسته‌ی معاصر در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی مقارن با سال ۱۳۰۴ هجری قمری در محله‌ی سرشور مشهد به دنیا آمد. «پدرش مرحوم ملک‌الشعراء صبوری فرزند محمدباقر کاشانی ابن عبدالعزیز از احفاد میرزااحمد صبور، برادرزاده‌ی فتحعلی‌خان ملک‌الشعراء صبای کاشانی، شاعر معروف است که میرزاسعیدخان، وزیر امور خارجه که در آن زمان متولی آستانه بود، او را به دربار ناصرالدین شاه معرفی کرد و لقب ملک‌الشعرايي گرفت» (نیکو همّت، ۱۳۶۱: ۸). محمدتقی بهار در یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران می‌زیست، دوره‌ای که در آغاز آن انقلاب مشروطیت و در اواخر آن، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قرار داشت. حکومت قاجار دروازه‌های ایران را به روی اروپا گشود و زمینه‌ی گسترش تفکر غربی را در ایران فراهم ساخت. نابسامانی امور و نحوه‌ی غلط اداره‌ی کشور، نبودن قانون، فقدان عدل و انصاف، ظلم و ستم بر مردم، بی‌دفاع بودن صرف آنان در مقابل حاکمان، عقب ماندگی کشور و زبونی در مقابل بیگانگان، شکوه و شکایت از مداخله‌های بیگانگان به خصوص روسیه و انگلیس، از دست رفتن استقلال کشور و... سبب شد تا مردم به فکر اصلاح جامعه‌ی خود باشند. جنبش مشروطه‌خواهی، یک دگرگونی اجتماعی در جامعه پدید آورد و در پی آن، ادبیاتی متفاوت از گذشته پدید آمد. ادبیاتی که بیانگر شوق و علاقه‌ی مردم مشرق زمین به استقلال و آزادی از هر گونه ستم و استعمار بود. شاعران عصر مشروطه که با مفاهیم نوینی از جمله آزادی، عدالت، استبداد و استعمار روبه‌رو بودند، به ستایش از میهن و حمایت از کشور می‌پرداختند و مداخلات ناروای بیگانگان را نکوهش نموده، سعی می‌کردند تا با ابزار شعر، مردم را از خواب غفلت بیدار کنند. هدف ادبیات در دوران مشروطه، بیدار کردن شهروندان، برانگیختن احساسات ملی و میهنی، ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی، از میان برداشتن خرافه‌ها و اندیشه‌های سست و ناروا (محمدی، ۱۳۷۲: ۱۱۲)، پیکار با بیگانه‌خواهی و آشنا ساختن مردم به حدود و حقوق انسانی آنان بوده است (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۱).

شاعران عصر مشروطه با استعانت از عواطف و احساسات ملی مردم، مبارزه‌ای سخت با استعمار و اهداف سیاسی دو قدرت بزرگ روس و انگلیس آغاز می‌کنند و در این راه، تنها بر عواطف ناسیونالیستی مردم تکیه نمی‌کنند، چون می‌دانند که با ملتی مسلمان سروکار دارند. آنان با مطرح کردن مظلومیت اسلام و مسلمانان و با نشان دادن زبونی و اسارت ملل مسلمان در چنگال استعمارگران غیرمسلمان، بر آن می‌شوند تا راهی تازه برای مبارزه با استعمار بیابند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

واقع‌نمایی، جامعه‌گرایی و سادگی، سه عنصر مهم ادبیات مشروطه است. موضوعات سیاسی و اجتماعی که تا آن زمان در شعر جایگاهی نداشت، در شعر شاعران این دوره، بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است و از پرکاربردترین موضوعات شعر مشروطه به حساب می‌آید. نقش شاعران در دوره‌ی مشروطه علاوه بر بیداری جامعه، در رویارویی با پدیده‌ی استعمار، به گفته‌ی توماس‌مان^۱، «سیاسی و اجتماعی اندیشیدن است، یعنی انسانی و دموکراتیک اندیشیدن و انحراف سیاست‌گریزی او [شاعر]، برای تمدن و فرهنگ جامعه، ویران‌گر است» (راوندی، ۱۳۷۴: ۴۲۸).

۶-۲- پدیده‌ی استعمار در شعر ملک‌الشعراء بهار

ورود استعمار و بیگانگان به ایران از زمان فتح‌علی‌شاه قاجار آغاز می‌شود و از آن به بعد در سراسر قرن نوزدهم و بیستم میلادی، ایران همواره عرصه‌ی رقابت نیروهای استعماری به‌خصوص دخالت انگلیس و روسیه واقع می‌گردد. پادشاهان قاجار برای برقراری رابطه با بیگانگان تلاش‌های زیادی می‌کنند، ولی برای مقابله با بیگانگان هیچ کاری انجام نمی‌دهند. «با توجه به روحیه‌ی آزاده‌خواهی و وطن‌پرستی بهار، طبیعی است که وی بر استعمار و فشار همسایگان قوی‌پنجه و دولت‌های مداخله‌گر روزگار، سخت بتازد و توطئه‌های آنان را برملا سازد ... وی با آگاهی سیاسی خود کوشش نمود تا نگرانی عمیقش را از سیاست‌های استعماری دو قدرت شمالی و جنوبی نشان دهد و آنان را از دخالت در امور کشورش برحذر دارد. هم‌چنین وی اعتقاد داشت که سرچشمه‌ی

بسیاری از فسادها و عقب ماندگی های ما به علت دخالت غربیان در کشور است» (فیاض، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

به حیرتم که اجانب ز ما چه می خواهند ملوک عصر، ز مشتی گدا چه می خواهند (بهار، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۵۲)

در زمان ناصرالدین شاه، امیرکبیر صدراعظم وی در اصلاح روابط درباریان با بیگانگان تلاش های زیادی کرد و به کمک مأموران مخصوص خود، مناسبات و روابط رجال، وزراء و درباریان را با نمایندگان سیاسی - خارجی در ایران زیر نظر گرفت (شمیم، ۱۳۷۵: ۱۶۵). امیرکبیر اگر کسی را می یافت که برای بیگانگان جاسوسی می کرد، به شدت مجازات می نمود. در نظر وی جاسوسی و خدمت به بیگانگان گناه غیرقابل بخششی بود، به همین دلیل، بیگانگان با توطئه های خود زمینه ی قتل وی را فراهم کردند. ملک الشعراء بهار (۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۴-۱۴۵)، ابتدا امیرکبیر را وصف می کند و سپس واقعه را این گونه شرح می دهد:

رفت و در گرمابه فین ریخت خون پاک او	پس به امر شاه دژخیمی پی اهلاک او
خون او گفתי که نقش عزّت از ایران سُرد	از پس مرگش در ایران فکر نام و ننگ مُرد
انگلیس و روس از آن ساعت در ایران دست بُرد	ماند ایران در شُمر همباز کشورهای خُرد
گشت بر پا فتنه ایلات ترک و لر و کُرد	قدرت همسایگان یکسان گلوی مافشرد

ملک الشعراء بهار (همان، ج ۲: ۱۷۵) در منظومه ی چهارخطابه، با پند و اندرز، رضاشاه را نیز نسبت به دخالت بیگانگان این گونه آگاه می کند و می گوید:

دستخوشِ رهن و رمال شد	هستی ما یکسره پامال شد
فرقه ی «بردار و بدزد و بدو»	اجنبیانی همه اهل چپو
جمله بریدند از ایران امان	تازی و ترک و مغول و ترکمان

یکی از نشانه های دخالت بیگانگان، انعقاد قراردادهای ننگین در دوره ی قاجار با کشورهای استعمارگر است. بهار از قراردادهای دوره ی قاجار که باعث به غارت رفتن ثروت های ملی کشور شد، به شدت انتقاد می کند. وی در قالب شعر، به انتقاد از

معروف ترین قراردادهای ننگین این دوره یعنی گلستان و ترکمانچای پرداخته، می گوید:

روس با ما جنگ کرد و در گلستان عهد بست لیک ناگه عهدهای بسته را درهم شکست
حمله بر تبریز کرد و داد جنگی تازه دست عاقبت در ترکمانچائی ز نو پیمان ببست
و آن قرار جابرانه همچنان بر جای هست چندشهر از ما گرفت و نام ما را کرد پست
(همان، ج ۱: ۱۴۳)

مقالات بهار در روزنامه ی نوبهار غالباً متوجه اقدامات استعماری روس هاست. بر اثر فشار کنسول روس، این روزنامه تعطیل می شود و ملک الشعراء بهار، تازه بهار را به جای آن منتشر می کند که آن نیز توقیف می گردد. مخالفت ملک الشعراء بهار با روسیه نسبت به دیگر دول استعمارگر، آشکارتر و بیشتر است. علت آن هم مخالفت روسیه با مشروطه و همکاری آن با استبداد می باشد. در زمان مظفرالدین شاه، حکومت مشروطه با قانون اساسی و یک مجلس ملی تشکیل شد. محمدعلی شاه به پشتیبانی از روس، چندین بار سعی در انحلال مشروطه نمود. بهار بارها از دخالت روس ها در امور ایران انتقاد می نماید. وی در ابیات زیر خطاب به محمدعلی شاه که قشون روس را به داخل کشور دعوت کرده، می گوید:

پادشاهان نصیحتهم بشنو مملکت را به دست روس مده
روس اهریمنی است خون خواره به کف اهرمن دبوس مده
(همان، ج ۲: ۴۸۱)

یکی از مهم ترین امتیازاتی که در عصر مشروطه و در زمان ملک الشعراء بهار به تبعه ی بریتانیا واگذار شد، امتیازی بود که در سال ۱۹۰۱ میلادی برای نفت به ویلیام دارسی^۱ داده شد که بهار به زیبایی، ماده تاریخ این قرارداد را با کلمه ی "لغو دارسی" در سال ۱۳۱۱ شمسی ذکر می کند. تمام مردم مخالف این قرارداد، نگران اوضاع کشور و خواستار لغو دارسی هستند:

مانده از امتیاز داریسی
 خلق ایران سرگران زین امتیاز
 اهل آبادان فقیر و پُر ز نفت
 شاعری دانا که بود استاد کل
 سال تاریخش بپرسید از خرد
 با حساب پار و با پیرار، سی
 ز آذری و مشهدی و فارسی
 لندن و پاریس و ناپل و مارسی
 در کلام پهلوی و پارسی
 در جوابش گفت "لغو داریسی"
 (همان، ج ۲: ۴۹۴)

ملک الشعراء بهار در این زمان یک جوان ۲۵ ساله است. او با وزیر انگلیس وقت، به زبان سیاست سخن می‌گوید: «حیف نیست که ایران با گذشته‌ی درخشان از بین برود؟ مگر انگلستان نمی‌داند که روس‌ها نیروهای خود را در مرز ایران متمرکز کرده‌اند؟ نه فقط برای اشغال ایران، بلکه برای ساختن سر پلی به قصد تصرف هندوستان. مستعمره‌ی زرخیز انگلیس، پس صرفه‌ی شما در این است که ایران مستقل بماند» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۲۶۵-۲۶۶). هم‌چنین بهار در یکی از قصاید خود از قرارداد ۱۹۰۷ میلادی که ایران را بین روس و انگلیس تقسیم می‌نمود، به سختی انتقاد می‌کند و خطاب به انگلیس می‌گوید: این معاهده ضررهای بسیاری دارد که باعث پستی و ویرانی ایران می‌شود و روسیه همیشه به فکر منافع خود است و روزی به‌خاطر تسلط بر هند، پیمان‌شکنی می‌نماید:

اندر آن عهد که باروس بستی زین پیش
 انگلیس آن ضرری را که از این پیمان برد
 نه همین زیر پیِ روس شود ایران پست
 ور همی گویی روس از سر پیمان نرود
 در بر نفع سیاسی نکند پیمان، کار
 خاصه چون روس که او شیفته باشد بر هند
 غبن‌ها بود و ندیدی تو ز کوته نظری
 تو ندانستی و داند بدوی و حَضری
 بلکه افغانی ویران شود و کاشغری
 رو به تاریخ نگر تا که عجایب نگری
 این نه من گویم کاین هست ز طبع بشری
 همچو شاهین که بود شیفته بر کبک دری
 (بهار، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۶)

بهار همین که دریافت کنسول روس به خاطر این قصیده از او گله دارد، «مقاله‌ی آبداری از مجله‌ی //لهلال مصر در وصف مقامات اخلاقی و سیاسی "ادوارد هفتم"، پادشاه

متوفای انگلیس، به فارسی ترجمه کرد و در روزنامه‌ی توس به چاپ رسانید. نشر قسمت اول این مقاله طوری روس‌ها را بر ضد او برانگیخت که روزنامه‌ی توس به درخواست آنها تعطیل شد، تا قسمت دوم مقاله، دیگر انتشار نیابد» (عابدی، ۱۳۷۶: ۳۶). ملک‌الشعراء بهار در دوران رضاشاه با کمونیست‌ها رابطه برقرار می‌کند. وی عضو انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی می‌شود. ارتباط او با شوروی مانند سایر افراد برای دفاع از منافع‌های آن کشور در ایران نیست، بلکه فقط به‌خاطر مبارزه با دشمن مشترک، یعنی رژیم دیکتاتوری است. در این دوران، بهار در مجموع نسبت به روسیه‌ی نوین، قضاوتی مثبت دارد. وی در شعر هدیه‌ی باکو به اقتضای سیاست و به‌خاطر حفظ منافع میهن خود شوروی را می‌ستاید، اما حساب خود را از حساب شیفتگان آن کشور جدا می‌کند.

ابراز علاقه‌ی بهار به مرام سوسیالیسم، یکی به سبب سقوط حکومت تزاری در روسیه بوده که آن را راهی برای نجات کشور خود می‌دانسته و دیگر آن‌که، به علت روحیه‌ی آزادی‌خواهانه‌ای که داشته، با همه‌ی مظاهر بی‌عدالتی مخالف بوده و حکومت رنجبران بر سرنوشت خود، ازجمله آرزوهای قلبی و دیرینه‌ی بهار به‌شمار آمده است (فیاض، ۱۳۸۶: ۲۹۴).

بهار در ابتدا چندان مخالفتی با انگلیس نداشت، اما به تدریج که نقشه‌های شوم انگلیس آشکار می‌شود، وی صریحاً به مخالفت با انگلیس می‌پردازد. «بهار در اندیشه‌ی خود متزلزل و دورنگ و ناپایدار بود. او که در دوران انقلاب سابقه‌ای چنان درخشان داشت و با زبان و قلم خود خدماتی پر ارج کرده بود، از دوره‌ی دوم مشروطیت که فرقه‌بازی و حزب‌سازی به راه افتاد، از دمکرات‌های تشکیلی و از طرفداران جدی سیاست و ثوق‌الدوله گردید و با نطق و خطابه و نظم و نثر از او تقویت و حمایت کرد و ما می‌دانیم که سیاست و ثوق‌الدوله، برانداختن آزادی‌خواهان و اصحاب قیام و هموار ساختن نقشه‌ی نفوذ انگلستان در ایران بود» (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۷۸). در دیوان بهار اشعار زیادی در دفاع از وثوق‌الدوله، رئیس‌الوزرای عهد، عاقد قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و برادرش قوام‌السلطنه و مخالفت با قیام جنگل می‌بینیم. به هر حال، حمایت از این دو برادر و پایین آوردن آزادی‌خواهان، لکه‌ی سیاهی بر کارهای این شاعر آزاده است. البته به نظر

می‌رسد بهار بعد از سال‌ها متوجه اشتباه خود می‌شود و در دو رباعی، وثوق‌الدوله را نکوهش می‌کند و زیان‌های قرارداد ۱۹۱۹ میلادی را متوجه خود وثوق‌الدوله می‌شمارد:

ای خواجه وثوق! گاه غرق تو رسد هنگام خمودِ رعد و برق تو رسد
جامی که شکسته‌ای به پای تو خَلد تیغی که فکنده‌ای به فرق تو رسد
(بهار، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۰۸)

۶-۳- بررسی بن‌مایه‌های ادب‌پایداری در اشعار ملک‌الشعراء بهار

ملک‌الشعراء بهار از ادیبانی است که به بیان مشکلات و نشان دادن دردهای اجتماع بسنده نکرده است، بلکه راه حل هر مشکل و داروی هر دردی را نیز ارائه داده است و در صدد برمی‌آید که جامعه‌ی خویش را به سوی سعادت و پیشرفت سوق دهد. این شاعر همان‌گونه که در ترسیم‌گونه‌های استعمار و شگردهای آن برای عقب‌نگه‌داشتن ملت‌های در حال رشد و ستم‌دیده، هنر شاعری خویش را به‌کار برده است، در نشان دادن راه حل مقابله با استعمار و خنثی نمودن دسیسه‌های آن نیز موفق بوده است و در حد توان، انجام وظیفه کرده است. راهکارهای مطرح شده از سوی شاعر در رویارویی با استعمار و استعمارگران بسیار متنوع و گوناگون است که به برخی از آنها به شرح زیر اشاره شده است:

۶-۳-۱- غفلت‌زدایی و آگاه کردن مردم

ملک‌الشعراء بهار در اشعار خود به شکل‌های گوناگون سعی در آگاه نمودن مردم نسبت به استعمارزدگی می‌نماید. او گاهی بی‌پروا و مستقیم و گاهی با زبان غیرمستقیم و طنزآمیز، به بی‌خبری ملت اشاره می‌نماید. بهار از جمله شاعرانی است که همواره بر علیه استعمار و استعمارگران در عصر مشروطه در جای‌جای اشعارش فریاد برمی‌آورد و اعتراض خود را این‌گونه به گوش مردم و حاکمان دوران خویش می‌رساند. او گاه انتقادهای بیدارگری‌های خود را، به سمت سلاطین عصر خود نشانه می‌رود و گاه نوک قلم خویش را در جهت آگاهی‌بخشیدن به ملت ایران در خصوص وضعیت تأسف‌بار موجود، به سمت مردم ایران نشانه می‌رود.

یکی دیگر از موارد دخالت روسیه در امور داخلی کشور، زمانی بود که "مورگان شوستر"^۱ از آمریکا به ایران آمد. «مورگان شوستر به‌عنوان خزانه‌دار کل، به ایران دعوت شد و تقریباً اختیار کامل به او اعطاء گشت. وی در سال ۱۹۱۱ میلادی با چهار نفر دستیار آمریکایی، اما بدون شناسایی وضع اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی، وارد ایران شد» (حتی، ۱۳۸۲: ۴۲۲). شوستر بعد از ورود، اقدام به گرفتن مالیات از همه‌ی اعیان و اشراف نمود. عده‌ای از این افراد، اتباع روس بودند. روسیه که از دخالت ایران در امور اتباع خود به‌خشم آمده بود، «در سال ۱۲۹۰ شمسی اولتیماتومی سه‌ماده‌ای به ایران داد و خواستار آن شد که اولاً مورگان شوستر از ایران اخراج گردد، ثانیاً اتباع خارجی با اجازه‌ی دولت‌های روس و انگلیس استخدام شوند و ثالثاً خسارت لشکرکشی دولتی روس به ایران پرداخت گردد» (میرانصاری، ۱۳۷۷: ۱۶). این درخواست مورد مخالفت نمایندگان مجلس قرار گرفت، لذا دولت، مجلس را تعطیل کرد تا به شرایط روس‌ها گردن نهد، اما روس‌ها برخی از شهرهای گیلان را اشغال نمودند. ملک‌الشعراء بهار (۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۲-۲۷۳)، درباره‌ی این موضوع، مسمط مسدس زیر را سرود و در روزنامه‌ی *نوبهار* منتشر ساخت. وی در این شعر، به غارت ثروت‌های ملی به‌دست انگلیس و روسیه اشاره نموده، مردم را از خواب غفلت بیدار و به دفاع از کشور تحریض می‌نماید:

هان ای ایرانیان! ایران اندر بلاست مملکت‌داریوش، دستخوش نیکلاست
مرکزِ مُلک کیان، در دهن اژدهاست غیرت اسلام کو؟ جنبشِ ملی کجاست؟

برادران رشید، این همه سستی چراست؟

ایران مال شماست، ایران مال شماست

هان ای ایرانیان! بینم محبوسستان به‌پنجه‌ی انگلیس، به چنگل روستان
گویی در این میان، گرفته کابوستان کزدو طرف می‌برند، ثروت و ناموستان

در ره ناموس و مال، کوشش کردن رواست

ایران مال شماست، ایران مال شماست

فرخی یزدی (۱۳۶۹: ۱۸۶) نیز با اشاره به ایران دوران باستان و برشمردن شاهان و پهلوانان نامی آن، سعی در آگاه نمودن مردم و تحریک احساسات ملی آنان، علیه استعمار دارد و می‌گوید:

این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود خوابگاه داریوش و مأمّن سیروس بود
جای زال و گودرز و گیو و توس بود نی چنین پامال جور انگلیس و روس بود

این همه از بی‌حسی ما بود کافسرده‌ایم
مردگان زنده بلکه زندگان مرده‌ایم

۶-۳-۲- برانگیختن هم‌وطنان و ترسیم موقعیت آنان

ملک‌الشعراء بهار به آگاه کردن مخاطبان و هم‌وطنان خود بسنده نکرده‌است. او ضمن ترسیم موقعیتی که مردم ایران در آن قرار گرفته‌اند، با بیان اشعاری توأم با حسرت و دروغ و مرثیه‌سرایی به تحریک غیرت ملت ایران بر علیه استعمار پرداخته است. ملک‌الشعراء بهار شدیداً با اقدامات روس‌ها مخالفت می‌کرد و برای ابراز نفرتش، از هیچ اقدامی فروگذار نبود. یکی از این گونه اقدامات وی، سرودن مرثیه‌ای در وفات "ادوارد هفتم"، پادشاه انگلیس بود. بهار در ابتدا، مخالفت کمتری با سیاست‌های انگلیس داشت، زیرا انگلیس تا حدی از انقلاب مشروطه حمایت می‌کرد، اما روسیه صریحاً با مشروطه مخالف بود. بهار با این قصیده می‌خواست داد دل مردم ستمدیده‌ی خراسان را از مأموران روسیه بگیرد و کنسول روس را ناراحت کند. هم‌چنین «بهار قصیده‌ای را که مخاطب آن "سرادوارگری" وزیر خارجه انگلستان است، در سال ۱۳۲۸ق. در خراسان سروده و در روزنامه حبل‌المتین کلکته انتشار داده است. در این منظومه از معاهده ۱۹۰۷م. روس و انگلیس درباره‌ی تقسیم ایران به دو منطقه‌ی تحت نفوذ و کشیدن راه‌آهن سراسری ایران با سرمایه‌ی خارجی، سخن به میان آمده است و مشهورترین قصیده‌ی سیاسی آن روز به‌شمار می‌رود» (آرین پور، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۴). این قصیده مورد توجه محافل سیاسی و ادبی ایران و ممالک فارسی‌زبان جهان قرار گرفت و موجب

شهرت سیاسی ملک‌الشعراء بهار نیز گردید و می‌توان گفت در حقیقت شهرت این قصیده، مشوق ورود ملک‌الشعراء به عالم سیاست شد:

سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری سخنی از من برگو به سرادواردگری
کای خردمند وزیری که نپرورده جهان چون تو دستور خردمند و وزیری هنری
انگلیس ارز تومی خواست درآمریک‌مدد بسته می‌شد به واشنگتون ره پرخاشگری
بود اگر فکر تو دایر به حیات ایران این همه ناله نمی‌ماند بدین بی‌اثری
(بهار، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۵)

ملک‌الشعراء بهار هم‌چنین در قصیده‌ای با عنوان "صفحه‌ای از تاریخ" ضمن اشاره به معاهده ۱۹۰۷م. بین روسیه و انگلیس در تقسیم ایران، ظلم و ستم انگلیس را افزون‌تر از سایر اقوام مهاجم به ایران می‌داند و می‌سراید:

ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد نه بیوراسب کرد و نه افراسیاب کرد
از جور و ظلم تازی و تاتار درگذشت ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد
اندر هزار و نهصد و هفت آن زمان که روس با ژرمن افتتاح سؤال و جواب کرد
آلمان بدید روضه‌ی هندوستان به خواب تُرکش ز راه‌آهن تعبیر خواب کرد
(همان: ۶۴۲)

فرخی یزدی (۱۳۶۹: ۵۳) نیز جهت برانگیختن ملت بر علیه استعمار و استعمارگران، به فتنه‌انگیزی دولت‌های استعمارگر در کشور ایران اشاره می‌کند و دخالت‌های انگلیس را در امور داخلی کشورهای اسلامی چنین مورد شماتت قرار می‌دهد:

سر به سر غافل و پامال شد ایمان از کفر گوئیا در تن ما عرق مسلمانی نیست
جز جفاکاری و بی‌رحمی و مظلوم‌کشی شیوه و عادت دربار بریتانی نیست
فتنه درپنجه‌ی یک سلسله لرد است و مدام کار آن سلسله جز سلسله جنبانی نیست
ملل از سرخی خون روی سفیدند و لیک هیچ ملت به سیه‌بختی ایرانی نیست

۶-۳-۳- دعوت مردم به اتحاد و مقابله با استعمار

ملک الشعراء بهار به مناسبت‌های مختلف، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مردم را به وحدت کلمه فرامی‌خواند و آن را رمزی برای پیروزی در برابر استعمارگران می‌داند. «در تاریخ مبارزات ایران همیشه نیروهای بیگانه وجود داشته‌اند. بهار و هر شاعر آزاده‌ی دیگر، با دخالت هر بیگانه و اجنبی به‌شدت مخالفند. بهار، تسلط بیگانگان را بر کشور ایران ناشی از نفاق، تشمت و دودستگی ملت می‌داند و به ایرانیان عاشق وطن، همواره هشدار می‌داد که بیدار باشند و کمین دشمنان را هوشیار» (روزبهرانی، ۱۳۸۶: ۲۲۶). ملک الشعراء بهار هم‌چنین در هنگام اعطای امتیاز نفت شمال ایران به آمریکا و حملات دشمنان داخلی و خارجی نیز دو غزل سروده که در یکی از کنسرت‌های بزرگ تهران خوانده شده است. وی در یکی از این غزل‌ها، به ستایش مردمانی دارای همت عالی که اختیار کشورشان را به‌دست بیگانگان نمی‌دهند، می‌پردازد و در غزل دیگر از اختلافات داخلی که سبب به‌وجود آمدن این قبیل قراردادها شده است، این‌گونه یاد می‌کند:

کسی که افسر همت‌نهاد بر سرخویش	به‌دست کس ندهد اختیار کشور خویش
بگو به سِفله که در دست اجنبی ننهد	کسی که نان پدرخورده، دست مادرخویش
حقوق نفت شمال و جنوب خاصه ماست	بگو به خصم بسوزان به نفت پیکر خویش

(بهار، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۱۶)

هم‌چنین:

ز نادرستی اهل زمان شکسته شدیم	ز بس که داد زدیم "آی دزد" خسته شدیم
ز عشق دست کشیدیم و بهرکشتن خویش	به پایمردی اغیار دسته‌دسته شدیم
سری به‌دست شمال و سری به‌دست جنوب	بسان رشته در این کشمکش گسسته شدیم

(همان: ۴۲۰)

عارف قزوینی نیز «اشعارش را وسیله‌ای برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهییج مردم می‌داند» (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۵۹) و از آن به‌عنوان حربه‌ای در برابر سیاست‌های استعمارگران استفاده می‌کند و می‌گوید:

اجنبی صاحب ایران شد و این است غم آن یکی شاد که املاک و زر و زن دارد
(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۷۹)

او هیچ‌گاه دوست ندارد که بیگانگان به قصد آبادسازی کشور به وطنش وارد شوند،
لذا با مخاطب قرار دادن ملت، آنان را تشویق به اتحاد و مبارزه بر علیه استعمار کرده
و می‌گوید:

خانه‌ای که شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است
(همان: ۶۴)

۶-۳-۴- دعوت به حفظ هویت و اصالت و بازگشت به مبانی فرهنگی و اعتقادات اسلامی

یکی دیگر از راهکارهای ملک‌الشعراء بهار در مقابل غرب‌زدگی و استعمارزدگی ملت ایران، پیروی از علمای بزرگ و پیشوایان دینی است. ملک‌الشعراء بهار یکی از راهکارهای مقابله با استعمارزدگی ملت ایران را پیروی کردن از امور دینی و پیشوایان مذهبی می‌داند. در نگاه بهار، اهانت و بی‌اعتنایی به امور مذهبی و پیشوایان دینی بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌گردد، لذا او نیز در مقابل اهانت روس‌ها در به توپ بستن آرامگاه امام رضا (ع) سکوت نمی‌کند و کار آنان را آشکار و برملا می‌سازد. «پس از مشروطه دخالت‌های روس در ایران، شکلی دیگر به‌خود گرفت و سرازیر شدن نیروی این دولت به مناطق شمالی مانند خراسان و آذربایجان و سپس مناطق مرکزی ایران شدت یافت» (میرانصاری، ۱۳۷۷: ۱۴). در اردیبهشت سال ۱۲۹۰ ش. قوای روس در خراسان به تحریک مردم پرداختند و عده‌ای را به طرفداری از محمدعلی شاه به حرکت درآورده و با ایجاد دودستگی میان مردم، کشتار بسیاری در مشهد به راه انداختند و در نهایت، حرم مطهر حضرت رضا (ع) را به توپ بستند. ملک‌الشعراء بهار (۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۸)، یک ترکیب‌بند و یک قصیده در مورد این واقعه سرود و هر دو را "توپ روس" نام نهاد: بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر با نبی برگو از تربت خونین پسر

هم‌چنین:

اردیبهشتِ نوحه و آغاز ماتم است ماه ربیع نیست که ماه محرّم است
شاه‌رضا، شهیدخراسان، غریب طوس کآتش به قلب وی افکند توپِ روس
(همان: ۲۵۱)

سید اشرف‌الدین حسینی نیز با جهت‌گیری و حساسیت به مسائل و مناسبت‌های دینی، مردم را به داشتن حساسیت و جهت‌گیری صحیح و پیروی از علمای دینی فرا می‌خواند و هرگاه کسی به امور دینی، اهانت یا بی‌اعتنائی می‌کرد، کار او را برملا می‌ساخت. پیداست یکی از عوامل محبوبیت اشرف‌الدین، دینداری او بود. او پس از زوال دولت نیکلای دوم تزار روسیه، که به توپ بستن آرامگاه حضرت امام رضا (ع) در زمان وی صورت گرفته بود، ترجیع‌بندی سرود. در این‌جا به عنوان شاهد مثال، تنها به یک بند از آن اشاره می‌شود:

این قبر غریب‌الغربا، خسرو طوس است این قبرمغیث‌الضعفا، شمس‌شموس است
خاکِ درِ او مرجعِ ارواح نفوس است باید ز ره صدق به این خاک درافتاد
(حسینی، ۱۳۵۹: ۴۵۷)

۶-۳-۵- شکستن غرور و شکوه کاذب استعمار با زبان هنری طنز

با توجه به گوناگونی دسیسه‌های استعمار، لازم است راهکارهای ارائه شده در مقابل آن نیز گوناگون و متنوع باشد. یکی از راهکارهای مؤثر ملک‌الشعراء بهار در راه مبارزه با استعمار، به سخره گرفتن استعمارگران و ریشخند نمودن کارهایشان نسبت به ممالک مشرق‌زمین می‌باشد. به عنوان مثال، بهار (۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۸) در قصیده‌ای با ریشخند از روس‌ها با عنوان افراد "تمدن‌خواهی" نام می‌برد که وحشی‌ترین افراد نیز اقدامات ناجوانمردانه‌ی آنان را باور نمی‌کنند:

بِنگر باز که این خیره تمدن‌خواهان کرده آن کار که وحشی ننماید باور!

هم‌چنین ملک‌الشعراء بهار (همانجا) در همین قصیده به سبب آگاه شدن انگلیسی‌ها از اهداف شوم آلمان‌ها، به ریشخند به انگلیس، لقب "روبه‌پیر" را نسبت می‌دهد. علاوه

بر این، به تقسیم کشور به دو منطقه‌ی تحت نفوذ انگلیس و روسیه نیز اشاره می‌کند:
 روباه‌پیر یافت که آلمان به قصد شرق دندان و پنجه تیزتر از شیر غاب کرد
 با روس عهد بست و شمال و جنوب را اندر دو خط مقاسمتی ناصواب کرد
 (همانجا)

بهار هم‌چنین برای شکستن غرور و شکوه ساختگی استعمارگران، در قصیده‌ای با برشمردن افتخارات کشور و ملتش، ابراز می‌دارد که ایران به حمایت دول استعمارگر بی‌نیاز است. او خطاب به روس از قراردادی که در ۱۹۱۵م. در زمان وزارت محمدولی‌خان سپهدار با ایران منعقد کرد، سخن می‌گوید. برطبق این قرارداد، روسیه مداخله در امور ملی ایران را با کمیسیون مختلط لازم می‌شمرد و مداخلات دیگری هم در سواحل دریای خزر و خلیج فارس و غیره با اجازه‌ی دولت ایران می‌نمود. بهار در این‌جا می‌گوید: کشوری با وسعت و اقتدار ایران از حمایت کشوری پست چون روسیه بی‌نیاز است و کسی که با آنها قرارداد می‌بندد، سزاوار دشنام و لعنت می‌باشد:

آن را که نگون است رایتش من هیچ نخواهم حمایتش
 این کشور تحت الحمایه نیست هم نیز برنجد ز صحبتش
 مُلکی که ز جیحون و هیرمند تا دجله برآید مساحتش
 از کس بنخواهد حمایتی وین گفته نگنجد به غیرتش
 گویند سپهدار داده خط لعنت به خطِ پُر مخافتش
 گر داده خطی این چنین خطاست کاین ملک بری بوده ذمّتش
 (همان، ج ۱: ۳۱۰)

۶-۳-۶- نکوهش و محکوم کردن استعمارگران

ملک‌الشعراء بهار در برابر استعمار، تنها به راهکارهای آگاهی‌دادن به مردم و برانگیختن آنان در برابر استعمار و ترسیم موقعیت و دعوت به حفظ هویت و بازگشت به اصول و شکستن غرور و شکوه ساختگی استعمارگران بسنده نکرده، بلکه آنان را محکوم می‌کند و در بسیاری از موارد، به‌طور مستقیم آنان را مورد نکوهش قرار می‌دهد تا با این‌گونه بیان‌ها، نزد مردم جایگاهی نداشته باشند و از صحنه خارج شوند و مردم

بتوانند در تعیین سرنوشت خویش، سهمیم باشند. ملک‌الشعراء بهار اشعار فراوانی در نکوهش استعمارگرانی چون روسیه و انگلستان و اقدامات این کشورها سروده است. مبارزه‌ی بهار (همان، ج ۲: ۶۴۳) با انگلیس و روسیه گاهی مستقیم است و گاهی به علت خفقان سیاسی حاکم بر جامعه، غیرمستقیم و با کنایه به نکوهش و محکوم کردن این استعمارگران و مداخلات آنها می‌پردازد:

انگلیسا در جهان بیچاره و رسوا شدی ز آسیا آواره گردی وز اروپا، پا شوی
چشم پوشی با دل صدپاره از سودان و مصر وز بویر وز کاپ، دل برکنده و دروا شوی
چون که یادآری ز پالایشگه نفت عراق دل‌کنی چون کوره و از دیده خون‌پالا شوی

سرزمین برای شاعر، همه چیز است، لذا وظیفه‌ی خویش می‌داند که با زبان شعری خود به دفاع از آن پرداخته و علاقه‌ی درونی‌اش را نمایان سازد. در ابیات زیر، نسیم شمال نیز ناراحتی خویش را درباری وطن ابراز داشته، ضمن محکوم نمودن استعمار، آن را بسان یوسف (ع) دانسته که در دهان گرگ اجل استعمار و استعمارگران، بی‌کس و تنها مانده است:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا، وطن ای در دهان گرگِ اجل مبتلا، وطن
ای یوسف عزیزِ دیارِ بلا، وطن قربانیان تو همه گلگون قبا، وطن

بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن
(بهار نقل از حسینی، ۱۳۵۹: ۴۶-۴۷)

نتیجه

پس از بررسی بن‌مایه‌های استعمارستیزی در اشعار ملک‌الشعراء بهار، نتایج زیر به‌دست آمد:

۱. برای رویارویی با استعمار و استعمارگران شیوه‌ی واحد، اثرگذار و کارساز نیست، بلکه لازم است در شرایط مختلف با عملکرد استعمارگران، شگرد مناسب و انعطاف‌پذیر انتخاب و براساس آن عمل شود. بنابراین یک ادیب با زبان هنری خویش، هنگامی در مبارزه خود به پیروزی می‌رسد که نسبت به دشمنان، شناختی عمیق داشته باشد، موقعیت کشور و منطقه را بشناسد، در روند مبارزه، روش مناسب و انعطاف‌پذیر را به کار گیرد، مبارزه را به طور مستمر ادامه دهد و همواره در صحنه باشد و به کار خویش ایمان داشته و به نتیجه‌ای که در پی دارد، کاملاً امیدوار باشد.
۲. ملک‌الشعراء بهار از جمله روشنفکران پویایی است که در همه‌ی زندگانی پر فراز و نشیب خود، لحظه‌ای از تلاش و کوشش باز نایستاده و در جریان انقلاب مشروطه، همگام با توده‌ی مردم از مشروطه‌خواهان طرفداری می‌کند و در برابر استعمار و استعمارگران، ندای آزادی‌خواهی و میهن‌دوستی سر می‌دهد.
۳. شاعر در اشعار خود به بیان راهکارهایی، مانند آگاه کردن مردم و غفلت‌زدایی، برانگیختن مردم و ترسیم موقعیت آنان، دعوت به اتحاد و مقابله با استعمار، بازگشت به هویت اصیل ایرانی اسلامی، تحقیر استعمار با زبان طنز، نکوهش و محکوم نمودن استعمارگران اشاره‌ی صریح دارد، هم‌چنین زبان شعری شاعر همه‌فهم و گاهی عامیانه نیز می‌باشد.
۴. آن‌گونه می‌توان از اشعار شاعر استنباط نمود که ملک‌الشعراء بهار از اندیشه‌ای متزلزل و ناپایدار در رویارویی با پدیده استعمار برخوردار می‌باشد. بهار در ابتدا مخالفت کمتری با سیاست‌های استعماری انگلیس داشت، زیرا انگلیس از مشروطه تا حدی حمایت می‌کرد، اما نفرتش از روس‌ها به دلیل مخالفت آنان با مشروطه بسیار زیاد بود، ولی به تدریج که نقشه‌های شوم انگلیس برای بهار آشکارتر شد، صریحاً به مخالفت با انگلیس پرداخت.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). *یا مرگ یا تجدد*. تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). *از صبا تا نیما*، ج ۲. تهران: زوار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰). *دیوان اشعار استاد محمدتقی بهار (ملک‌الشعراء)*. به کوشش چهارزاد بهار. تهران: توس.
- پیشوایی‌علوی، محسن؛ و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی انتقاد اجتماعی در شعر محمود سامی بارودی و ملک‌الشعراء بهار". *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی کرمانشاه*، سال پنجم، ش ۱۹ (پاییز): ۴۷-۶۷.
- حتّی، فیلیپ خوری (۱۳۸۲). *شرق نزدیک در تاریخ*. ترجمه قمر آریان. تهران: علمی و فرهنگی.
- حسام‌پور، سعید؛ حاجبی، احمد (۱۳۸۷). *سهم ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی (نامه پایداری)*. به کوشش احمد امیری خراسانی. تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- حسین، قصی (۱۹۷۲ م). *الموت و الحیاه فی شعر المقاومة*. بیروت: دارالرائد العربی.
- حسینی، اشرف‌الدین (۱۳۵۹). *کلیات جاودانه نسیم شمال*. به کوشش حسین نمینی. تهران: اساطیر.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه.
- روزبهانی، سعید (۱۳۸۶). *جلوه‌های آرمانی در شعر ملک‌الشعراء بهار (یادی از بهار، مجموعه خطابه‌ها و مقاله‌های همایش بزرگداشت ملک‌الشعراء بهار)*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- سارتر، ژان پل (۱۳۴۸). *ادبیات چیست؟* ترجمه ابوالحسن نجفی. تهران: کتاب زمان.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۶۹). *چهار شاعر آزادی*. تهران: نگاه.
- شبستری، معصومه (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در شعر ملک‌الشعراء بهار و احمد صافی نجفی". *ادب‌نامه تطبیقی دانشگاه پیام‌نور*، سال

- اول، ش ۲ (بهار و تابستان): ۵۴-۶۴.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.
 - عابدی، کامیار (۱۳۷۶). *زندگی و شعر ملک‌الشعراء بهار*. تهران: ثالث.
 - عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *دیوان عارف قزوینی*. گردآوری و تدوین رحیم چاوش اکبری. تهران: زوار.
 - فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۹). *دیوان فرخی یزدی*. تهران: امیرکبیر.
 - فیاض، مهدی (۱۳۸۶). *بهار و شعر سیاسی (یادی از بهار، مجموعه خطابه‌ها و مقاله‌های همایش بزرگداشت ملک‌الشعراء بهار)*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
 - کریمی لاریمی، رضا (۱۳۸۹). "سیر تحلیلی ادبیات پایداری از گذشته تاکنون". در: *مجموعه مقالات اولین کنگره فرهنگ عاشورایی و ادبیات پایداری*. گردآوری و تدوین احمد امیری خراسانی. قم: یاس نبی: ۲۲۹-۲۳۰.
 - محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۸). "مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب". *ادبیات پایداری کرمان*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۱۴۳-۱۵۸.
 - محسنی‌نیا، ناصر؛ داشن، فاطمه (۱۳۸۸). "بررسی تطبیقی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی". *نشریه ادبیات تطبیقی کرمان*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۱۳۳-۱۵۵.
 - محمدی، حسنعلی (۱۳۷۲). *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار*. تهران: اختران.
 - میرانصاری، علی (۱۳۷۷). *اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران*. دفتر دوم. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
 - نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۶). *وظیفه ادبیات*. تهران: کتاب زمان.
 - نیکوهمت، احمد (۱۳۶۱). *زندگی و آثار بهار*. تهران: آباد.
 - یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *چون سبوی تشنه*. تهران: جامی.

تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود وضعیت زندگی در نواحی روستایی

مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان تایباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

جواد میکانیکی^۱

الهه داودیان^۲

مفید شاطری^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین نیازهای توسعه روستایی، مسکن روستایی است که در سال‌های اخیر سیاست‌های بهسازی و نوسازی مسکن برای بهبود وضعیت مسکن روستایی اجرا شده است. در تحقیق حاضر، به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی روستاییان در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون دوجمله‌ای) صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر، خانوارهای روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند که شامل ۵۰۷۶ خانوار می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، ۱۸۰ خانوار محاسبه گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در شاخص‌های بعد اجتماعی داشته است. به عبارتی طبق آمار به دست آمده از میانگین نظرات افراد، در بعد اجتماعی گویه‌های دسترسی آسان به مراکز خرید در

javadmikaniki@birjand.ac.ir

elnazdavoodian@birjand.ac.ir

mshateri@birjand.ac.ir

۱. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

۳. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

روستا، دسترسی بهتر به مراکز آموزشی، دسترسی بهتر به حمل و نقل عمومی راحت‌تر و دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، کمترین میزان رضایت را توسط ساکنان داشته‌اند. از این‌رو، می‌توان گفت با ارائه نقشه و طرح‌های مناسب با موقعیت روستاها از طریق بخش‌داری و مکان‌یابی مناسب مساکن جدید در نزدیکی مراکز آموزشی، درمانی و بهداشتی، دسترسی ساکنان را به این مراکز آسان‌تر نمود و رضایت آنان را جلب کرد.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، تسهیلات، بهسازی مسکن، نواحی روستایی، تایباد

مقدمه

انسان به مقتضای نیازهای گوناگونش، در تلاش برای رفع هر کدام از این نیازهاست. در اولویت‌بخشی به نیازهای اساسی انسان، تأمین مواد غذایی در درجه نخست و در مرحله بعد، داشتن مسکن و استقرار در آن به‌عنوان یک سرپناه بسیار حائز اهمیت است. مسکن از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده بافت روستایی است که متأثر از عوامل طبیعی و انسانی بوده، بنابراین هرگونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی به طرق مختلف در مسکن تجلی می‌یابد. از مهم‌ترین برنامه‌های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مسکن در کشورهای در حال توسعه، می‌توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. بعد از انقلاب اسلامی، به‌دلیل نامناسب بودن وضعیت مساکن در نواحی روستایی، برنامه‌ریزی جهت بهبود این مساکن در روستاهای کشورمان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها تبدیل و در طی برنامه‌های توسعه، دولت اعتبارات بهسازی مساکن را در سطح وسیعی در اختیار روستاییان قرار داده است. در طی سال‌های اخیر، رویکرد اعتبارات بهسازی مسکن در سطح گسترده و برای دستیابی به این اصل قانونی در نواحی روستایی کشورمان اجرا شده است. هدف این طرح، ارتقاء و بهبود کیفیت مساکن روستایی است. تسهیلات مسکن روستایی که تحت عنوان تسهیلات بهسازی مسکن روستایی در اختیار روستاییان قرار می‌گیرد، محدودیت‌ها و الزماتی به لحاظ زیربنا، نوع مصالح و نقشه این مساکن اعمال می‌کند که این مساکن را از مساکن سنتی روستایی متمایز ساخته است. اما به نظر می‌رسد برای تأمین مسکن مناسب روستایی در کنار

توجه به تحولات اجتماعی- اقتصادی در سال‌های اخیر، باید به امکاناتی که فناوری جدید در اختیار انسان گذاشته توجه داشت. مسکن روستایی فراتر از سرپناه فیزیکی، نقش تولیدی دارد، به همین دلیل ضامم آن در رابطه با کارکردهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت اساسی می‌یابد و برنامه‌ریزی توسعه مسکن روستایی از روند توسعه روستایی و حتی از توسعه جامع منطقه‌ای قابل تفکیک نیست. از این‌رو، در پژوهش حاضر به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود وضعیت زندگی روستاییان و در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. مسکن به‌عنوان پناهگاه و محل اقامت انسانی، از مهم‌ترین نیازها و احتیاجات انسان‌ها است، به‌طوری که می‌توان گفت از اصلی‌ترین عنصرهای تشکیل دهنده‌ی زندگی فرد می‌باشد. بشر همیشه در طول تاریخ و قبل از آن برای داشتن سرپناهی بهتر و ایمن‌تر، روش‌های گوناگونی را انجام داده و سعی بر آن داشته است که همیشه مسکن خود را به‌گونه‌ای طراحی کند که با محیط طبیعی وی سازگار باشد.

مسکن به‌عنوان یک پدیده‌ی انسان‌ساخت باید دارای ویژگی‌هایی باشد که رضایت استفاده کنندگان را جلب کند. بنابراین خصوصیاتِ مثل شکل مطلوب، استحکام، امنیت، ایمنی، تأمین تجهیزات و زیرساخت‌های مورد نیاز مسکن در کیفیت مطلوب مسکن، تأثیرگذار می‌باشد. مسکن هم اکنون عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد، نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). بخش مسکن را می‌توان یکی از مهمترین بخش‌های توسعه در یک جامعه دانست که در این میان، مسکن روستایی تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و در نهایت، نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی- اقتصادی تأثیرگذار در شکل‌بخشی به آنهاست (سعیدی، ۱۳۷۳: ۵۱۱). روستاها با توجه به ماهیت خود و هم‌چنین متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای ساماندهی درونی و کالبدی خاصی در نوع سکونت هستند. مسکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای

شکل‌های مختلفی است. این مسکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معیشت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستاییان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت، استانداردهای مربوط به مسکن در آن رعایت نشده است. از این‌رو، توجه جدی به کیفیت و کمیت ساختمان‌ها و یا به عبارتی مسکن روستایی، در برنامه‌های توسعه روستایی لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد، از شاخص‌های توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (لطفی، احمدی و حسن‌زاده فرجود، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

بیان مسأله

امروزه از جمله مشکلات اساسی خانه‌های روستایی ایران، پایین بودن کیفیت آنها از نظر مصالح به‌کار رفته و ساخت مسکن است که این کیفیت پایین، آسیب‌پذیری شدید مسکن روستایی را در برابر بلایای طبیعی، مثل سیل و زلزله و رانش خاک و لغزش زمین موجب شده است. مسکن به‌عنوان پناهگاه و اقامتگاه انسانی، زائیده مهم‌ترین احتیاجات انسان‌هاست و امروز نبود مسکن با کیفیت در نواحی روستایی، مشکلات عدیده از جمله مهاجرت و تخلیه روستاها را به همراه دارد.

با کیفیت نبودن مسکن روستایی علاوه بر مهاجرت روستاییان، افزایش نابرابری‌های اجتماعی را به‌دنبال داشته، سلامت روان افراد ساکن در این مسکن را دچار اختلال و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌ها و تغذیه ضعیف را به‌دنبال دارد و باعث ایجاد مشکلات اقتصادی و محیطی هم در نواحی روستایی می‌شود که نیاز است برای کاهش این مهاجرت‌ها، امکانات رفاهی و زیربنایی در روستاها فراهم گردد. همچنین مسکن نامناسب روستاییان را در برابر بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله از یک سو و رانش خاک و لغزش زمین از سوی دیگر، در معرض خطر قرار می‌دهد. با خالی شدن روستاها و مهاجرت روستاییان به شهر، دولت درصدد حل این مشکلات برآمده که در این راستا، بازسازی منازل مسکونی روستایی در دستور کار قرار گرفته است. اهمیت این امر باعث

شده که مسؤولین امر کشوری، سعی در برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه داشته باشند، چه بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه تأمین مسکن بوده که به روند توسعه‌ی کشورها، کمک شایانی کرده است. البته تاکنون برنامه‌ریزی در این زمینه بیشتر معطوف به شهرها بوده است و آنچه در باب مسکن روستایی نگاشته شده، بیشتر کیفیت مسکن و نوع معماری را مورد ارزیابی قرار داده است. در واقع، با توجه به افزایش روزافزون مهاجرت‌های روستاییان به شهرها و افزایش معضلات شهرنشینی و مدیریت شهری، لازم است به توسعه روستایی توجه ویژه معطوف گردد.

در طی سال‌های اخیر، رویکرد اعطای اعتبارات بهسازی مسکن در سطح گسترده و برای دستیابی به این اصل قانونی در نواحی روستایی کشورمان اجرا شده است. هدف این طرح، ارتقاء و بهبود کیفیت مسکن‌های روستایی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). در برنامه ششم توسعه، تهیه طرح‌های هادی و بهسازی مسکن و طرح‌های توسعه و بازنگری آن برای همه‌ی روستاها و آبادی‌های بالای بیست خانوار و مناطق عشایری در اولویت قرار گرفته و با شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی، جهت اجرای طرح‌های بهسازی و ایمن‌سازی مساکن روستایی، به‌نوعی برنامه‌ریزی شده که تا پایان اجرای قانون حداقل ۳۰ درصد مساکن با مقاومت پایین ایمن‌سازی شوند (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶: ۳۶). با توجه به این‌که روستاها در گذشته منشأ تولید و اشتغال بوده‌اند، باید برنامه‌ریزان به سمتی حرکت کنند تا علاوه بر ایجاد بستر مناسب با اقداماتی از جمله تسریع در بهسازی روستاها، زمینه اشتغال و ماندگاری آنان را نیز فراهم کنند و در این صورت است که معضل حاشیه‌نشینی شهرها و معضلات اجتماعی ناشی از آن کاهش می‌یابد.

روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، بارها شاهد بارش باران‌های شدید و وزش بادهای سهمگین بوده که موجب سقوط درختان و تیر برق، آبرفتگی معابر روستایی و تخریب چند آب‌بند و سردخانه کشاورزی و مهم‌ترین از همه، آبرفتگی تعدادی از خانه‌های روستایی شده است. در این بین نیاز به بازسازی خانه‌ها و یا به عبارتی ساخت خانه‌هایی با مقاومت بالا در برابر این بلایا ضروری است. از جمله ابعاد مثبت احتمالی

تسهیلات بهسازی مسکن در منطقه مورد مطالعه، می‌توان به استحکام و مقاومت در برابر حوادث طبیعی، بهبود شاخص‌های بهداشتی و ایجاد درآمد و اشتغال برای روستاییان، به‌خصوص اقشار بدون زمین و کارگران روستا اشاره کرد. هم‌چنین از اشتغال ایجاد شده برای افراد در روستا، از مهاجرت‌های فصلی این افراد به شهرهای بزرگ و اشتغال به کار در آنجا، جلوگیری شده است. طبق آمار گرفته شده از بنیاد مسکن شهرستان تایباد، روستاهای بخش مرکزی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند. این پژوهش نیز تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن را بر بهبود زندگی روستاییان مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین اعتباراتی مورد پژوهش قرار گرفتند که حداقل پنج سال از اعطای آنها به روستاییان و استفاده از وام جهت بهسازی مسکن گذشته باشد. از ۲۱ روستای بخش مرکزی، روستاهای قومی، محمدآباد قدس، کشکک، میرآقا بیک و ایل به علت این که در فاصله زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتباراتی دریافت نکرده‌اند از دایره پژوهش حذف گردیده و ۱۶ روستای دیگر مد نظر می‌باشند که جمعاً تسهیلات ارائه شده در این فاصله زمانی، ۳۹۱ اعتبار بهسازی مسکن بوده است. با توجه به اعتبارات اعطاء شده به تعداد زیادی از روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، حال سنجش اثرات این طرح‌ها در قالب سؤالی مطرح می‌شود و آن این است که اجرای طرح مقاوم‌سازی مساکن چه تأثیری بر وضعیت مسکن روستاییان و بهبود وضعیت زندگی خانوارهای روستایی داشته است؟

پیشینه

مطالعات زیادی تاکنون در زمینه مسکن روستایی و اعتبارات صورت گرفته است و حتی المقدور سعی شده است از نتایج این تحقیقات در تحقیق حاضر استفاده شود. در این قسمت ابتدا به بررسی تحقیقات و مطالعات سایر کشورها و سپس منابع و تحقیقات داخلی پرداخته شده است.

هازرمایر (Huchzermeyer, 2001) در مطالعه خود درباره سیاست‌های مسکن در آفریقای جنوبی به این نتیجه رسید که سیاست‌های مسکن توسط دولت، نیازهای

فقیرترین قشر جامعه را نادیده گرفته است. تأکید اصلی وی بر شناخت همه‌جانبه ابعاد مسکن در میان گروه‌های مختلف جامعه و تأثیرات منفی نگرستن تک‌بعدی و داشتن یک سیاست خاص در قبال مناطق مختلف در آفریقای جنوبی است. ویسنت و جوسپه (Vicent & Joscpeh, 2001) نقش سیاست‌گذاری‌های مسکن، دسترسی به زمین، زیرساخت‌های مسکن، مقررات ساخت، مصالح ساختمانی و صنایع مرتبط با مسکن را در کشور نیجریه بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش نقش بخش خصوصی می‌تواند به کاهش مسکن منجر شود.

محمدی یگانه و دیگران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی روستاییان دهستان معجزات شهرستان زنجان در چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی پرداختند. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در بعد اقتصادی و شاخص‌های آن داشته است.

قاسمی و رستمعلی زاده (۱۳۹۱)، در پژوهشی در روستای آقبراز استان آذربایجان شرقی، به بررسی تغییر و تحولاتی که در نتیجه اجرای طرح ویژه بهسازی مساکن روستایی و استفاده از تسهیلات مسکن روستایی در شیوه زندگی و معیشت روستاییان به‌وجود می‌آید پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وام مسکن روستایی دارای نقاط قوت و ضعف بوده و تأثیرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شیوه زندگی و معیشت روستاییان داشته است.

عینالی، چراغی و رومیانی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان "ارزیابی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی"، به بررسی نقش اعتبارات مسکن ارائه شده در مناطق روستایی در کاهش آسیب‌پذیری آن در برابر زلزله با بهبود شرایط فیزیکی مساکن پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان دهنده تفاوت کاملاً معنادار در دوره قبل و بعد از استفاده از اعتبارات مسکن در مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار در کاهش آسیب‌پذیری مسکن است که میانگین رتبه‌ای فریدمن و ضریب کای‌دو نیز این تفاوت را به نفع دوره بعد و بهبود شاخص‌ها

نشان می‌دهد. بسحاق، تقدیسی و آقامرایبی (۱۳۹۳)، پژوهشی با هدف تحلیل و ارزیابی شاخص‌های پایداری مسکن روستایی در دهستان سیلاخور شرقی شهرستان ازنا انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۴۰٪ از شاخص‌های بررسی شده در شرایط ناپایدار قرار دارند که جا دارد در راستای بهره‌مندی از مسکن سالم و پایدار، برنامه‌ریزی‌هایی در راستای ارتقای شاخص‌های ناپایدار که اغلب نیز در بعد اقتصادی قرار گرفته‌اند، صورت گیرد.

مبانی نظری

توسعه روستایی

توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستاییان می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۳: ۸۴).

توسعه پایدار

تعریف توسعه پایدار بسیار مشکل است و تعاریف بسیاری که در متون مختلف وجود دارد هریک بر جنبه‌ای از توسعه پایدار، تأکید بیشتری دارند (صادقی و قنبری، ۱۳۸۸: ۳۱). «توسعه پایدار بر آن است تا از طریق توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیطی، جامعه انسانی را به سوی دنیایی خوب، زیست‌پذیر و دوام‌یافتنی رهنمون سازد» (پورطاهری، سجاسی قیداری و صادق‌لو، ۱۳۸۹: ۴). در این معنا، هسته مرکزی مفهوم پایداری بر حفظ و نگهداشت ذخایر سرمایه‌ای استوار است. در حقیقت توسعه پایدار چیزی جز حفظ ذخایر سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی نیست (همان: ۴).

توسعه اقتصادی

در تعریف توسعه اقتصادی جاناتان لمکو^۱ چنین بیان می‌دارد: توسعه اقتصادی اصطلاحی است عام که در مورد شماری از مطالب گوناگون به کار می‌رود. این مطالب گسترش دامنه‌ی کاربرد سرمایه را در برمی‌گیرد. توسعه اقتصادی مستلزم تحولات ساختاری است به گونه‌ای که تولید کالا و خدمات به صورت انبوه افزایش یابد (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۲).

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می‌باشد. براین مبناست که گفته می‌شود منظور از توسعه اجتماعی، اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه‌ی خاص، همراه با توسعه مدرن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های پیوسته و مکمل یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به وجه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند. پس توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر الگوهای دست‌وپاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد (از کیا، ۱۳۸۳: ۷).

مسکن

مسکن اسم مکان است به معنای محل آرامش و سکونت و در اصطلاح، مکانی را می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت‌نامه دهخدا، مسکن چنین تعریف شده است: منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام. کلمه "مسکن" یا "خانه" یا آنچه رساننده مفهوم محل سکونت خانواده است، در همه جوامع مفهومی متعالی

و مقدس دارد. انسان‌ها در بیرون از خانه درگیر نبردی طولانی و دائمی برای زندگی کردن هستند. از طرفی، انسان‌ها تنها وقتی که در خانه و در میان عزیزان خود هستند، احساس آرامش می‌نمایند. به عبارت دیگر، مسکن گذشته از حفظ و حراست انسان از گرما و سرما، کارکردهای متنوع دیگری دارد و نه تنها مکانی برای فراغت انسان، بلکه می‌تواند در تکامل او اثر بگذارد و یا باعث ایجاد تنش‌های روانی، نابهنجاری‌ها و روی آوردن به دنیای جرم و جنایت شود (آخوندی، ۱۳۹۳: ۲۰). مسکن در مجموعه بافت روستا به عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چندکارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت، به عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشأت گرفته است. با تکیه بر نظریه کارکردگرایی، وحدت اجزای مسکن اهمیت یافته و دوام و بقاء اجزاء مسکن به فایده و سودمندی آنها مربوط می‌باشد. طبق نظریه کارکردگرایی، در مطالعه مسکن پیوستگی و کلیت اجزاء و عناصر اصلی آن مهم است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

مسکن پایدار

مسکن و به خصوص مسکن پایدار از عوامل مهم در توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز دربرمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری برای بهتر زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع، تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط را شامل می‌گردد (مخبر، ۱۳۶۳: ۱۷). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی به عنوان کالایی اقتصادی و پردوام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (Bourne, 1981: 14) و افزون بر این‌ها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان نمایش مقام وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد نیز هست (Cater & Trevor, 1989: 38). مسکن در عین حال، عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط

اجتماعی و اهداف جمعی افراد، نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). بنابراین مسکن دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی و فیزیکی، اقتصادی، مالی، روانشناختی و پزشکی است (Cullingworth, 1997: 166).

مسکن پایدار روستایی

مسکن پایدار روستایی به مفهوم مسکنی است که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان‌پذیر و مستحکم و سازگار با محیط زیست می‌باشد (Charles, 2007: 3). مسکن پایدار نقش با اهمیتی در ثبات خانواده، رشد اقتصادی و اجتماعی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و در کل نظام نیز تأثیر می‌گذارد (آسایش، ۱۳۷۴: ۶۵).

طرح بهسازی مسکن

با توجه به وجود فقر مسکن در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه، امروزه بهسازی و نوسازی این مساکن جهت دسترسی روستاییان به بهداشت و رفاه بهتر، به یکی از مهم‌ترین سیاست‌های بهبود وضعیت روستاییان تبدیل شده است (Plagerson, Harpham & Mathee, 2010: 14). از مهم‌ترین برنامه‌های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مساکن در کشورهای در حال توسعه، می‌توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. در طی دهه‌های اخیر، موفقیت نهادهای مالی در کشورهای در حال توسعه در راستای ارائه اعتبارات خرد به فقرا جهت توانمندسازی باعث شده است تا اندیشمندان از این موفقیت‌ها با عنوان انقلاب خرد یاد کنند (Sengupta & Aubuchon, 2008: 120). یکی از اهداف کلی اعتبارات بهبود وضعیت مسکن در ایران و از جمله اعتباراتی که با سرمایه‌گذاری بخش دولتی به روستاییان داده می‌شود، اعتبارات بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است. توجه به مقوله‌ی بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونی روستایی از سال ۱۳۸۴ در

برنامه چهارم توسعه و در ادامه طرح بهسازی مسکن روستایی که از سال ۱۳۷۴ به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به منظور ارتقای سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش روستاییان آغاز شد، به طور گسترده و با حمایت دولت، نگرشی جدیدتر و وسیع تر مورد توجه قرار گرفته است (پرتال بنیاد مسکن، ۱۳۹۶).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت فیزیکی-کالبدی روستایی شده است.
- ۲- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی شده است.
- ۳- اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی شده است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، روش تحقیق به صورت پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه و نوع پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در تحقیق حاضر به منظور ارزیابی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در وضعیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از گویه‌های عینی و ذهنی، سطوح رضایت خانوارهای دریافت کننده اعتبارات بعد از بهسازی مسکن و در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری، خانوارهای روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد می‌باشند که بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ اعتبارات بهسازی مسکن را دریافت کرده‌اند که شامل ۵۰۷۶ خانوار می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه‌ها ۱۸۰ خانوار محاسبه گردید. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه می‌باشد که اساساً از سؤالات بسته و با پاسخ‌هایی در طیف پنج قسمتی لیکرت تشکیل شده است. در جدول ۱ شاخص‌های بکار رفته در تحقیق (در

سه بعد اجتماعی و اقتصادی و کالبدی) آمده است.

جدول (۱) شاخص‌های به‌کار رفته در تحقیق

ابعاد	شاخص‌ها
اجتماعی	امنیت احشام و لوازم خانگی، احساس امنیت اعضای خانوار، احساس عدالت اجتماعی و برابری میان روستا و شهر، افزایش انگیزه ماندگاری، امید به آینده، احساس تعلق به اجتماع، کاهش مهاجرت‌های روستایی، بهبود فضاهای مورد نیاز اعضای خانوار، رضایت از موقعیت اجتماعی، دسترسی آسان به مراکز خرید در روستا، دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، دسترسی بهتر به وسایل حمل و نقل عمومی، میزان همکاری مردم در ساخت و ساز مسکن، دسترسی به مراکز آموزشی، رضایت از مراکز بیرونی مسکن جدید، رضایت از طرح و نقشه مسکن خود، برخورداری از واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت، افزایش اعتماد به نفس در مسکن دارای سند مالکیت، احساس آسایش و آرامش روانی، احساس امنیت در برابر سوانح طبیعی
اقتصادی	کاهش هزینه‌های زندگی، افزایش قیمت مسکن، کاهش احساس فقر، امید به آینده شغلی، ایجاد انگیزه جهت بهبود وضعیت کار، ایجاد انگیزه جهت پیشرفت شغلی، دسترسی به خدمات اعتباری و مالی، گرایش مردم به ساخت مسکن جدید، کاهش ساخت‌وساز در زمین‌های کشاورزی، ماندگاری جمعیت باعث رونق در همه بخش‌های اقتصاد از جمله کشاورزی شده است، دسترسی به فناوری اطلاعات، برخورداری مسکن جدید از تلفن ثابت، برخورداری مسکن جدید از امکانات برق، برخورداری مسکن جدید از امکانات لوله‌کشی آب، برخورداری مسکن جدید از امکانات گاز، برخورداری مسکن جدید از تاسیسات بهداشتی
کالبدی	استفاده از شکل معماری استاندارد، رضایت از موقعیت قرارگیری بنا، رضایت از فرایند نوسازی مسکن، رعایت استحکام دیوارها در ساخت مسکن، افزایش میزان دوام اسکلت واحدهای مسکونی، میزان برخورداری مسکن از امکانات ضد زلزله، بهبود نمای ظاهری در خانه‌های جدید نسبت به خانه‌های قدیمی، افزایش استفاده از الگوی معماری بومی، کاربرد مصالح بومی بادوام در واحدهای مسکونی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در مسکن، میزان نظارت بر ساخت‌وساز مسکن، تهیه مناسب هوا در واحدهای مسکونی، مطابقت معماری مسکن جدید با تولید خانوار روستایی مانند دامپروری، میزان تأثیر ساخت مسکن جدید در صرفه‌جویی انرژی، سازگاری خانه‌های جدید با شرایط اقلیمی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در سقف واحدهای مسکونی، افزایش میزان دوام مصالح به‌کار رفته در کف واحدهای مسکونی، بهبود نورگیری روشنایی خانه، رضایت از مساحت واحد مسکونی

منبع: (جمعه‌پور و رشنودی، ۱۳۹۰: ۵۵؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۶)

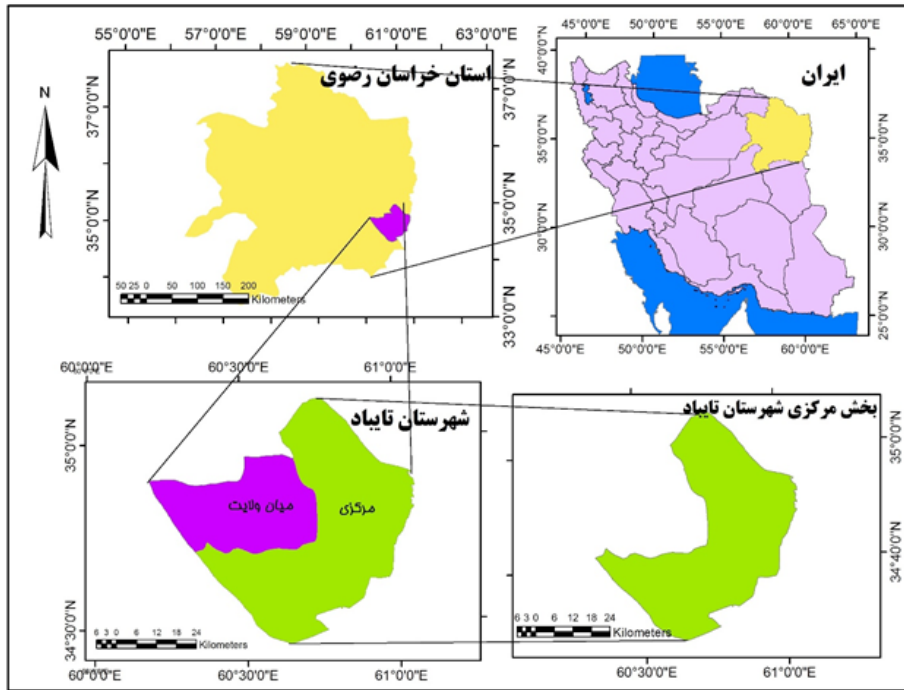
منطقه مورد مطالعه

تایباد با وسعت ۲۹۲۹/۰۷ کیلومتر مربع در فاصله ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد قرار گرفته و بزرگترین نقطه شهری این شهرستان بوده و دارای طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۴۷ دقیقه و ۳۷/۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه و ۱۶/۸۳ ثانیه شمالی می‌باشد. شکل ۱ موقعیت استان خراسان رضوی در کشور،

شهرستان تایباد در استان و نیز بخش مرکزی را در شهرستان نشان می دهد. ارتفاع آن از سطح دریا ۸۱۰ متر می باشد. این شهرستان بر سر راه هرات، اسلامقلعه و تربت جام واقع می باشد و با کشور افغانستان ۷۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. این شهرستان دارای دو بخش، سه شهر و چهار دهستان با جمعیت ۱۱۷۵۶۴ نفر می باشد که ۶۶٪ جمعیت در شهر و ۳۴٪ جمعیت در روستاها ساکن می باشند. از نظر طبیعی، بخش شمالی و جنوبی آن کوهستانی بوده و شامل ارتفاعاتی از جمله ایله است. در جنوب و غرب آن نیز دشت های فرزنه، محمدآباد، سرداب، کاریزچه، پلبد و دشت بی حاصل دوغارون و ... قرار دارد. تایباد اقلیمی معتدل مایل به گرم دارد و از نظر بارندگی در زمره مناطق خشک به شمار می آید و بادهای معروف صدوبیست روزه سیستان نقش مهمی در خشکی هوا دارد. از مهم ترین رودهای فصلی این شهرستان می توان "روس" در شمال و رود مرزی "هریرود" در شمال شرقی آن اشاره نمود. بخش مرکزی شهرستان تایباد در موقعیت جغرافیایی ۶۷ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۶۷ درجه و ۹۷ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. بخش مرکزی دارای دو دهستان به نام های کرات و پایین ولایت است و دارای ۲۱ روستا به نام های رهنه، اسدآباد، کرات، فرمان آباد، آبقه، حاجی آباد، ارزنچه سفلی، محسن آباد، قلعه نو آبقه، پشته، ارزنچه علیا، دوغارون، فرزنه، سرداب، کوه آباد، فیض آباد، قومی، محمدآباد قدس، کشکک، میرآقا بیک و ایله می باشد. بخش مرکزی شهرستان تایباد دارای جمعیتی معادل ۲۴۲۴۹ نفر جمعیت است که از این تعداد، ۱۲۶۲۰ نفر زن و ۱۱۶۳۸ نفر مرد می باشد. جدول ۲ جمعیت دهستان های بخش مرکزی (کرات و پایین ولایت) را به تفکیک زن و مرد نشان می دهد.

جدول (۲) جمعیت دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تایباد طبق سرشماری ۱۳۹۵

نام دهستان	جمعیت	مرد	زن
کرات	۱۸۰۵۲	۸۶۶۴	۹۳۸۸
پایین‌ولایت	۶۱۹۷	۲۹۷۴	۳۲۲۲



شکل (۱) موقعیت استان خراسان رضوی در کشور، شهرستان تایباد در استان و بخش مرکزی در

شهرستان تایباد

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد ۶۸/۹٪ پاسخگویان مرد و ۳۱/۱٪ آنها زن می‌باشند. از بین ۱۸۰ نمونه ۷/۲٪ افراد فاقد سواد، ۷/۸٪ افراد دارای سواد ابتدایی، ۲۶/۲٪ آنها دارای مدرک راهنمایی، ۲۶/۷٪ آنها دارای مدرک دیپلم و ۳۶/۱٪ هم بالاتر از دیپلم تحصیلات داشته‌اند. سن افراد مورد مطالعه طبق نتایج تحقیق، ۴۸/۳٪ بین

۲۰ تا ۴۰ سال، ۴۴/۴٪ در بازه ۴۱ تا ۶۰ سال و سن ۷/۲٪ افراد مورد بررسی در بازه سنی ۶۱ تا ۸۰ سال می‌باشد. هم‌چنین میانگین و انحراف معیار سن افراد مورد مطالعه به ترتیب برابر ۴۳/۰۶ و ۱۰/۰۵ سال می‌باشد. از نظر اشتغال ۱۵/۶٪ سرپرستان خانوار کارمند، ۲۰/۶٪ کارگر، ۳۳/۹٪ کشاورز، ۱۸/۳٪ دامدار و ۱۱/۷٪ از افراد در سایر مشاغل فعالیت دارند. وضعیت تأهل آنان نشان می‌دهد ۱۰٪ افراد مجرد و ۹۰٪ آنها متأهل می‌باشند.

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آن‌ها درباره اینکه اجرای طرح بهسازی مسکن بیشترین تأثیر را بر کدام بخش داشته است نشان می‌دهد که از نظر ۱۶/۱٪ افراد بیشترین تأثیر اجرای طرح بهسازی مسکن بر بخش صنعت، ۲۲/۸٪ در بخش اجتماعی- فرهنگی، ۳۵٪ در بخش کشاورزی و ۱۶/۷٪ در بخش تجارت بوده است و از نظر ۹/۴٪ افراد بیشترین تأثیر اجرای طرح بهسازی مسکن در بخش خدمات می‌باشد. در جدول ۳ توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آنان درباره بخش متأثر از اجرای طرح بهسازی مسکن آمده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس نظر آنان درباره بخش متأثر از اجرای طرح بهسازی مسکن

فراوانی	درصد	
۲۹	۱۶/۱	صنعت
۴۱	۲۲/۸	اجتماعی- فرهنگی
۶۳	۳۵	کشاورزی
۳۰	۱۶/۷	تجارت
۱۷	۹/۴	خدمات
۱۸۰	۱۰۰	جمع

طبق نتایج به‌دست آمده شناخت افراد از طرح بهسازی مسکن روستایی، ۸۳/۳٪ افراد شناخت زیاد و ۱۶/۷٪ افراد، شناخت متوسط از طرح بهسازی مسکن دارند.

در جدول ۴ توزیع فراوانی دیدگاه افراد پیرامون میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به همراه میانگین و انحراف معیار و ضریب تغییرات نظرات بیان شده است. لازم به ذکر است

که هر چه ضریب تغییرات یک متغیر کمتر باشد، نتیجه می‌گیریم که تغییرات نظر افراد در مورد این متغیر کمتر است و یا به عبارت دیگر، باید گفت افراد در مورد پاسخ سؤال مربوطه هم نظر هستند. با توجه به جدول ۴ بعد اجتماعی با میانگین ۲/۸۶ و ضریب تغییرات ۰/۱۵ و بعد کالبدی با میانگین ۳/۷۶ و ضریب تغییرات ۰/۱۱ به ترتیب کمترین و بیشترین میزان رضایت خانوارهای استفاده کننده از اعتبارات بهسازی مسکن را به دست آورده‌اند. این بدین معنی می‌باشد که گویه‌های بعد کالبدی از جمله استحکام مساکن، سطح زیر بنا و ... با توجه به نیاز روستاییان و متناسب با محیط روستا و نیز مقاوم در برابر سوانح، بیشترین رضایت را از سوی خانوارهای بخش داشته‌اند که بر این امر تأکید می‌کند که خانوارهای این بخش، قبل از دریافت و پیاده‌سازی اعتبارات و نوسازی و بهسازی خانه‌های خود، از مشکلاتی مهم چون کم‌دوام بودن مساکن رنج می‌بردند.

جدول ۴) توزیع فراوانی دیدگاه افراد پیرامون میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی

خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی

نتیجه بر اساس میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	هیچ		
متوسط	۰/۱۵	۰/۴۴	۲/۸۶	۰	۷	۱۴۱	۳۲	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی
				۰	۳/۹	۷۸/۳	۱۷/۸	۰	درصد	
متوسط	۰/۱۳	۰/۴۳	۳/۲۴	۰	۴۴	۱۳۶	۰	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی
				۰	۲۴/۴	۷۵/۶	۰	۰	درصد	
زیاد	۰/۱۱	۰/۴۲	۳/۷۶	۰	۱۳۸	۴۲	۰	۰	فراوانی	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی
				۰	۷۶/۷	۲۳/۳	۰	۰	درصد	

آمار استنباطی

فرضیه اول: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت فیزیکی-کالبدی روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۵ و مقادیر *Sig* نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی زیاد می‌باشد. علت تأثیر زیاد اعتبارات بهسازی مسکن روستایی در بعد کالبدی از نظر پاسخ‌دهندگان، بیشتر به دلیل مصالح عمدتاً کم‌دوام خانه‌های روستایی می‌باشد که پیامد آن نیز کاستی‌هایی مانند آسیب‌پذیری در برابر سوانح طبیعی و ضعف سازه‌ای این‌گونه مسکن‌ها می‌باشد. این اعتبارات باعث بهبود وضعیت خانه‌های روستایی از نظر کالبدی شده است.

جدول ۵) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۰	۰	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه کالبدی
			۱/۰۰	۱۸۰	گروه دوم	

فرضیه دوم: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۶ و مقادیر *Sig* نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی زیاد

می‌باشد. در واقع، می‌توان گفت ایجاد فرصت اشتغال در روستا، بویژه برای افراد بی‌زمین و کارگران روستایی، ازجمله دلیل رضایت خانوارهای روستایی از اعتبارات بهسازی مسکن در بعد اقتصادی می‌باشد. از آن‌جا که کارهای ساختمانی به‌گونه‌ای است که خانواده‌ها معمولاً دارای مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال در فعالیت‌های ساختمانی می‌باشند، فعالیت‌های ساختمانی در محل طرح فرصت‌های لازم را برای اشتغال و کسب درآمد خانوارهای منتفع شونده فراهم می‌سازد. ساکنان روستا در کارهای ساخت مسکن از خودیاری و همیاری استفاده می‌کنند و این امر به‌گونه‌ای است که افراد بیکار، خانوارها را به کار و امی دارد که حد افزایشی بر اشتغال و درآمد خانوار محسوب می‌شود. از طرفی نیز ضعف بنیان‌های مالی و درآمد اندک خانوارها، خود دلیلی بر رضایت بالا از استفاده اعتبارات، برای بهسازی و نوسازی خانه‌های روستایی شده است.

جدول ۶) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در زمینه اقتصادی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۰	۰	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اقتصادی
			۱/۰۰	۱۸۰	گروه دوم	

فرضیه سوم: اعتبارات بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. با توجه به جدول ۷ و مقادیر *Sig* نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی زیاد می‌باشد. با توجه به داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، عواملی که در رضایت داشتن خانوارها از بعد اجتماعی مؤثر می‌باشند، می‌توان به احساس امنیت در این مسکن‌ها

در برابر سوانح، سرمایه‌گذاری زیاد در این مسکن‌ها - که به افراد روستا اجازه نمی‌دهد به راحتی آن را ترک کنند - و همچنین به احساس آسایش و آرامش روانی از زندگی در این مسکن‌ها، اشاره کرد.

جدول ۷) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی میزان تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی بر

وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی

Sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۱۸	۳۲	گروه اول	تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن بر وضعیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی
			۰/۸۲	۱۴۸	گروه دوم	

نتیجه

امروزه مسکن به عنوان یک پدیده اثرگذار بر فرایند توسعه کالبدی روستاها، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این پدیده از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و معیشت روستا، تأثیرات شگرفی را بر حیات روستاها برجای می‌گذارد. بدون تردید هرگونه تغییر و دگرگونی در جهان، دیر یا زود به جامعه ما وارد می‌شود که یکی از آنها تغییر در معماری مسکن می‌باشد که این معماری، می‌بایست با فرهنگ جامعه ما تلفیق گردد. به علت این که ساختارها در هر جامعه‌ای کارکرد متفاوتی را به وجود می‌آورد، باید تغییر در ساختار مسکن مرتبط با کارکرد اقتصادی خانوار صورت گیرد. مسکن در نواحی روستایی به دلیل ایفای کارکردی مختلف، نقش بی‌بدیلی در زندگی مردمان آن ایفا کرده و هرگونه تغییری در آن، در تمامی ابعاد زندگی روستاییان تأثیرگذار است. از دیدگاه اندیشمندان، سکونتگاه مناسب باید شرایطی داشته باشد که انسان بتواند به واسطه آن، به سعادت و کمال وجودی خود دست یابد، به گونه‌ای که این اندیشمندان زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را با هم مترادف می‌دانند. اما در وضعیتی به دلیل این که شاخص و معیارهای ساخت مسکن روستایی بدون توجه به آداب و رسوم و فرهنگی که در مناطق روستایی وجود دارد پیاده می‌شوند، این امکان

قوت می‌یابد که تحولات ناخواسته و ناخوشایند اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- فیزیکی و حتی اقتصادی در محیط‌های روستایی رخ دهد. این در حالی است که بیشترین مسکن روستایی کشورمان از کیفیت مناسبی برخوردار نبوده و به همین علت دولت در طی دهه اخیر، اعتبارات بهسازی مسکن را در سطح وسیعی در اختیار روستاییان قرار داده تا با بهبود وضعیت این مسکن، افزایش کیفیت زندگی در نواحی روستایی محقق شود. برای بررسی تأثیرگذاری اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود وضعیت زندگی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان تایباد، از جامعه آماری روستاهای دریافت کننده تسهیلات بهسازی مسکن استفاده شده و مطابق اظهار نظر پاسخگویان، جمع‌بندی نهایی صورت گرفته است. از این‌رو، در این تحقیق به بررسی تأثیر اعتبارات بهسازی مسکن روستایی در بهبود وضعیت زندگی روستاییان در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته شده است. به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق، از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده است که سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و تأثیر اعتبارات مسکن بر سه بخش اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به ترتیب ۲/۸۶، ۳/۲۴ و ۳/۷۶ می‌باشد. در بررسی تأثیر شاخص‌های اعتبارات بر متغیر الگوی مسکن روستایی، بیشترین ضریب تأثیر متعلق به شاخص بهبود بعد کالبدی مسکن خانوارهای روستایی به میزان ۳/۷۶ و بهبود وضعیت اقتصادی با ضریب تأثیر ۳/۲۴ در رده دوم قرار گرفته است. استفاده از اعتبارات مسکن روستایی در بین نمونه‌های مورد بررسی، نشان دهنده توجه مالکین مسکن به استفاده از مصالح بادوام و به‌کارگیری اصول و ضوابط فنی و ... توانسته است با افزایش استحکام و مقاومت مسکن، زمینه را برای احساس امنیت و آسایش خانواده‌ها فراهم سازد و آمادگی آنها را برای رویارویی با سوانح آتی افزایش دهد. با توجه به میانگین هر بعد، مؤلفه‌های اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط و مؤلفه‌های اقتصادی و کالبدی در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند، یعنی این‌که در ساخت‌وسازهای جدید به‌دلیل وجود رضایت از شکل معماری استاندارد، دوام اسکلت واحدهای مسکونی، رضایت از فرایند نوسازی مسکن، استحکام دیوارها در ساخت و رضایت از موقعیت قرارگیری بنا طبق ضریب تغییرات، در اولویت‌های اول قرار دارند که این رضایتمندی جامعه نمونه را می‌رساند. در بعد اقتصادی هم که در سطح

متوسط قرار دارد مؤلفه‌هایی چون کاهش هزینه‌های زندگی، برخورداری بهتر مسکن جدید از امکانات برق، ایجاد انگیزه جهت بهبود وضعیت کار، دسترسی بهتر به خدمات اعتباری و مالی، برخورداری مسکن جدید از تلفن و ... طبق ضریب تغییرات، در اولین اولویت‌ها قرار دارد که این نشان دهنده تأثیر خوب بعد اقتصادی مسکن روستایی است. در بعد اجتماعی نیز گویه‌هایی مانند امنیت بیشتر احشام و لوازم خانگی، امنیت اعضای خانوار، احساس عدالت اجتماعی بیشتر و برابری میان شهر و روستا، افزایش انگیزه ماندگاری برای فرزندان، کاهش مهاجرت‌های روستایی، بهبود فضاهای مورد نیاز خانوار و برخورداری واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت، بالاتر از حد متوسط قرار داشتند که نظر مثبت جامعه نمونه را جذب کردند. اما گویه‌های دیگر مانند دسترسی آسان به مراکز خرید در روستا، دسترسی بهتر به مراکز درمانی و بهداشتی، دسترسی به حمل و نقل عمومی راحت‌تر و دسترسی بهتر به مراکز آموزشی، کمتر از حد متوسط بوده‌اند که اعتبارات بهسازی مسکن در این بعد، نقش چندانی نداشته است.

منابع

- آخوندی، مصطفی (۱۳۹۳). *ساخت مسکن در آموزه‌های دینی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی؛ زمزم هدایت.
- آسایش، حسین (۱۳۷۴). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
- بسحاق، محمدرضا؛ تقدیسی، احمد؛ آقامرایی، علی (۱۳۹۳). "بررسی و ارزیابی پایداری مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی شهرستان پلدختر)". *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و نهم، ش ۳، پیاپی ۱۱۴ (پاییز: ۱۳۹۶-۱۴۶).
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۶). "طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://www.bonyadmaskan.ir/Pages/PayamMaskan.aspx> [1396/5/20]

- پورطاهری، مهدی؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادق لو، طاهره (۱۳۸۹). "سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی؛ با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل فازی". *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره اول، ش ۱ (بهار): ۳۱-۱.
- جمعه‌پور، محمود؛ رشنودی، بهزاد (۱۳۹۰). "بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی". *فصلنامه توسعه روستایی*، دوره سوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۵-۶۴.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). "شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران". *هنرهای زیبا*، دوره بیست و دوم، ش ۲۲ (تابستان): ۴۳-۵۲.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۳). "الزامات اجتماعی- اقتصادی در ساخت‌وساز مسکن روستایی". در: *مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران*، ج ۱. گردآورنده اکبر فرخنده. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی: ۵۱۱-۵۳۷.
- صادقی، حسین؛ قنبری، علی (۱۳۸۸). *تحولات اقتصادی ایران*، ج ۲. تهران: سمت.
- عینالی، جمشید؛ چراغی، مهدی؛ رومیانی، احمد (۱۳۹۳). "ارزیابی نقش اعتبارات مسکن در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان بزینره رود خدابنده، استان زنجان)". *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره سی و سوم، ش ۱۴۶ (تابستان): ۷۷-۹۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- قاسمی، علی؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله (۱۳۹۱). "اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی". *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره سی و یکم، ش ۱۳۹ (پاییز): ۶۷-۸۴.
- لطفی، حیدر؛ احمدی، علی؛ حسن‌زاده فرجود، داوود (۱۳۸۹). "شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران". *فصلنامه جغرافیایی/آمیش*، ش ۷ (زمستان): ۱۰۵-۱۲۸.
- محمدی یگانه، بهروز، و دیگران (۱۳۹۱). "نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود

کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان، دهستان معجزات)". *فصلنامه مسکن و روستا*، دوره سی و دوم، ش ۱۴۱ (بهار): ۹۹-۱۰۸.

— *قانون برنامه ششم توسعه* (۱۳۹۶). دفتر برنامه و بودجه. [پیوسته] قابل دسترس در:

http://bodjeh.areeo.ac.ir/_bodjeh/documents/6th_agenda_full.pdf [1396/5/20]

— مخبر، عباس (۱۳۶۳). *بعد/اجتماعی مسکن*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

— مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۶). "توسعه روستایی مبتنی بر تداوم پایداری کشاورزی". *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و ششم، ش ۵۸ (تابستان): ۸۴-۱۰۱.

— نراقی، یوسف (۱۳۷۰). *توسعه و کشورهای توسعه نیافته*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Bourne, I. S. (1981). *A Gography of Housing*. New York: Prentice-Hall.
- Cullingworth, B. (1997). *Planning in the USA: Policies, Issues and Processes*. New York: Routledge.
- Cater, J.; Trevor, J. (1989). *Social Geography*. London: Routledge.
- Charles, Li (2007). "The search for policies to support sustainable housing". *Journal of Habitant International*, Vol. 31, No. 1: 143-149.
- Huchzermeyer, Marie (2001). "Housing for the poor? Negotiated housing policy in South Africa". *Journal of Habitat International*, Vol. 3, No. 25: 303-331.
- Plagerson, Sophie; Harpham, Trudy; Mathee, Angela (2010). "Poor housing, good health: A comparison of formal and informal housing in Johannesburg, South Africa". *Swiss School of Public Health*, Vol. 56, NO. 6:1-9.

-
- Sengupta, R.; Aubuchon, C. P. (2008). “The microfinance revolution: An overview”. *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, Vol. 90, No. 1: 9-30.
 - Short, John Rennie (2006). *Urban Theory A critical Assessment*. New York: Routledge.
 - Vicent, I. O.; Josceph, E. O. (2001). “Housing policy in Nigeria: towards enablement of private housing development”. *Habitat International*. Vol. 25, No. 4: 473-492.

The Relationship between Family Performance and Aggression of Students at the Farhangian University of Birjand

Ali Zare Moghadam¹

Somayeh Mohamadi Moghadam²

Abstract

Aggression is one of the main obstacles to a healthy and effective communication and compatibility with other members of the society. Compatibility is one of the components required for social life. Family, as the first community where children begin to learn, is important and remarkable. Accordingly, this research was conducted to determine the relationship between family performance and aggression of students. The present study was a correlational research. Statistical population of the research consisted of all students studying at the Farhangian University of Birjand (Imam Sajjad Campus) in the academic year of 2016-2017 (n=235). Using Cochran's formula and cluster random sampling, 146 subjects were selected as the sample of the research. Epstein, Bishop and Baldwin's Family Assessment Device (1983) and Novaco Anger Inventory (1986) were the research tools. For data analysis, Pearson correlation test and regression analysis were used. Correlation results showed that there is a negative and significant relationship between aggression and the subscales of communication, emotional connection, role play, overall performance, problem-solving, emotional companionship and behavior control ($P < 0.01$). The results of regression analysis for predicting aggression through the subscales of family performance showed that only the subscale of overall performance (-0.461) predicted

1. Lecturer, Education Science, Faculty Member, South Khorasan, Nehbandan, Corresponding Author; ali_zare@alumni.ut.ac.ir

2. BA, Education Science, Farhangian University, Birjand, Email: smohammadimoghadam98@gmail.com

aggression variable significantly. According to the findings, there is a negative and significant relationship between family performance and aggression. This means that the better the families' performance, the less aggressive their children will be. Therefore, families play an effective role in the future of their children and having a right performance, they can reduce their children's aggression.

Keywords: Family Performance, Aggression, Students

The Study of Distribution of Hygiene and Treatment Sector in the Towns of North Khorasan Province

Yaghoub Zarei¹

Abstract

In the health sector, management and resource allocation is of great importance, So that today one of the main actions developed countries to achieve social justice, There are regional gap in the field hygiene and treatment. By the same token the distribution of hygiene - treatment considered as one of the main factors measurement that can portray health system performance in a range of space clearly. Therefore, this study aimed at defining and measurement health system performance was conducted in the allocation of hygiene - treatment in the province of North Khorasan. The present study is an applied research that the research method is descriptive-analytic and gathering information the type of library and it was to collect information based on current census population and housing statistics (Particularly Statistical Yearbook 2014 North Khorasan Province). The study population was the entire counties of North Khorasan province to assess their level of development, 20 components in the form of development indicators from official statistics Province extraction and were evaluated using TOPSIS technique and principal components analysis. Analysis of results showed Bojnourd by a factor of 0.76 most developed county and Raz and Jargalanby a factor of 0.10 is the poorest county province terms of development in the hygiene and treatment sector. The results also show the mismatch between the distribution of hygiene - treatment services and demographic needs of the counties, there was the ruler of a general deprivation on hygiene and treatment sector in North Khorasan province.

Key Words: Health System, Hygiene and Treatment Sector, TOPSIS Technique, North Khorasan Province.

1. PhD, Geography and Rural Planning, Young Researchers and Elite Club, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran, Email: yaghoub.zarei@yahoo.com

**The Study of Measuring Cultural Capital Indices on Students’
Media Literacy
(Case Study: Students of Payam Noor Center of Qainat)**

Mohammad Hassan Sharbatian¹

Zahra Eskandari²

Abstract

Media literacy is a set of approaches that are active against broadcast media and follow its messages critically and rigorously. The purpose of this paper is to measure students’ benefit from media literacy and the study of the role of cultural capital and its indicators in increasing the media literacy. The theoretical framework of this research is a combination of Bourdieu, Hobbes, and Tamen’s theories. The method of this survey is of a practical type; and the statistical community of Payam Noor University students the sample size was 374 by Cochran formula and selected by stratified random sampling method. The tool for collecting self-researcher’s questionnaire has been constructed. After estimation, reliability of the questionnaire was obtained by Cronbach’s alpha of 0.93%; the formal credibility of the questionnaire has been made by sociologists. Using the Spss22 software and using descriptive and inferential statistics (Pearson, regression), the results of this study indicate that there is a relationship between the independent variable and the dependent variable (media literacy rate). The student literacy rate of media literacy has been assessed at a low (57.5%) percent rate, according to the results. Based on the results of cultural capital regression with a beta of 0/163, it has been able to explain the dependent variable of

1. Faculty Member, Sociology, Payam Noor University, Iran. Email: sharbatian@pnu.ac.

2. M.A, Sociology, Payam Noor University, Iran. Email: zahraeskandari.eskandari3@gmail.com

media literacy, Also, the results show that the prediction of the amount of cultural capital can explain 68.5% of variance of dependent variable, As a result, the effective relationship between cultural capital and media literacy is equal to 0.241. Based on the total, the total analysis of the indicators of cultural capital path analysis of 0.749 billion is directly and indirectly explained by media literacy.

Keyword: Students, Cultural Capital, Media Literacy, Payam Noor, Qainat

The Aesthetic function of artistic images in the book “Siahat-e Gharb”Mohammad Ghafourifar¹Alireza Hosseyni²**Abstract**

The book “Siahat-e Gharb” by Aghanjafi Ghoochani, is full of beautiful, attractive, and dynamic effects. One of these effects is the magnificent scenes and artistic images providing an illustration of the other world and people’s fate in that world. In this book, Agha njafi uses a series of apparently simple words and phrases to present magnificent scenes and beautiful images that can stimulate one’s thoughts and ideas while provoking emotions. These words and expressions are so vivid and influential that the reader, instead of just being a reader, finds himself/herself living in vibrant scenes that are full of movement and dynamicity. These artistic images appear in this book, on the one hand, because of the use of rhetorical techniques (metaphor, irony, and simile), personification, and imagination, and, on the other hand, due to the combination of elements such as conflict between scenes, conversation and etc. This research studies the concept of artistic images and its components in order to analyze the aesthetics of these images in the book “Siahat-e Gharb” by Aghanjafi Ghoochani.

Key words: Agha najafi Ghoochani, Siahat-e Gharb, Artistic Image, Hereafter

1. Assistant Prof, Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord; Email: Corresponding Author: m.ghafourifar65@gmail.com

2. Assistant Prof, Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Email: Alirhosseyni@yahoo.com

The Ani-Colonializing Theme of Mohammad Taqi-Bahar's Poems: The Poet of Khorasan in the Constitutional Revolution

Reza Mosa abadi¹

Mehdi Norouz²

Batul Fakhr Eslam³

Abstract

One of the most important events of the past 100 years is the constitutional movement, which has created a profound transformation in Iranian contemporary literature, and committed devotional writers have created valuable works with enduring propaganda against domestic tyranny, oppression of foreign colonialists and their aggression. Mohammad Taqi Bahar is one of the most committed and committed poets who against the dictatorship and colonial rule of the Constitutional Revolution, poetry and resistance effects with an informative and empowering approach based on homeland and oppression, the main characteristic of works and internal. This research was conducted with the aim of explaining and illustrating the effects of resistance and stability in the name of Malek al-Sha'ara Bahar by descriptive-analytical method. One of the most important findings of this research is that Divan Mohammad Taghi Bahar has the following themes: Inciting people against colonialism and tyranny, drawing their positions, commemorating national and religious heroes, patriotism, inviting them to fight and resisting aggression, instilling hope in a bright future, inviting to unify freedom and liberty. Each of these cases demonstrates the perseverance of the poetic expressions in his poems, with clear and obvious language.

Keywords: Colonialism, Bahar, homeland, khorasan, constitutionalism.

1. PhD Student, Persian Literature, Azad University of Neyshabur; Email: rezamoosabady@yahoo.com

2. Assistant Prof, Faculty Member, Azad University of Neyshabur; Email: mahdinovrooz@yahoo.com

3. Assistant Prof, Faculty Member, Azad University of Neyshabur; Email: Bt_Fam12688@yahoo.com

The Effect of Housing Rehabilitation Credits on Improving Rural Living Conditions

(Case Study: Central District, Taybad County, Iran)

Javad Mekaniki¹

Elaheh Davoodian²

Mofid Shateri³

Abstract

This research aimed to study the effects of Housing Rehabilitation Credits on improving three dimensions of quality of life in rural living: Social, Economic, and Physical. This is a descriptive-analytical study. Documentary and field studies were carried out to collect the data by answering to questionnaires and interviews in the field. The data were analyzed using the descriptive (mean and standard deviation) and inferential (two-stage) tests. Statistical population in the present study includes households in central part of rural districts in Taybad County. 5076 households in this area received rehabilitation credits for five years (2005-2010). Cochran's formula was used to determine the sample size and for which a sample of 180 households was selected to answer the questionnaires. The results showed that the credits had the greatest effect on the physical dimension and the least effect was reported on the social dimensions. In other words, according to statistics obtained by considering the average amount of people's points of view, the following social indicators reached to the least level of public satisfaction by inhabitants of Housing Project: easy access to central markets, educational

1. Associate Prof, Birjand University; Email: javadmikaniki@birjand.ac.ir

2. MA Student of Geography and Rural Planning, Birjand University; Email: elnazdavoodian@birjand.ac.ir

3. Assistant Prof, Geography, Birjand University, Email: mshateri@birjand.ac.ir

centers, transportation and medical centers in the village. It can be said that by providing plans that are conducive to the location of the villages, and locating suitable places for new housing that are in educational and medical centers neighborhood, easy access to these centers is provided for inhabitants and their expectations are met.

Keywords: Rural Housing, Facilities, Housing Rehabilitation, Rural Areas, Taybad

Table of Content

The Relationship between Family Performance and Aggression of Students at the Farhangian University of Birjand

Ali Zare Moghadam/ Somayeh Mohamadi Moghadam 7

Study Distribution Status of the Hygiene and Treatment sector in the Counties of North Khorasan Province

Yaghoub Zarei 25

The Study of Measuring Cultural Capital Indices on Students' Media Literacy (Case Study: Students of Payam Noor Center of Qainat)

MohammadHassan Sharbatian/ Zahra Eskandari 55

The Aesthetic function of artistic images in the book "Siahat-e Gharb" by Aghan-jafi Ghoochani

Mohammad Ghafourifar/ Alireza Hosseyni 89

The colonialization of the main poetry of Mohammad Taqi-Bahar Yeganeh poet of Khorasan in the Constitutional Revolution

Reza Mosaabadi/ Mahdi Norooz/ Batool Fakhreslam 109

The Effect of Housing Rehabilitation Credits on Improving Rural Living Conditions (Case Study: Central District, Taybad County, Iran)

Javad Mekaniki/ Elaheh Davodian/ Mofid Shateri 133

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

- Dr. Mohammad Reza Asadi Yoonesi/ Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Maryam Eskafi Noghabi, Assistant Professor, Azad University of Gonabad
- Dr. Mohammad Eskandari Sani, Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Bibi Aghdas Asghari, Assistant Professor, Azad University of Gonabad
- Dr. Hassan Amirabadizadeh, Assistant Professor, Medical University of Birjand
- Dr. Hadi Poor Shafei, Associate Professor, Birjand University
- Dr. Mahboobeh Khorasani, Assistant Professor, Azad University of Najafabad
- Dr. Leila Seifi, Assistant Professor, Birjand University
- Dr. Hamidreza Shams Esfandabadi, Assistant Professor, Azad University of Abarkooh
- Dr. Zahra Alizadeh Birjandi, Associate Professor, University of Birjand
- Dr. Ebrahim Kanani, Assistant Professor, Kosar University of Birjand
- Mahdi Vafaei Fard, Lecturer, University of Birjand

In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 46

ISBN 1735-8256

Vol. 12. No. 2. winter 2018

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Lithography & Press: Gnostic Institute

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ

..... ریال طی فیش شماره به حساب ۱-۴۵۱۶۷-۱۲-۳۶۱۱

بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - بابت اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی
مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>